ایران

شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) را تسلیت می‌گوییم

• پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۵
• ۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
• ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۷۳
• (۴ صفحه مجازی) +۱۲ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۲۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

نادر برهانی مرند، نویسنده و کارگردان نمایش «کوروش» در گفت‌وگو با «ایران»:

پشت چهره اسطوره‌ای کوروش انسانی ایستاده بود

تاریخ زمانی ارزش بازخوانی دارد که بتواند پرسشی را در اکنون بیدار کند نه اینکه گذشته را به زور به مسائل امروز شبیه کنیم



۵

پزشکیان در اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل:

صلح، پیش شرط حفاظت از محیط زیست است

نمی‌توان از آینده زمین سخن گفت اما از جنگ‌هایی که منابع طبیعی و حیات انسان‌ها را هدف قرار می‌دهند، چشم پوشید



یادداشت رئیس مرکز امور بین‌الملل سازمان حفاظت محیط زیست | حضور در کاپ۳۱؛ فرصتی برای دیپلماسی محیط زیستی و افشای جنایات جنگی

Getty Images

۱ ۳

از پرونده هسته‌ای ایران تا مذاکرات صلح روسیه - اوکراین

اروپا چگونه بازیگر حاشیه‌ای نظام بین‌الملل شد؟

۴

واکاوی روان‌شناختی اضطراب فراگیر از دست دادن شغل

هوش مصنوعی یار کمکی نه رقیب!

۸

وقتی «حالم خوب نیست» را جدی نمی‌گیریم

چه زمانی برای سلامت روان کمک بگیریم؟

۶

صفحات اینترنتی روزنامه ایران را بخوانید

مروری بر کتاب «روزی از روزهای اول پاییز» اثر ناتسومه سوسه کی
مسافر مسیر مدرن ۱۳

بازار خودرو بالاخره وارد فاز اصلاحی قیمت شد
حباب خودروها در آبان ترکید ۱۴

مسئولان آذربایجان غربی ظرفیت‌های اقتصادی سیاست دولت در گذرگاه‌های مرزی را تشریح کردند
شتاب تجارت در گذرگاه‌های ۲۴ ساعته ۱۵

«ایران»، آیین نامه تشکیل و فعالیت کانون هواداران باشگاه‌های فوتبال را بررسی می‌کند
فرهنگ‌سازی کاغذی ۱۶



بازگشت تماشایی برابر ایتالیا در المپیک جوانان داکار

برنز تاریخی دختران فوتسالیست ایران

گروه ورزشی / تیم فوتسال جوانان زنان ایران با نمایشی درخشان و بازگشتی تماشایی برابر ایتالیا، به مدال برنز بازی‌های المپیک جوانان ۲۰۲۶ داکار دست یافت و افتخاری تاریخی برای ورزش زنان ایران رقم زد؛ موفقیتی که به‌عنوان نخستین مدال جهانی دختران فوتسالیست ایران در این سطح از رقابت‌ها، اهمیت ویژه‌ای دارد.

دختران فوتسالیست ایران که رقابت‌های مرحله گروهی را با اقتدار پشت سر گذاشته بودند، با کسب سه پیروزی متوالی مقابل تیم‌های قدرتمند ایتالیا، کامرون و کاستاریکا، با صدرنشینی در گروه خود راهی مرحله نیمه‌نهایی شدند. شاگردان فاطمه شریف در این مرحله به مصاف ونزوئلا رفتند و در دیداری نزدیک و نفسگیر، با نتیجه ۳ بر ۲ در وقت‌های اضافه شکست خوردند تا فرصت حضور در دیدار پایانی را از دست بدهند.

شکست برابر ونزوئلا، مسیر دختران ایران را برای کسب مدال به دیدار رده‌بندی و تقابل دوباره با ایتالیا کشاند؛ مسابقه‌ای حساس که دو تیم با انگیزه فراوان برای کسب مدال برنز در آن حاضر شدند. این دیدار فرصتی بود تا ملی‌پوشان ایران ناکامی در نیمه‌نهایی را جبران کنند و رقابت‌های داکار را با خاطره‌ای شیرین به پایان برسانند.

تیم ایران در این مسابقه شروع چندان مطلوبی نداشت و نیمه نخست را با نتیجه ۲ بر یک به حریف واگذار کرد. ملی‌پوشان جوان کشورمان در نیمه دوم با ارائه نمایشی هجومی، افزایش فشار روی دروازه ایتالیا و بهره‌گیری از اشتباهات پیاپی دروازه‌بان این تیم، ورق بازی را برگرداندند. دختران ایران با به ثمر رساندن چهار گل دیگر، نتیجه را تغییر دادند و پیروزی ارزشمند ۵ بر ۲ را جشن گرفتند.

این برد تماشایی، مدال برنز رقابت‌های فوتسال بازی‌های المپیک جوانان را برای ایران به ارمغان آورد تا شاگردان فاطمه شریف با شایستگی روی سکوی سوم این رویداد بین‌المللی بایستند.

نکته قابل توجه اینکه فوتسال در دو دوره اخیر المپیک جوانان جایگزین فوتبال شده است. پیش از این، فوتبال در برنامه رقابت‌ها قرار داشت و بهترین عملکرد تیم جوانان ایران در این رشته، کسب مقام چهارم در سال ۲۰۱۰ بود.

با ثبت این مدال ارزشمند، شمار افتخارات کاروان ایران به دو مدال نقره و پنج مدال برنز رسید و جایگاه کشورمان در جدول توزیع مدال‌های بازی‌های المپیک جوانان داکار به رتبه ۵۳ ارتقا یافت. دختران فوتسالیست ایران با این افتخار تاریخی، فصل تازه‌ای در مسیر پیشرفت فوتسال زنان کشور رقم زدند.

پزشکیان در اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل:

صلح، پیش‌شرط حفاظت از محیط زیست است

رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان، صبح چهارشنبه بیستم آبان ماه، برای شرکت و سخنرانی در سی‌ویکمین اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (کاپ ۳۱)، با بدرقه رسمی معاون اول رئیس‌جمهور، معاون بین‌الملل دفتر رهبر انقلاب و جمعی از اعضای کابینه، تهران را به مقصد ترکیه ترک کرد. سفری دو روزه که پزشکیان پیش از عزیمت، آن را بستری مناسب برای گفت‌وگو درباره وضعیت اقلیم، مسائل منطقه‌ای و تشریح دیدگاه‌های ایران در قبال آنچه اقدامات مخرب آمریکا و اسرائیل علیه محیط زیست ایران و منطقه خواند، توصیف کرد. به گفته رئیس جمهوری، نمایندگان ۱۹۶ کشور جهان در این نشست حضور دارند که ۷۱ کشور با شرکت رؤسای جمهوری یا نخست‌وزیران خود در آن مشارکت می‌کنند. ظرفیتی که از نگاه تهران، امکان طرح مستقیم دیدگاه‌ها و مطالبات ایران را در سطح عالی دیپلماسی بین‌المللی فراهم می‌آورد.

در حاشیه این اجلاس، دیدار با سران و مقام‌های بیش از ۱۰ کشور پیش‌بینی شده است که تا شامگاه دیروز دیدار با نزار آمیدی رئیس جمهوری عراق، شهباز شریف نخست‌وزیر پاکستان، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان و یوناس گار استوره نخست‌وزیر نروژ.

رئیس‌جمهوری اعلام کرده است که در دیدارهای خود با مقام‌های دیگر کشورها، مواضع جمهوری اسلامی درباره تحولات منطقه، پیامدهای تجاوزات نظامی و عملکرد آمریکا و اسرائیل را تشریح خواهد کرد. وی با انتقاد از آنچه دوگانگی میان ادعاهای حقوق بشری و دموکراسی خواهانه برخی قدرت‌ها با رفتار عملی آنها می‌خواند، به تحولات انتخاباتی در آمریکا، اسرائیل و اروپا نیز اشاره کرد و آن را نشانه‌ای از مخالفت افکار عمومی با جنگ‌طلبی و تجاوزگری دانست. بر این اساس، حضور پزشکیان در کاپ ۳۱ تنها به دستور کار زیست‌محیطی اجلاس محدود نبود و موضوعات سیاسی و منطقه‌ای نیز جایگاه ویژه‌ای در سخنرانی و دیدارهای دیپلماتیک او داشت. سفری که رئیس‌جمهوری ابراز امیدواری کرده است با انتقال پیام مردم ایران و دستیابی به نتایج مطلوب برای کشور همراه شود.

رئیس‌جمهوری کشورمان در سخنرانی خود در سی‌ویکمین اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل (کاپ۳۱)، با اشاره به ضرورت بازنگری در مفهوم مسئولیت مشترک، عدالت اقلیمی و ارتباط میان صلح و محیط زیست، تأکید کرد که نمی‌توان از آینده زمین سخن گفت، اما نسبت به پیامدهای زیست‌محیطی جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی بی‌تفاوت بود. پزشکیان محیط زیست را یکی از قربانیان خاموش جنگ‌ها توصیف کرد که آثار تخریب آن حتی تا نسل‌ها پس از پایان مخاصمات نیز باقی می‌ماند. مشروح سخنان رئیس‌جمهوری به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

عالی‌جنابان

رؤسای محترم دولت‌ها و هیأت‌های نمایندگی

خانم‌ها و آقایان، ابتدا لازم می‌دانم، از میزبانی شایسته دولت و ملت دوست و برادر جمهوری ترکیه تشکر کنم. نشست حاضر در شرایطی برگزار می‌شود که جهان بیش از هر زمان دیگری به بازنگری در مفهوم مسئولیت مشترک، عدالت اقلیمی و پیوند گسست‌ناپذیر میان صلح و محیط زیست نیازمند است. امروز نمی‌توان از آینده زمین سخن گفت، اما از جنگ‌هایی که خاک، آب، هوا، منابع طبیعی و حیات انسان‌ها را هدف قرار می‌دهند، چشم پوشید. محیط زیست، قربانی خاموش جنگ‌هاست که آثار تخریب آن تا نسل‌ها پس از مخاصمات، باقی می‌ماند.

تجاوز جنایت‌آمیز و غیرقانونی اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، در کنار ابعاد گسترده خسارت انسانی و اقتصادی، آسیب جدی به محیط زیست وارد کرده و حجم عظیمی از آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای را وارد جو کرده است. به طوری که مطابق ارزیابی‌های انجام‌شده، حمله به تأسیسات سوخت در عسلویه، موجب انتشار حدود ۵۰۰ هزار تن؛ و حمله عمدی به مخازن سوخت اطراف تهران باعث انتشار یک میلیون تن دی‌اکسیدکربن شده است.

این یک تناقض آشکار و نگران‌کننده است. در حالی که جامعه جهانی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییرات اقلیمی تلاش می‌کند، عملیات نظامی گسترده با مصرف سوخت، انفجار مهمات، تخریب زیرساخت‌ها و ایجاد آتش‌سوزی‌های گسترده، دستاورد سال‌ها تلاش اقلیمی و زیست‌محیطی را نابود می‌سازد. و جای بسی تأسف است که در حملات اخیر، همچنین شاهد حمله به مناطق حفاظت‌شده و پایگاه‌های محیط‌بانی بوده‌ایم؛ حمله به این مناطق، تعرض به سرمایه مشترک نسل‌های امروز و فرداست.

رهبر شهید ما (که رحمت واسعه خدا بر ایشان باد) در ذیل توجه به اهمیت محیط زیست، بر این اصل تأکید داشتند که: به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف از جمله تسلیحات هسته‌ای مصداق ضایع کردن «حرث و نسل» است؛ یعنی نابودی کشت، حیات، انسان و نسل‌های آینده. این تعبیر قرآنی، در حقیقت بیانگر رویکردی بنیادین نسبت به موضوع محیط زیست است: به این معنا که «هیچ قدرتی حق ندارد به نام امنیت یا برتری نظامی، بنیان‌های حیات روی زمین را با خطر نابودی مواجه سازد.» بر این اساس، ما خواستار تقویت سازوکارها برای مستندسازی، پیشگیری و پاسخگو کردن این اقدامات از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی هستیم .

خانم‌ها و آقایان

جمهوری اسلامی ایران با وجود تحریم‌های ظالمانه و محرومیت از دسترسی به منابع مالی و فن‌آوری‌های بین‌المللی، مسیر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و توسعه انرژی‌های پاک را دنبال کرده است. در این راستا ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور در دو سال اخیر از حدود ۱۲۵۰ مگاوات به بیش از ۶۱۵۰ مگاوات افزایش یافته است و در سال جاری تولید برق پاک به بیش از ۴/۵ میلیارد کیلووات‌ساعت رسیده و از انتشار حدود ۲/۵ میلیون تن دی‌اکسیدکربن جلوگیری شده است. این دستاوردها نشان می‌دهد که اراده ملی ایران برای حفاظت از اقلیم، حتی در دشوارترین شرایط اقتصادی و جنگ، متوقف نشده است. از جامعه جهانی و سازمان‌های مسئول انتظار داریم که میان تعهدات اقلیمی در زمان صلح و مسئولیت در زمان جنگ، پیوند واقعی برقرار سازند و با مستندسازی خسارات زیست‌محیطی ناشی از تجاوزات نظامی، سازوکارهای جبران خسارت را تقویت نمایند.

مایلم در پایان سخن به این نکات تأکید کنم: زمین، میراث یک ملت یا یک نسل نیست. آن را از نسل‌های پیشین به امانت گرفته‌ایم و باید سالم‌تر و امن‌تر به نسل‌های آینده بسپاریم.

صلح، پیش‌شرط حفاظت از محیط زیست است و حفاظت از محیط زیست، پیش‌شرط صلح پایدار. جمهوری اسلامی ایران برای همکاری عادلانه، مسئولانه و هم افزا در مسیر حفاظت از محیط زیست آمادگی دارد. از توجه شما سپاسگزارم.

فرصت دیدارهای دوجانبه

حضور در ترکیه فرصتی برای دیدارهای دوجانبه رئیس‌جمهوری کشورمان با برخی از سران کشورهای حاضر در این نشست هم بود. پزشکیان با نزار آمیدی رئیس جمهوری عراق، شهباز شریف نخست‌وزیر پاکستان، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان و یوناس گار استوره نخست‌وزیر نروژ دیدار و درباره تقویت همکاری‌های دو جانبه تأکید کرد.

پس از دیدار پزشکیان با شهباز شریف، دفتر نخست‌وزیری پاکستان در اسلام‌آباد با صدور بیانیه‌ای درباره دیدار سران ایران و پاکستان در حاشیه اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل در آنتالیای ترکیه اعلام کرد: این دیدار در فضایی گرم و صمیمانه برگزار شد، سران دو کشور بر پیوندهای نزدیک و دیرینه میان پاکستان و ایران و ضرورت تقویت هرچه بیشتر روابط دوجانبه در تمامی حوزه‌های همکاری‌های مشترک تأکید کردند. دو طرف همچنین پیرامون تحولات جاری در منطقه به تبادل نظر پرداختند. نخست‌وزیر پاکستان با ابراز نگرانی عمیق نسبت به تداوم درگیری‌ها، بر ضرورت گفت‌وگو، خویشتن‌داری، کاهش تنش و تداوم تعاملات دیپلماتیک برای دستیابی به صلح و ثبات پایدار در منطقه تأکید کرد. وی همچنین بر اهمیت پیگیری تفاهمات حاصل‌شده در چارچوب «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» (مورخ ژوئن ۲۰۲۶) تأکید ورزید و آمادگی اسلام‌آباد را برای ایفای نقشی صادقانه و سازنده در راستای حمایت از صلح و ثبات منطقه‌ای اعلام کرد. در بیانیه دفتر نخست‌وزیری پاکستان آمده است: رئیس جمهور مسعود پزشکیان از حمایت‌های دیپلماتیک مستمر پاکستان از ایران و تلاش‌های این کشور در جهت صلح و امنیت منطقه‌ای قدردانی کرد.

رئیس‌جمهوری ایران همچنین با اشاره به استحکام پایدار روابط ایران و پاکستان (که ریشه در قرن‌ها تاریخ، فرهنگ و اعتقادات مشترک دارد) بر تمایل جدی تهران برای تعمیق هرچه بیشتر همکاری‌ها در طیف گسترده‌ای از حوزه‌ها تأکید کرد. طرفین با اذعان به اهمیت تداوم رایزنی‌های منظم و هماهنگی نزدیک برای مقابله با چالش‌های مشترک و بهره‌برداری از فرصت‌های نوظهور، توافق کردند که در راستای حمایت از صلح، امنیت و رفاه منطقه‌ای، همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند.

چه کسی صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند؟

مسعود پزشکیان در آستانه سی و یکمین اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل «کاپ ۳۱» در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس به زبان انگلیسی، نوشت: آنها جنگ را آغاز کردند و ادعا کردند که هدفشان جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای است. سپس، برای اولین بار، از موشک «پی‌آر‌اس‌ام» در لامرد استفاده کردند. چه کسی صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند؟ اکنون، آنها از «مادر تمام بمب‌ها» استفاده می‌کنند تا از طریق تهدید، به دیپلماسی بپردازند. هیچ تناقضی در این رفتار وجود ندارد اما این یک ننگ است. چه کسی صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند؟

جناب آقای محمد محمدی

معاون محترم بیمه ای سازمان تأمین اجتماعی

درگذشت والده گرامی جنابعالی را تسلیت گفته، از خداوند متعال برای آن عزیز سفرکرده، آمرزش و آرامش و برای شما و همه بازماندگان، صبوری و شکوری طلب می کنیم.

خبرگزاری جمهوری اسلامی و مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

ایران سازمان تبلیغات اسلامی

با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران

دیده خواهید شد

الوفاق | IRAN DAILY | ایران online | ایران دانشی

خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷

ایران آگهی مناقصه مزایده فراخوان

اخبار

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت دو هنرمند و نویسنده انقلابی



حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیام‌های جداگانه‌ای درگذشت هنرمند متعهّد و انقلابی، آقای «کوروش زارعی» و آقای «منصور انوری» نویسنده انقلابی را تسلیت گفتند.
متن پیام رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

درگذشت جناب آقای «کوروش زارعی» هنرمند متعهد و انقلابی کشور موجب تأسف شده است. فعالیت‌های بی‌وقفه آن مرحوم در گسترش هنرهای نمایشی در شهرها و مناطق کمتر برخوردار کشور و پایمردی او بر ارزش‌های انقلاب اسلامی تحسین‌برانگیز بود. اینجانب با عرض تسلیت به خانواده ایشان و جامعه هنری کشور، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و مغفرت و اجر الهی مسألت می‌کنم.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۲۰ آبان ۱۴۰۵

همچنین در متن پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت نویسنده انقلابی آقای منصور انوری آمده است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

درگذشت جناب آقای «منصور انوری» نویسنده متعهّد و انقلابی موجب تأسف گردید. آن مرحوم با خلق آثار متعدّد از جمله رمان دوازده جلدی «جاده جنگ» که مورد توجه و تحسین امام مجاهد شهید قرار گرفت، دِین خود را به انقلاب اسلامی ادا کرد. اینجانب با عرض تسلیت به خانواده ایشان و جامعه ادبی کشور، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش، مغفرت و اجر الهی مسألت می‌کنم.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۲۰ آبان ۱۴۰۵

با حضور اقشار مختلف مردم و از سوی رهبر انقلاب برگزار شد

مراسم عزاداری ایام شهادت حضرت فاطمة‌الزهرا(س)

دومین شب مراسم عزاداری ایام شهادت حضرت فاطمة‌الزهرا سلام‌الله علیها در زینبیه و در جوار محل عروج ملکوتی آقای شهید با حضور اقشار مختلف مردم برگزار شد. این مراسم که از سوی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی برگزار می‌شود، پس از اقامه نماز مغرب و عشاء، تلاوت قرآن و نوحه سرایی و سخنرانی در رثای حضرت صدیقه کبری تا پیش از ساعت برگزاری تجمعات شبانه امت مبعوث برقرار بود. مراسم عزاداری ایام فاطمیه از طرف رهبر انقلاب اسلامی که از نماز مغرب و عشاء آغاز می‌شود، تا شامگاه شنبه ۲۳ آبان ادامه خواهد داشت.

محسنی اژه‌ای در دیدار با خانواده شهید حسن طهرانی مقدم:

رهبر شهید معمار صنعت هوافضا بودند



رئیس دستگاه قضا، در آستانه پانزدهمین سالگرد شهادت شهید حسن طهرانی مقدم، با حضور در منزل این شهید والامقام، در فضایی صمیمی با همسر مکرم و اعضای خانواده ایشان به گفت‌وگو پرداخت.
حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای طی سخنانی در این دیدار گفت: «خانواده‌های شهدا، قطعاً در مجاهدت‌های شهیدان‌شان سهیم و شریک‌اند؛ از جمله همسر شهید طهرانی مقدم، بدون تردید در مجاهدت‌های این شهید عالی‌مقام شریک هستند.»
رئیس قوه قضائیه تصریح کرد: «ما امروز ارزش مجاهدت‌های شهید طهرانی مقدم و همرزمان‌شان در دهه‌های قبل را بیش از همیشه متوجه می‌شویم.»
حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه، از رهبر شهید به‌عنوان معمار صنعت هوافضای ایران یاد کرد و گفت: «امام شهید ما، همواره در خصوص تولید قدرت برای نظام جمهوری اسلامی ایران در ساحت‌های مختلف، تأکیدات فراوانی داشتند؛ اگر همه ما به مانند شهید طهرانی مقدم به این تأکیدات گوش می‌دادیم و آنها را به مرحله اجرا می‌رساندیم، قطعاً وضعیت‌مان نسبت به امروز بسیار متفاوت بود.» حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه، با اشاره به لقب «پدر موشکی ایران» که برای شهید طهرانی مقدم به کار می‌رود، اظهار کرد: «برداشت من این است که لقب «پدر موشکی ایران» برای شهید طهرانی مقدم، لقبی نارساست و حق مطلب را ادا نمی‌کند؛ امروز عظمت و شوکت و پیروزی ما بر مستکبرین عالم، مرهون تلاش و تولید شهید حسن طهرانی مقدم و همرزمان ایشان است؛ اما آنچه اهمیت به مراتب بیشتری دارد، این است که این شهید عالی‌مقام و همکارانش، برای ملت ما، تولید خودباوری کردند.»

عارف در جلسه هیأت دولت خبر داد

تهران ۱۲ و ۱۳ آذر میزبان اجلاس سران اکو

دولت

گروه سیاسی



معاون اول رئیس جمهور در جلسه هیأت دولت با اشاره به برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در روزهای ۱۲ و ۱۳ آذر در تهران، اظهار کرد: «برگزاری این اجلاس دستاوردهای ارزشمندی برای کشورهای عضو اکو خواهد داشت و به توسعه همکاری‌ها و تعاملات منطقه‌ای کمک می‌کند.»
محمدرضا عارف با تأکید بر اهمیت میزبانی شایسته ایران از این رویداد منطقه‌ای گفت: «برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات اجرایی لازم برای برگزاری مناسب اجلاس آغاز شده است و همه وزرا و اعضای کابینه باید همکاری لازم را با کمیته برگزاری اجلاس سران اکو داشته باشند.» او تأکید کرد: «باید با هماهنگی و مشارکت دستگاه‌های مسئول، شرایطی فراهم شود تا شاهد برگزاری اجلاسی در شأن و جایگاه جمهوری اسلامی ایران باشیم.»
معاون اول رئیس جمهور با اشاره به سفر رئیس جمهوری به ترکیه برای شرکت در سی‌ویکمین اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (کاپ ۳۱)، بر ضرورت اتخاذ تصمیمات اصولی برای حفاظت از محیط زیست تأکید کرد. عارف اظهار کرد: «جمهوری اسلامی ایران همواره حضور و مشارکتی جدی در اجلاس‌های بین‌المللی محیط زیستی داشته و به حفاظت از محیط زیست اعتقاد جدی دارد.» وی با انتقاد از عملکرد کشورهای پیشرفته گفت: «کشورهای پیشرفته در دهه‌های گذشته با اقدامات خود محیط زیست را تخریب کرده‌اند، اما اکنون کشورهای در حال توسعه را موظف به مراقبت از محیط زیست می‌کنند.»
معاون اول رئیس جمهور افزود: «این کشورها امروز موضوع محدودسازی استفاده از کربن را مطرح می‌کنند، در حالی که تا زمانی که خود به استفاده از آن نیاز داشتند، هیچ محدودیتی در این زمینه اعمال نمی‌کردند.» عارف با اشاره به پیامدهای محدودیت‌های کربنی برای کشورهای دارای منابع نفتی و اقتصادهای نوپا، اظهار کرد: «کشورهای پیشرفته این محدودیت‌ها را با هدف جلوگیری از توسعه چنین کشورهایی دنبال می‌کنند.» وی در عین حال بر تداوم مشارکت فعال جمهوری اسلامی ایران در اجلاس‌های بین‌المللی محیط زیستی و ضرورت اتخاذ تصمیمات اصولی برای حفاظت از محیط زیست تأکید کرد.
در جلسه هیأت دولت، وزیر ورزش و جوانان و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گزارشی از روند رسیدگی به مصدومان حادثه اخیر اتوبوس حامل دختران ورزشکار در مسیر آبادان به تهران ارائه کردند.
معاون اول رئیس جمهور پس از استماع گزارش‌ها، بر ضرورت تداوم مراقبت‌های درمانی از مصدومان این حادثه تأکید کرد و به وزیر ورزش و جوانان دستور داد علت وقوع حادثه بررسی شود تا با شناسایی عوامل مؤثر، از تکرار حوادث مشابه جلوگیری شود. عارف با تأکید بر ضرورت ارتقای ایمنی حمل‌ونقل جاده‌ای، به وزیر راه و شهرسازی دستور داد پیشنهادهای لازم برای نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی را هرچه سریع‌تر تهیه و برای بررسی ارائه کند. معاون اول رئیس جمهور با انتقاد از تداوم آمار بالای تلفات جاده‌ای گفت: «با وجود همه تلاش‌ها و اقداماتی که در سال‌های اخیر انجام شده است، موفقیتی در کاهش تعداد تلفات جاده‌ای کسب نکرده‌ایم.»
وی تأکید کرد: «لازم است از هم‌اکنون برنامه‌ریزی‌های لازم برای رفع عوامل بروز حوادث رانندگی انجام شود تا در تعطیلات پایان سال شاهد افزایش سوانح جاده‌ای نباشیم.»

دولت در صنعت دارو تسهیلگر باشد نه مداخله گر

عارف همچنین دیروز در دیدار با دست‌اندرکاران بخش سلامت و جامعه داروسازان، با قدردانی از عملکرد صنعت دارو در دو جنگ تحمیلی اخیر، بر ضرورت اصلاح ساختارهای مدیریتی و اقتصادی این صنعت، رفع موانع تولید و صادرات، تأمین پایدار دارو و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأکید کرد.
وی با بیان اینکه عملکرد بخش سلامت، بویژه صنعت دارو، در دو جنگ اخیر درخشان و فراتر از وظایف محوله بوده است، اظهار کرد: «داروسازان فراتر از انتظارات عمل کردند و توانستند داروی مورد نیاز کشور را در شرایط جنگی تأمین کنند.» عارف با تأکید بر ضرورت اصلاح نقش دولت در صنعت دارو گفت: «دولت به میدان‌داری بخش خصوصی در همه مراحل، از واردات مواد اولیه تا تولید، توزیع و تحویل دارو به بیمار اعتقاد دارد و باید به‌جای مداخله مستقیم، نقش تسهیلگر ایفا کند.
وی وجود یک ساختار جدی و پویا در بخش دارو را ضروری دانست و افزود: «مداخلات غیرضروری و سازوکارهای پیچیده اداری باید کاهش یابد تا فعالان این صنعت بتوانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تولیدی کشور، فعالیت خود را توسعه دهند.»
معاون اول رئیس جمهور با اشاره به ضرورت تدوین یک «سند راهبردی دارو» برای تعیین مسیر آینده این صنعت اظهار کرد: «دولت باید در حوزه دارو تسهیلگر باشد و مداخلات خود را کاهش دهد. در شرایط فعلی، هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان گلایه‌هایی دارند و کاهش مداخلات می‌تواند زمینه رشد صنعت دارو و افزایش ارزش افزوده آن را فراهم کند. دولت آمادگی دارد طرحی برای کاهش مداخله‌گری در صنعت دارو با رعایت حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تهیه کند.»

> در شرایط فعلی، هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان گلایه‌هایی دارند و کاهش مداخلات می‌تواند زمینه رشد صنعت دارو و افزایش ارزش افزوده آن را فراهم کند. دولت آمادگی دارد طرحی برای کاهش مداخله‌گری در صنعت دارو با رعایت حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تهیه کند

عارف با تأکید بر اینکه نظارت بر بازار از وظایف حاکمیتی دولت است، گفت: «دولت وظیفه دارد از جهش بی‌دلیل قیمت‌ها جلوگیری کند، اما آمادگی دارد نظارت بر بازار دارو را به اتحادیه داروسازان واگذار کند. وی با تأکید بر ضرورت رعایت حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، کاهش مداخلات غیرضروری و واگذاری امور به بخش خصوصی در چارچوب قوانین و ضوابط کشور را از راهبردهای دولت برشمرد.
معاون اول رئیس جمهور در جمع‌بندی این نشست، تدوین سیاست‌های ملی دارویی را برای تعیین راهبردهای کشور در حوزه تولید، تأمین و توزیع دارو ضروری دانست. عارف به معاون هماهنگی و نظارت اقتصادی خود دستور داد با همکاری تشکل‌های تخصصی داروسازی، شرکت‌های بزرگ و صاحب‌نظران این حوزه، سیاست‌های ملی دارویی را تدوین کند.
وی با تأکید بر ضرورت استفاده از دیدگاه‌های تخصصی فعالان صنعت دارو، خواستار آن شد که سیاست‌گذاری در این حوزه با توجه به ظرفیت‌های تولیدی کشور، نیازهای مردم و الزامات توسعه صنعت داروسازی انجام شود.
معاون اول رئیس جمهور همچنین بر ضرورت برگزاری منظم جلسات شورای مشورتی دارو تأکید کرد تا مسائل و مشکلات این صنعت به‌صورت مستمر بررسی و پیگیری شود.
در این نشست، شماری از مدیران شرکت‌های داروسازی به بیان دستاوردها و چالش‌های صنعت دارو پرداختند. هاله حامدی‌فر مدیرعامل گروه دارویی سیناژن، با اشاره به موفقیت‌های کشور در تولید و صادرات فناوری و محصولات دارویی زیست‌فناورانه و پیشرفته گفت: «حتی در دوران جنگ ۴۰ روزه نیز صادرات محصولات این شرکت ادامه داشت و تولید دارو حتی یک روز متوقف نشد».
وی با انتقاد از شرایط فعلی قیمت‌گذاری دارو، خواستار اصلاح این سازوکار شد و تأکید کرد که شیوه موجود مشکلات متعددی برای فعالان صنعت داروسازی ایجاد کرده است.
صیادی مدیر گروه دارویی زاگرس نیز با بیان اینکه داروسازان می‌دانند دولت در تأمین نقدینگی مشکلاتی دارد، خواستار تهاتر بدهی‌های دولت با اموال و دارایی‌های غیرمولد دولتی شد. قلنبر مدیرعامل شرکت سل‌تک فارمد، نیز خواستار آن شد که تا زمان تدوین دستورالعمل‌های مربوط به محصولات سلول‌درمانی، تولید این محصولات متوقف نشود. عبده‌زاده مدیرعامل شرکت نوآوران دارویی کیمیا، بر ضرورت برقراری خطوط پروازی مستقیم و منظم برای واردات مواد اولیه دارویی، فراهم‌شدن امکان ثبت سفارش قطعات مورد نیاز صنعت داروسازی و جلوگیری از توقف فعالیت کمیسیون قیمت‌گذاری تأکید کرد.
عبداللهی مدیرعامل شرکت آوان بهمن شیمی، با اشاره به ضرورت حمایت از صنعت داروسازی گفت: «سرکوب قیمت‌ها موجب کاهش درآمد شرکت‌های داروسازی و فرسودگی تجهیزات تولیدی آنها شده است. مهرآمیزی مدیرعامل شرکت داروسازی تهران شیمی، نیز قیمت‌گذاری دستوری، مطالبات پرداخت‌نشده و مشکلات حمل‌ونقل را از مهم‌ترین چالش‌های صنعت داروسازی کشور برشمرد.»

قالیباف: توسعه روابط راهبردی ایران و چین باید به همکاری‌های عملیاتی برسد

مجلس

گروه سیاسی



رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور چین در ادامه، چهار محور اصلی را به‌عنوان نقشه راه توسعه تعاملات ایران و چین برشمرد. وی اولین محور را نقش چین در پایان دادن به جنگ و عبور از شرایط نه جنگ و نه صلح عنوان کرد و گفت: «تجربه چین در مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و حمایت از تقویت جنوب جهانی می‌تواند فرصت‌های مهمی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کند. همکاری و هم‌افزایی تهران و پکن می‌تواند علاوه بر کمک به حل مسائل موجود، زمینه تحکیم روابط راهبردی دو کشور را فراهم سازد.»
قالیباف تغییر شرایط منطقه پس از جنگ را دومین محور همکاری دانست وگفت: تحولات اخیر نشان داده است که امنیت پایدار منطقه باید با نقش‌آفرینی کشورهای منطقه تأمین شود و اتکا به امنیت وارداتی از سوی قدرت‌های خارجی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای منطقه باشد. وی با اشاره به روابط چین با ایران و سایر کشورهای عربی منطقه، نقش پکن را در شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای و افزایش ثبات مهم ارزیابی کرد.
قالیباف سومین محور را تحولات ساختاری نظام بین‌الملل و حرکت جهان به سمت ساختاری چندمرکزی دانست و بر اشتراکات ایران و چین در موضوعاتی همچون احترام به حاکمیت ملی، استقلال کشورها، چندجانبه‌گرایی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی تأکید کرد.
نماینده ویژه ایران در امور چین، توسعه همکاری‌های اقتصادی، فناوری و سرمایه‌گذاری بلندمدت را چهارمین محور روابط دو کشور معرفی کرد و بر ضرورت افزایش سهم تولید مشترک، انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های توسعه‌ای در مناسبات تهران و پکن تأکید کرد.

ضرورت ایجاد سازوکار منسجم برای اجرای توافقات

قالیباف برنامه جامع همکاری ۲۵ساله ایران و چین را چارچوبی بلندمدت برای جهت‌دهی به همکاری‌های دو کشور دانست که تحقق آن مستلزم تعریف پروژه‌های مشخص، توافقات اجرایی، تأمین مالی و مسئولیت‌پذیری دستگاه‌ها و بنگاه‌های ذی‌ربط است.
وی در پایان تأکید کرد: «اراده تهران و پکن برای گسترش و تعمیق روابط بالاست، اما آنچه اهمیت دارد، شکل‌گیری زنجیره‌ای منسجم از تصمیم‌گیری تا اجرا و ارزیابی نتایج است؛ به‌گونه‌ای که هر توافق مهم از مسیر روشن اجرا، مسئولیت مشخص، سازوکار تأمین مالی و امکان ارزیابی پیشرفت برخوردار باشد.»

اتحاد و انسجام؛ ضرورتی راهبردی برای عبور عزتمندانه از شرایط کنونی

دیدگاه



مرتضی جوادی آملی
مدرس حوزه

ایران امروز با توجه به ضرورت اتخاذ تصمیم‌های راهبردی در مواجهه با تهدیدهای دشمن و در عین حال امکان حل مسائل از طریق مذاکره، به بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های فکری و کارشناسی کشور برای تصمیم‌گیری صحیح و عبور عزتمندانه از شرایط جاری نیازمند است. بی‌تردید، یکی از اولویت‌های اساسی امروز آن است که همگان بیندیشند چگونه می‌توان در برابر دشمنی سهمگین و سرسخت که در مقابل ملت ایران، کشور و نظام اسلامی قد علم کرده است، به‌گونه‌ای عمل کرد که ضمن عبور از این شرایط دشوار، کمترین آسیب به کشور وارد شود و در کنار مراعات اقتضائات جنگ، موضوع مذاکره به نحوی پیگیری شود که ضمن تأمین مصالح و منافع کشور، عزت، جلال و شکوه ایران و نظام اسلامی را نیز حفظ کند. بی‌شک نخستین ضرورت دستیابی به این هدف اتحاد و انسجام ملی و اسلامی است که از رهبر انقلاب تا مسئولان کشور، همگی بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند. بر این اساس، انسجامی که امروز همگان بر ضرورت آن تأکید می‌کنند، صرفاً یک توصیه اخلاقی یا سیاسی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی است که می‌تواند در مسیر شکل‌گیری و تقویت جریانی اصیل، الهی، اسلامی و ایرانی نقش‌آفرین باشد.
بااین حال، تحقق واقعی اتحاد و انسجام، مستلزم بررسی دقیق و تحلیل همه‌جانبه دیدگاه‌ها و نظرات مختلف است.
حفظ وحدت و انسجام و استفاده از ظرفیت‌های موجود برای پیشبرد منافع ملی، در وهله نخست مستلزم شرح صدر، سعه‌نظر و تأمل و بررسی دقیق همه دیدگاه‌ها و تحلیل‌هاست. گاهی ممکن است در نگاه نخست، میان برخی نظرات نوعی اختلاف یا حتی مخالفت مشاهده شود؛ اما با بررسی عمیق‌تر و همه‌جانبه روشن می‌شود که در دیدگاه‌های مختلف، نکات و ملاحظات ارزشمندی درباره مصالح کشور وجود دارد که شایسته است مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد.
نکته دوم آن است که هدف ما نباید صرفاً جلوگیری از اختلاف و تقابل دیدگاه‌ها باشد، بلکه باید به دنبال شکل‌دادن به وحدتی سازنده و فراگیر باشیم. وحدتی که بتواند همچون زنجیره‌ای منسجم، همه ظرفیت‌ها، دیدگاه‌ها و ملاحظات مربوط به مصالح کشور را در کنار یکدیگر قرار دهد و مجموعه‌ای هماهنگ از تدابیر و راهکارها را برای عبور عزتمندانه از شرایط حساس کنونی فراهم آورد.
در این میان، احزاب، تشکل‌های مدنی، شخصیت‌های علمی، کارشناسان و فعالان سیاسی، هریک می‌توانند در تبیین مسائل و ارائه راهکارهای مناسب نقش داشته باشند. بنابراین، مقصود از اتحاد و انسجام این نیست که حتماً احترامی ظاهری برای دیدگاه‌های دیگران قائل شویم یا در مقام سخن، از نظرات آنان استقبال کنیم، بلکه مسأله اساسی آن است که در مقام عمل نیز دیدگاه‌هایی را که با هدف تأمین صلاح و مصلحت کشور مطرح می‌شوند، جدی بگیریم و در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار دهیم.
متأسفانه تاریخ ایران کمتر شاهد تجربه‌های پایدار اتحاد و انسجام ملی بوده است. در طول تاریخ، دشمنان همواره کوشیده‌اند با اختلاف‌افکنی، ایجاد تفرقه و دامن زدن به شکاف‌های داخلی، بر ملت و کشور ایران تسلط پیدا کنند. اکنون، به لطف و عنایت الهی، کشور ایران در حال پشت سر گذاشتن تجربه‌ای بزرگ و ارزشمند از بروز اتحاد و انسجام ملی در شرایطی بسیار حساس و پرمخاطره است. با این حال، همچنان کم نیستند کسانی که در خارج از کشور تلاش می‌کنند با ایجاد اختلاف، تفرقه و تشدید دوگانگی‌های اجتماعی، ملت ایران را از یکدیگر جدا کنند و از این پراکندگی، منافع و اهداف خود را دنبال کنند. خوشبختانه، این واقعیت امروز برای جامعه ایران کاملاً شناخته‌شده است و ملت بیدار ایران نسبت به این اقدامات شناخت و حساسیت دارند.
نکته اساسی این است که امروز، با تأکید بر اتحاد و انسجام، درصدد یافتن بهترین راه برای تأمین مصالح و منافع کشور هستیم. اختلاف‌نظرهای موجود در جامعه اسلامی نیز عمدتاً از تفاوت در تشخیص راه رسیدن به یک هدف مشترک ناشی می‌شود. برخی معتقدند موفقیت و تأمین مصالح کشور از مسیر صلح و دوستی امکان‌پذیر است. برخی دیگر بر مذاکره و گفت‌وگو تأکید دارند و گروهی نیز مقابله و ایستادگی در برابر دشمنان را راه تأمین این مصالح می‌دانند. بنابراین، اختلاف اصلی در هدف نیست، بلکه در روش‌ها و مسیرهای دستیابی به آن است.
کشور ما در شرایطی قرار دارد که رهبرش در جریان یک جنگ تحمیلی به شهادت رسیده و تعدادی از شخصیت‌های برجسته اش را از دست داده است. ملت مظلوم و ستم‌دیده ایران نیز هزینه‌های سنگینی پرداخته و شهدای بسیاری تقدیم کرده است. حتی کودکان و نوجوانان این سرزمین، از جمله قربانیان حوادث تلخی همچون مدرسه شجره طیبه میناب، لامرد و دیگر مناطق بوده‌اند. طبیعی است ملتی که چنین خسارت‌ها و رنج‌هایی را متحمل شده، به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرد که این نزاع بدون حفظ عزت، صلابت و دستیابی به نتیجه‌ای شایسته و پیروزمندانه به پایان برسد. ازاین‌رو، یک نقطه مشترک و مورد توافق میان دیدگاه‌های مختلف وجود دارد و آن هم حفظ مصالح و منافع کشور در بالاترین سطح ممکن و جلوگیری از تحمیل خسارت‌ها و آسیب‌های بیشتر به ملت ایران است. زیرا همگان بر این امر اتفاق نظر دارند که جنگ به‌عنوان پدیده‌ای که موجب از دست رفتن جان انسان‌ها، آسیب دیدن منابع و امکانات کشور و تحمیل خسارت‌های گسترده می‌شود، می‌تواند روند پیشرفت کشور را متوقف یا با تأخیر مواجه کند و آن را از دستیابی به مقاصد و مصالح خود بازدارد.
البته جنگ در شرایطی که جنبه دفاعی پیدا می‌کند و برای مقابله با تجاوز و عقب راندن دشمن متجاوز و ستمگر ضرورت می‌یابد، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. در چنین شرایطی، دفاع قدرتمندانه باید به‌گونه‌ای باشد که دشمن در جایگاه واقعی خود قرار گیرد و توان تهدید و تجاوز مجدد را از دست بدهد. به تعبیر بزرگان و رهبر شهید، همواره باید آمادگی دفاعی کشور حفظ شود و دست روی ماشه باشد؛ اما این آمادگی به معنای مطلوب دانستن جنگ یا تلاش برای تأمین مصالح از طریق استمرار درگیری نیست.
در کنار این آمادگی، مذاکره و گفت‌وگو برای دستیابی به توافقی که بتواند مصالح، منافع و عزت کشور را تأمین کند، ضرورتی انکارناپذیر دارد. این رویکرد، همان نقطه‌ای است که احزاب، گروه‌ها و جریان‌های مختلف نیز می‌توانند بر سر آن به توافق برسند. همگان بر ضرورت حفظ منافع ملی تأکید دارند و جنگ را به‌عنوان ابزاری مطلوب برای دستیابی به مصالح کشور نمی‌دانند، اما در عین حال، آمادگی کامل دفاعی، حفظ توان بازدارندگی و جلوگیری از تهدید و تجاوز دشمن، از اصول مورد اتفاق همگان است.
در همین چارچوب، سیاستی که از سوی رهبر شهید مطرح شده و آقای پزشکیان نیز در امتداد آن بر آن تأکید دارند، ضرورت پایان دادن به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» است. استمرار چنین وضعیتی نه به صلاح جامعه است و نه با جایگاه و ظرفیت‌های نظام سیاسی و کشور ایران تناسب دارد. امروز نظام اسلامی در موقعیتی قرار گرفته که از منظر سیاسی و بین‌المللی، واجد ارزش و اعتبار قابل توجهی است. ایران در عرصه جهانی توانسته است تصویری از ایستادگی، عزت و مقاومت از خود به نمایش بگذارد. بسیاری، ضمن اذعان به مظلومیت و ستم‌دیدگی ایران اسلامی، دفاع قدرتمندانه و عزتمندانه ملت ایران را نیز مورد تحسین قرار می‌دهند.
اما باید توجه داشت که چنین شرایطی همواره و به‌صورت دائمی فراهم نیست و نمی‌توان این رویکرد را بدون در نظر گرفتن اقتضائات و شرایط مختلف دنبال کرد. چه‌بسا دشمنان تلاش کنند چنین القا کنند که ایران کشوری جنگ‌طلب است و درصدد ایجاد تنش، دشمنی و ناامنی در عرصه بین‌المللی است. بنابراین، ضروری است چنین ذهنیتی از افکار عمومی جامعه جهانی دور شود و تصویر واقعی سیاست جمهوری اسلامی ایران به‌درستی تبیین گردد.
این مهم زمانی محقق می‌شود که همان‌گونه که کشور از آمادگی کامل دفاعی برخوردار است و دست روی ماشه دارد، در عرصه مذاکره و گفت‌وگو نیز با جدیت و اراده وارد عمل شود. ما در مذاکرات همواره بر حفظ عزت، استقلال و حقوق کشور تأکید داریم. به دنبال زیاده‌خواهی نیستیم و قصد تجاوز به حدود و حقوق دیگران را نداریم، ولی در مقابل، اجازه نخواهیم داد کسی به حقوق، منافع و حدود جامعه اسلامی تجاوز کند. در چنین شرایطی، با قدرت از خود دفاع خواهیم کرد و در برابر هرگونه زیاده‌خواهی و تعرض خواهیم ایستاد.
خوشبختانه، قدرت جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف به جهانیان، به‌ویژه کشورهای منطقه، نشان داده شده است. ملت‌ها و دولت‌های منطقه بیش از گذشته نسبت به توانمندی‌های ایران آگاهی پیدا کرده‌اند و دریافته‌اند که ایران، با وجود برخورداری از قدرت و توان دفاع از خود و مقابله با متجاوزان، به حقوق و منافع مشروع خود قانع است و هرگز درصدد تعدی و دست‌اندازی به حقوق دیگران نیست. در عین حال، اجازه نخواهد داد دیگران به حقوق و حدود آن تعرض کنند یا در استقلال و منافع ملی کشور خدشه‌ای وارد سازند.
امیدواریم سیاست پایان دادن به وضعیت نه جنگ، نه صلح که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب و رئیس جمهوری محترم است، در سایه مذاکره‌ای عزتمندانه و همراه با حفظ آمادگی دفاعی، بتواند هرچه سریع‌تر زمینه بازگشت کشور به شرایط عادی را فراهم کند و امکان دستیابی به منافع و مصالح ملی را بیش از گذشته فراهم آورد. همچنین امید است جامعه اسلامی ایران با تکیه بر اتحاد، انسجام و همبستگی ملی، بتواند جایگاه شایسته خود را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کند و مسیر عزت، پیشرفت و تعالی را با قدرت ادامه دهد.



حضور در کاپ۳۱؛ فرصتی برای دیپلماسی محیط‌زیستی و افشای جنایات جنگی

یادداشت

آرمان خورسند
رئیس مرکز امور بین‌الملل و کنوانسیون‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست

اجلاس تغییر اقلیم سازمان ملل متحد (کاپ ۳۱) که از ۹ تا ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ در شهر آنتالیای ترکیه برگزار می‌شود، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بین‌المللی برای گفت‌وگو، تصمیم‌سازی و همکاری کشورها در مواجهه با بحران جهانی تغییر اقلیم است. این اجلاس، فراتر از یک نشست تخصصی زیست محیطی، بستری برای تعاملات سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک کشورها و فرصتی برای بیان دیدگاه‌ها، مطالبات و دغدغه‌های ملی در حوزه محیط‌زیست به شمار می‌رود. در چنین شرایطی، حضور رئیس جمهوری کشورمان در عالی‌ترین سطح در اجلاس کاپ ۳۱، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این حضور نشان‌دهنده جایگاه موضوع محیط‌زیست و تغییر اقلیم در اولویت‌های کلان کشور و بیانگر عزم جمهوری اسلامی ایران برای مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی است. همچنین حضور رئیس جمهوری، ظرفیت قابل توجهی برای طرح مستقیم مطالبات کشور، تقویت دیپلماسی محیط‌زیستی، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و جلب حمایت جامعه جهانی در مواجهه با چالش‌های زیست‌محیطی فراهم می‌کند.

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در این اجلاس باید با جدیت مورد توجه قرار گیرد، آثار مخرب جنگ و اقدامات نظامی بر محیط‌زیست است؛ موضوعی که متأسفانه در بسیاری از مذاکرات و سازوکارهای بین‌المللی تغییر اقلیم، آنگونه که شایسته است مورد توجه قرار نمی‌گیرد. حملات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، علاوه بر خسارات انسانی و تخریب زیرساخت‌ها، پیامدهای زیست‌محیطی قابل توجهی نیز به همراه داشته است. آسیب به زیرساخت‌های صنعتی و انرژی، آلودگی هوا، آب و خاک، تهدید سلامت جوامع انسانی و آسیب به زیست‌بوم‌ها و منابع طبیعی، از جمله ابعادی است که بررسی و مستندسازی دقیق آنها ضرورت دارد.

محیط‌زیست مرز سیاسی نمی‌شناسد و آثار تخریب آن می‌تواند از محدوده جغرافیایی یک کشور فراتر رفته و نسل‌های آینده و حتی کشورهای همسایه را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، سکوت در برابر تخریب محیط‌زیست در جریان مخاصمات مسلحانه، به معنای نادیده گرفتن یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت انسانی و توسعه پایدار است.

از منظر حقوق بین‌الملل نیز حفاظت از محیط‌زیست در زمان جنگ یک مسئولیت جدی و غیرقابل چشم‌پوشی است. اصول مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد درباره حفاظت از محیط‌زیست در ارتباط با مخاصمات مسلحانه، بر ضرورت صیانت از طبیعت و ممنوعیت روش‌ها و ابزارهای جنگی که موجب خسارات گسترده، بلندمدت و شدید زیست‌محیطی می‌شوند، تأکید دارد. همچنین در صورت احراز شرایط و ارکان قانونی، برخی اقدامات نظامی علیه محیط‌زیست می‌توانند واجد وصف جنایت جنگی باشند.

بر همین اساس، حضور رئیس جمهوری در کاپ ۳۱ فرصت مغتنمی است تا جمهوری اسلامی ایران، با ارائه مستندات و گزارش‌های کارشناسی از خسارات زیست‌محیطی ناشی از حملات آمریکا و اسرائیل، توجه جامعه جهانی را به ضرورت پاسخگویی عاملان این اقدامات و لزوم ایجاد سازوکارهای مؤثر برای پیشگیری از تکرار چنین تخریب‌هایی جلب کند.

نکته مهم آن است که نباید اجازه داد موضوع حفاظت از محیط‌زیست صرفاً به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و تعهدات اقلیمی محدود شود. امنیت زیست‌محیطی، حفاظت از منابع طبیعی در زمان جنگ، مسئولیت دولت‌ها در قبال تخریب اکوسیستم‌ها و حق نسل‌های آینده برای برخورداری از محیط‌زیستی سالم نیز باید در کانون توجه نظام حکمرانی جهانی محیط‌زیست قرار گیرد.

بی‌تردید، حضور رئیس جمهوری در این اجلاس می‌تواند صدای مطالبات زیست محیطی ملت ایران را در سطحی فراتر از مذاکرات تخصصی مطرح کند و زمینه‌ساز طرح یک مطالبه مهم بین‌المللی باشد: محیط‌زیست نباید قربانی جنگ، تجاوز و منازعات سیاسی شود و هیچ کشوری نباید خود را در برابر پیامدهای زیست‌محیطی اقدامات نظامی‌اش پاسخگو ندانند.

این همان پیامی است که ایران می‌تواند در کاپ ۳۱ با اتکا به مستندات علمی، ظرفیت‌های حقوقی و دیپلماسی فعال محیط‌زیستی به جامعه جهانی منتقل کند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی جدیدترین موضع تهران درباره موضوع هسته‌ای را اعلام کرد

ذخایر ۶۰ درصدی ایران از کشور خارج نمی‌شود



گزارش

همزمان با تداوم تبادل پیام‌های غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن با میانجیگری قطر، موضع صریح دبیر شورای عالی امنیت ملی درباره سرنوشت ذخایر ۴۰۰ کیلوگرمی اورانیوم غنی‌شده ایران در سطح ۶۰ درصد، بار دیگر یکی از مهم‌ترین خطوط قرمز جمهوری اسلامی در هرگونه روند دیپلماتیک را برجسته کرده است؛ خط قرمزی که بر اساس آن، انتقال مواد هسته‌ای به خارج از کشور اقدامی مغایر با حقوق و ملاحظات راهبردی ایران به شمار می‌آید.

محسن رضایی در گفت‌وگو با شبکه المیادین که شامگاه گذشته منتشر شد با تأکید بر اینکه ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران به خارج از کشور منتقل نخواهد شد، تصریح کرد: «به دوستان روس اعلام کردیم که مواد غنی‌شده در داخل ایران باقی خواهد ماند و ما خودمان از آن استفاده خواهیم کرد.» دبیر شورای عالی امنیت ملی در تبیین این موضع به نیازهای فنی و صنعتی کشور اشاره کرد و گفت که ایران برای طراحی و ساخت کشتی‌ها و زیردریایی‌هایی که با انرژی هسته‌ای کار می‌کنند، به این مواد نیاز دارد.

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که موضوع سرنوشت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی به یکی از اصلی‌ترین محورهای اختلاف در تبادل پیام‌های غیرمستقیم تهران و واشنگتن تبدیل شده است. در این میان، پیشنهاد روسیه برای میزبانی از این ذخایر در مقاطع مختلف به‌عنوان یکی از راهکارهای احتمالی برای عبور از بن‌بست هسته‌ای مطرح شده، است. موضع اخیر رضایی در واقع تداوم رویکردی است که مقام‌های ارشد کشورمان کشور طی سال‌های گذشته درباره حفظ چرخه و ظرفیت هسته‌ای کشور دنبال کرده‌اند که بر اساس آن، فشار سیاسی و تهدید نظامی نمی‌تواند به سلب حقوق هسته‌ای ایران یا تحمیل محدودیت‌هایی فراتر از تعهدات بین‌المللی منجر شود.

> رضایی: به دوستان روس اعلام کردیم که مواد غنی‌شده در داخل ایران باقی خواهد ماند و ما خودمان از آن استفاده خواهیم کرد. ایران برای طراحی و ساخت کشتی‌ها و زیردریایی‌هایی که با انرژی هسته‌ای کار می‌کنند، به این مواد نیاز دارد

از این منظر، تهران میان اصل مذاکره برای مدیریت اختلافات و واگذاری ظرفیت‌های راهبردی خود تمایز قائل است و تأکید دارد که هرگونه توافق احتمالی باید بر مبنای احترام متقابل و پذیرش حقوق قانونی ایران شکل بگیرد. دبیر شورای عالی امنیت ملی در بخش دیگری از این گفت‌وگو، به آخرین وضعیت رایزنی‌ها با آمریکا پرداخت و از ارائه شروط هفت‌گانه ایران به طرف آمریکایی خبر داد. به گفته رضایی، تهران این شروط را به واشنگتن اعلام کرده و اکنون منتظر دریافت پاسخی روشن و صریح است؛ هرچند پاسخ اولیه آمریکا از نظر ایران کفایت لازم را نداشته است. او با انتقاد از رویکرد طرف آمریکایی، پاسخ دریافت‌شده را فریبکارانه توصیف کرد و تأکید داشت که تهران همچنان منتظر پاسخ مشخص واشنگتن به مطالبات هفت‌گانه خود است.

ذخایر هسته‌ای چالش مهم روی میز

اهمیت این موضع‌گیری زمانی روشن‌تر می‌شود که سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران را در بستر تحولات چند سال اخیر بررسی کنیم. پس از حملات به تأسیسات هسته‌ای کشور در تیرماه ۱۴۰۴، وضعیت این ذخایر به یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در معادلات سیاسی و امنیتی تبدیل شد. در شرایطی که تأسیسات هسته‌ای کشور هدف حمله قرار گرفته‌اند، طرح انتقال ذخایر به خارج از مرزها از نگاه تهران می‌تواند به معنای محدود کردن اختیار در بهره‌برداری از ظرفیت‌هایی باشد که با هزینه‌های سنگین علمی، اقتصادی و امنیتی به دست آمده‌اند.

پیشینه این اختلاف نیز به مسیر پرتنش اجرای برجام و خروج آمریکا از این توافق بازمی‌گردد. ایران در چارچوب توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ پذیرفته بود سطح غنی‌سازی اورانیوم را به ۳.۶۷ درصد محدود کند؛ سطحی که برای تأمین سوخت نیروگاه‌های برق هسته‌ای کاربرد دارد. با این حال، خروج عهدشکنانه دولت دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌های آمریکا عملاً مبانی توافق را با چالش جدی مواجه کرد و تهران نیز در واکنش به این اقدام، کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای خود را در دستور کار قرار داد.

در ادامه این روند، سطح غنی‌سازی ایران ابتدا به ۴.۵ درصد و سپس به ۲۰ درصد افزایش یافت و در سال ۲۰۲۱، پس از خرابکاری اسرائیل در تأسیسات نطنز و قطع برق این مجموعه، تهران آغاز غنی‌سازی ۶۰ درصدی را اعلام کرد. مقام‌های کشورمان در آن مقطع تأکید داشتند که این تصمیم در چارچوب پاسخ به فشارهای فزاینده آمریکا و اقدامات خرابکارانه اسرائیل اتخاذ شده و ایران به‌عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از حق برخورداری از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز و تعیین نیازهای فنی برنامه خود برخوردار است.

در مقابل، کشورهای غربی با استناد به سطح و حجم ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران، مدعی‌اند که انباشت مواد با غنای ۶۰ درصد فراتر از نیازهای متعارف غیرنظامی است و فاصله فنی ایران با تولید مواد با غنای تسلیحاتی را کاهش می‌دهد؛ ادعایی که تهران همواره با تأکید بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود و ضرورت رفع موانع تحمیل‌شده بر حقوق هسته‌ای کشور با آن مواجه شده است.

با این حال، مسأله اصلی در شرایط کنونی به این مهم بازمی‌گردد که آیا آمریکا می‌تواند در روند مذاکرات، انتقال ذخایر ایران به خارج از کشور را به‌عنوان پیش‌شرط توافق مطرح کند، یا نه. پاسخ تهران به این مطالبه، دست‌کم در موضع‌گیری اخیر دبیر شورای عالی امنیت ملی، روشن است و آن اینکه ایران حاضر نیست دارایی هسته‌ای خود را در شرایطی که هنوز تضمین قابل اتکایی درباره پایبندی طرف مقابل به تعهداتش وجود ندارد، از اختیار ملی خارج کند.

بررسی آخرین تحولات میان ایران و آمریکا در گفت‌وگوی «ایران» با ابوالقاسم دلفی، سفیر پیشین ایران در فرانسه

ترامپ، گرفتار هزینه‌های جنگ و ضرورت دستاوردسازی است

گفت‌وگو

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- در حالی که جنگ با ایران هزینه‌های سیاسی و اقتصادی قابل توجهی برای دولت دونالد ترامپ به همراه داشته، یکی از پرسش‌های اساسی پیش روی واشنگتن، چگونگی پایان دادن به این تقابل و ارائه دستاوردی قابل دفاع از آن به افکار عمومی آمریکاست. ابوالقاسم دلفی، سفیر پیشین ایران در فرانسه در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به تأثیر جنگ بر کاهش پایگاه رأی جمهوری‌خواهان و دشواری ترامپ در توجیه نتایج آن، معتقد است بازگشت به شرایط پیش از جنگ، نه بازگشایی تنگه هرمز و نه کاهش قیمت نفت، نمی‌تواند به‌عنوان دستاوردی برای آمریکا معرفی شود.

ارزیابی شما از چشم‌انداز تحولات و سناریوهای احتمالی پیش روی منطقه چیست؟ با توجه به تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و استمرار درگیری‌ها در جنوب ایران، آیا می‌توان انتظار داشت این وضعیت همچنان ادامه پیدا کند یا احتمال گسترش درگیری‌ها و ورود منطقه به یک جنگ فراگیرتر وجود دارد؟

ما از مدت‌ها پیش با وضعیتی مواجه هستیم که می‌توان آن را وضعیت «نه جنگ، نه صلح» توصیف کرد؛ وضعیتی بینابینی که نه به معنای فقدان تنش و تقابل است و نه الزاماً به معنای قرار داشتن در آستانه یک جنگ تمام‌عیار. در واقع آنچه در ماه‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم، نوعی منازعه کنترل شده و فرسایشی است که در آن، طرف‌های درگیر با حفظ سطحی از تقابل و اعمال فشار متقابل تلاش می‌کنند از عبور بحران به نقطه‌ای غیرقابل کنترل جلوگیری کنند.

نکته مهم این است که وضعیت کنونی، پدیده‌ای ناگهانی و محصول تحولات روزهای اخیر نیست، بلکه دست‌کم طی چند ماه گذشته به‌تدریج تثبیت شده و تحت تأثیر مجموعه‌ای از ملاحظات راهبردی، امنیتی و سیاسی استمرار یافته است. در این میان، تحولات انتخاباتی آمریکا نیز از ابتدا به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر معادلات بحران مطرح بود. پیش از انتخابات، این دیدگاه وجود داشت که ترامپ به دلیل حساسیت فضای انتخاباتی و نگرانی از پیامدهای داخلی یک اقدام نظامی پرهزینه، تمایلی به آغاز جنگ یا انجام عملیات گسترده علیه ایران نخواهد داشت؛ چراکه چنین اقدامی می‌توانست معادلات انتخاباتی را تحت تأثیر قرار دهد و هزینه‌های سیاسی پیش‌بینی‌ناپذیری برای او ایجاد کند. در مقابل، تحلیل دیگری نیز مطرح بود مبنی بر اینکه اسرائیل با توجه به نارضایتی از وضعیت موجود و ناکامی در دستیابی به اهداف موردنظر خود، ممکن است از طریق تشدید تنش‌ها و ایجاد شرایط جنگی، در پی تغییر معادلات سیاسی و امنیتی داخلی و منطقه‌ای باشد. از این منظر، بحران نه‌تنها تابع محاسبات نظامی، بلکه متأثر از رقابت‌های سیاسی و نیازهای داخلی بازیگران نیز بوده است.

با این حال، نمی‌توان نقش ملاحظات انتخاباتی را در تداوم وضعیت نه جنگ، نه صلح طی ماه‌های اخیر نادیده گرفت. انتخابات آمریکا به متغیری اثرگذار در محاسبات بازیگران منطقه‌ای تبدیل شد؛ زیرا هر گونه تشدید نظامی می‌توانست بر موقعیت انتخاباتی احزاب، مناسبات قدرت در واشنگتن و حتی جهت‌گیری سیاست خارجی دولت آینده تأثیر بگذارد. نتایج انتخابات و شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای نیز از این منظر قابل تأمل است؛ بویژه آنکه نه وضعیت سرزمین‌های اشغالی به سمت تثبیت مورد انتظار پیش رفت و نه مجموعه تحولات سیاسی و انتخاباتی مطابق محاسبات ترامپ و جریان جمهوری‌خواه رقم خورد. از این رو، می‌توان گفت ملاحظات سیاسی و انتخاباتی، در کنار عوامل نظامی و امنیتی، یکی از مؤلفه‌های مهم در جلوگیری از عبور بحران به مرحله جنگ تمام‌عیار بوده‌اند.

البته باید میان تأثیرگذاری این ملاحظات و تعیین‌کنندگی انحصاری آنها تمایز قائل شد. شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان به‌تنهایی اثبات نمی‌کند که ملاحظات انتخاباتی عامل اصلی تداوم وضعیت موجود بوده است؛ بلکه نشان می‌دهد محاسبات سیاسی داخلی آمریکا نیز در کنار موازنه قدرت منطقه‌ای، هزینه‌های احتمالی جنگ و ملاحظات بازدارندگی، در شکل‌دهی به رفتار بازیگران نقش داشته‌اند. در واقع، وضعیت نه جنگ، نه صلح را باید حاصل نوعی توازن شکننده میان اراده بازیگران برای اعمال فشار و نگرانی آنها از پیامدهای غیرقابل کنترل تشدید بحران دانست که در آن، هیچ‌یک از طرف‌ها لزوماً از ادامه تنش رضایت کامل ندارند، اما هزینه ورود به یک جنگ فراگیر را نیز قابل قبول ارزیابی نمی‌کنند.

> برخی معتقدند با توجه به شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای و هزینه‌هایی که جنگ با ایران برای دولت ترامپ به همراه داشته است، این نتیجه انتخاباتی می‌تواند به عاملی بازدارنده در برابر رویکرد نظامی و جنگ‌طلبانه آمریکا تبدیل شود. شما چطور فکر می‌کنید؟

نتایج انتخابات آمریکا را باید بازتاب مجموعه‌ای از نارضایتی‌های اقتصادی، سیاسی و بویژه شکاف میان وعده‌های انتخاباتی و عملکرد دولت ترامپ دانست. ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا در ارزیابی اولیه خود از دلایل شکست جمهوری‌خواهان، جنگ با ایران را یکی از عوامل مؤثر بر این شکست برشمرد. در کنار آن، روابط آمریکا با رژیم صهیونیستی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی، از جمله بنزین و گازوئیل نیز از دیگر عوامل نارضایتی رأی‌دهندگان عنوان شد. اهمیت این اظهارات در آن است که جنگ با ایران از سوی یکی از مقامات ارشد دولت آمریکا، عامل مؤثری بر معادلات سیاسی و انتخاباتی داخلی این کشور شناخته شده است.

این مسأله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که یکی از پایه‌های اصلی پیروزی ترامپ، وعده پایان دادن به جنگ‌ها، کاهش مداخلات نظامی و اولویت دادن به مسائل داخلی آمریکا بود. بخش قابل توجهی از رأی‌دهندگان به این امید از او حمایت کردند که برخلاف دولت‌های پیشین، آمریکا را وارد منازعات جدید نکند و هزینه‌های ناشی از تعهدات خارجی را کاهش دهد. با این حال، عملکرد ترامپ با این انتظارات فاصله گرفت. در پرونده اوکراین، برخلاف وعده‌های انتخاباتی، تحول تعیین‌کننده‌ای برای پایان جنگ اتفاق نیفتاد و در پرونده ایران نیز آمریکا وارد تقابلی نظامی شد که هزینه‌های جدیدی را به واشنگتن تحمیل کرد. نکته مهم، تغییر تدریجی رویکرد ترامپ از منطق پرهیز از جنگ به منطق حفظ تعهدات ژئوپلتیکی و حمایت از متحدان است. به نظر می‌رسد در مواجهه با الزامات سیاست خارجی آمریکا، وعده‌های انتخاباتی او در مواردی تحت‌الشعاع ملاحظات امنیتی و تعهدات راهبردی واشنگتن قرار گرفته است. در این میان، نتانیاهو نیز با بهره‌گیری از جایگاه اسرائیل در محاسبات امنیتی آمریکا، توانست ترامپ را در موقعیتی قرار دهد که هزینه عدم همراهی با اسرائیل را سنگین‌تر از هزینه ورود به تقابل نظامی ارزیابی کند. به این معنا، اسرائیل نه‌تنها از حمایت آمریکا برخوردار شد، بلکه توانست بخشی از هزینه‌های امنیتی و سیاسی خود را به واشنگتن منتقل کند. بنابراین، مسأله اصلی ترامپ صرفاً ورود به جنگ با ایران نیست؛ بلکه گرفتار شدن در تناقض راهبردی میان وعده پایان دادن به جنگ‌ها و ضرورت حفظ اعتبار تعهدات خارجی آمریکاست؛ تناقضی که هزینه آن به سیاست داخلی نیز منتقل می‌شود و می‌تواند سرمایه اجتماعی و اعتبار انتخاباتی او را تضعیف کند.

> ترامپ اکنون با دو ملاحظه متعارض مواجه است: از یک سو، ضرورت مهار هزینه‌های جنگ و جلوگیری از تشدید بحران و از سوی دیگر، نیاز به ارائه دستاوردی قابل دفاع برای حفظ اعتبار سیاسی و راهبردی خود



> بنابراین آیا فشار افکار عمومی و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی جنگ می‌تواند ترامپ را به سمت پایان دادن به این تقابل سوق دهد؟

در این واقعیت که جنگ با ایران یکی از عوامل مؤثر در رویگردانی بخش زیادی از رأی‌دهندگان آمریکایی از جمهوری‌خواهان و ترامپ بوده، تردیدی وجود ندارد؛ اما برای تحلیل رفتار ترامپ باید میان اهداف اولیه او از جنگ و محاسباتی که در ادامه، تحت تأثیر تحولات میدانی و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی شکل گرفت، تمایز قائل شد. ترامپ در ابتدا جنگ را در چارچوب راهبردی گسترده‌تر دنبال می‌کرد که هدف آن صرفاً محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب برجام نبود، بلکه می‌خواست موضوعاتی فراتر از پرونده هسته‌ای از جمله توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را نیز به یک توافق جامع تحمیل کند.

به بیان دیگر، هدف واشنگتن تبدیل برتری نظامی به اهرمی برای بازتعریف مجموعه معادلات امنیتی ایران بود. با این حال، تحولات دو جنگ تحمیلی دوم و سوم و بویژه فعال شدن ظرفیت‌های بازدارندگی ایران در تنگه هرمز و منطقه، محاسبات اولیه آمریکا را با محدودیت جدی مواجه کرد. گسترش دامنه جنگ و پیامدهای آن بر بازار انرژی و افزایش قیمت‌ها نشان داد که تقابل نظامی با ایران می‌تواند هزینه‌هایی فراتر از برآوردهای اولیه واشنگتن ایجاد کند. در نتیجه، ترامپ به‌تدریج از راهبرد تحمیل یک توافق جامع و چندموضوعی فاصله گرفت و دامنه مطالبات خود را محدودتر کرد.

تمرکز بر غنی‌سازی صفر و از بین بردن ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی ایران را می‌توان نشانه‌ای از این تعدیل راهبردی دانست؛ به این معنا که واشنگتن در شرایط جدید، به‌جای پیگیری همه اهداف حداکثری تلاش می‌کند دست‌کم دستاوردی مشخص و قابل عرضه در پرونده هسته‌ای به دست آورد. البته تحقق همین اهداف محدودتر نیز با موانع جدی مواجه است. در این میان، شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان و هزینه‌های سیاسی جنگ، فشار مضاعفی بر ترامپ وارد می‌کند؛ اما این فشار الزاماً به معنای عقب‌نشینی از مطالبات هسته‌ای نیست. اتفاقاً مسأله برای او این است که نمی‌تواند بدون دستاوردی ملموس از این تقابل خارج شود.

پذیرش توافقی که فاقد تحقق اهداف اعلام‌شده هسته‌ای باشد یا پایان جنگ بدون دستیابی به نتیجه‌ای قابل دفاع، می‌تواند این انتقاد را تقویت کند که آمریکا جنگی پرهزینه را بدون دستاورد آغاز کرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد ترامپ در هر مسیر احتمالی، چه تداوم تقابل و چه حرکت به سمت توافق، بر تحقق حداقلی اهداف هسته‌ای خود پافشاری خواهد کرد. در واقع، آنچه تغییر کرده، نه لزوماً اصل اهداف او، بلکه دامنه مطالبات و ابزارهای دستیابی به آن‌هاست.

> ایران و آمریکا به صورت غیرمستقیم در حال بررسی طرحی برای کاهش تنش هستند که بنا بر پیشنهاد تهران، بازه زمانی اجرای آن به دو روز کاهش یافته است. با توجه به مجموعه ملاحظات و تحولاتی که درباره اهداف آمریکا، محاسبات



> ترامپ و هزینه‌های تداوم تقابل مطرح کردید، تا چه اندازه می‌توان به پیشبرد این ابتکار دیپلماتیک و دستیابی به توافقی برای مهار تنش‌ها امیدوار بود؟

بخش عمده تعاملات ایران و آمریکا، چه در دوره‌های گذشته و چه در شرایط کنونی از مسیر میانجی‌گری و گفت‌وگوهای غیرمستقیم دنبال شده است. با این حال، برای ارزیابی اثربخشی این روند باید بیش از آنکه به تعداد طرح‌ها و ابتکارات دیپلماتیک توجه کنیم، نتایج عملی آنها را ملاک قرار دهیم. واقعیت این است که تاکنون این تلاش‌ها نتوانسته‌اند تغییر معناداری در معادلات میدانی ایجاد کنند و وضعیت نه جنگ و نه صلح همچنان تداوم دارد. از این منظر، طرح‌های پیشنهادی ایران، چه ابتکار هفت‌روزه و چه طرح دوروزه از حیث نشان دادن اراده تهران برای مدیریت بحران و جلوگیری از تشدید تقابل اهمیت دارند. اما مسأله اساسی، قابلیت پذیرش آن از سوی طرف مقابل است. دیپلماسی زمانی به نتیجه می‌رسد که بتواند میان مطالبات طرفین و ملاحظات سیاسی و راهبردی آنها نقطه‌ای از توافق ایجاد کند. نکته مهم درباره ترامپ این است که او پس از ماه‌ها حضور نظامی آمریکا در منطقه، اعزام گسترده نیرو و تجهیزات، حملات نظامی علیه ایران و صرف هزینه‌های سیاسی و اقتصادی، اکنون با مسأله حفظ اعتبار تصمیمات خود مواجه است. او نمی‌تواند به‌سادگی به افکار عمومی آمریکا بازگردد و توافقی را بپذیرد که از منظر سیاسی به معنای ناکامی کامل در دستیابی به اهداف اعلام‌شده واشنگتن تلقی شود. چنین توافقی می‌تواند این برداشت را تقویت کند که آمریکا با وجود نمایش قدرت نظامی نتوانسته دستاورد راهبردی متناسبی کسب کند.

بنابراین، حتی اگر ترامپ به این جمع‌بندی رسیده باشد که تداوم جنگ هزینه‌های بیشتری از منافع آن دارد، این الزاماً به معنای آمادگی او برای پذیرش هر نوع توافقی نیست. در واقع، ترامپ اکنون با دو ملاحظه متعارض مواجه است: از یک سو، ضرورت مهار هزینه‌های جنگ و جلوگیری از تشدید بحران و از سوی دیگر، نیاز به ارائه دستاوردی قابل دفاع برای حفظ اعتبار سیاسی و راهبردی خود. از همین‌رو، هر ابتکار دیپلماتیکی که این موازنه را نادیده بگیرد، با دشواری جدی مواجه خواهد شد.

از پرونده هسته‌ای ایران تا مذاکرات صلح روسیه-اوکراین؛ اروپا چگونه به بازیگر حاشیه‌ای نظام بین‌الملل تبدیل شد؟

شلیک نهایی به بروکسل

تحلیل

علیرضا محمدی
گروه بین‌الملل

«اگر بلیت بخرند، می‌توانند به ابوظبی بیایند؛ اما کسی قصد ندارد آنها را به میز مذاکره دعوت کند.» این پیام کرملین درباره اروپایی‌هایی است که بیشترین بار مالی کمک به کی‌یف را به دوش کشیده‌اند. ۱۰ و ۱۱ نوامبر یعنی از روز سه‌شنبه نمایندگان آمریکا، روسیه و اوکراین در ابوظبی گرد هم آمدند تا درباره پایان جنگی در قلب اروپا گفت‌وگو کنند؛ اما در اتاقی که درباره آینده امنیت قاره سبز در آن بحث شد، برای اروپا صندلی‌ای در نظر گرفته نشده است. این فقط یک اختلاف پروتکلی نیست. از ابوظبی تا تهران، و از بحران گاز تا انتخابات ایالتی آلمان، یک الگو دیده می‌شود: قاره‌ای که روزی مقدرات جهان را رقم می‌زد، حالا هزینه‌ها را می‌پردازد و تصمیم را دیگران می‌گیرند. نشست سه‌جانبه ابوظبی در بستر وضعیت روابط بین‌الملل امروز، شاید یادآور بزنگاه‌های تاریخی بزرگ نظیر کنگره وین (۱۸۱۵)، کنفرانس یالتا (۱۹۴۵) و کنفرانس تهران (۱۹۴۳) است؛ نشست‌هایی که معماران قدرت جهانی در آنها نظم بین‌الملل و جغرافیای سیاسی جهان پس از جنگ جهانی را رسم کردند. اما مذاکرات ابوظبی با یک تفاوت بنیادین و عبرت‌آموز همراه است. اگر در وین و یالتا و تهران، اروپا، مرکز ثقل تصمیم‌گیری‌ها و تعیین تکلیف برای نظم پس از جنگ بود، این بار سرنوشت امنیت و آینده اروپا در غیاب کامل خود اروپایی‌ها و بدون تخصیص حتی یک صندلی به بروکسل، پشت درهای بسته رقم می‌خورد. پس از جنگ جهانی دوم، اروپا به دلیل ویرانی‌های گسترده، رفته‌رفته از کانون اصلی قدرت ساختاری کنار رفت. با پایان جنگ سرد و طلوع هزاره سوم، در حالی که کشورهای صنعتی شرق آسیا با بومی‌سازی زنجیره‌های ارزش موقعیت خود را در هندسه قدرت جهانی بازیافتند، اروپا با اتخاذ سیاست تبعیت از واشنگتن، موقعیت خود را از یک بازیگر اثرگذار به یک بازیگر اثرپذیر در نظام بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم تنزل داد.

تحقیر دیپلماتیک در ابوظبی

اعلام برگزاری نشست سه‌جانبه ابوظبی با میانجیگری مستقیم واشنگتن، عینی‌ترین نشانه بر حاشیه‌نشینی قاره سبز است. اروپا که بیشترین هزینه‌های مادی، اقتصادی و امنیتی جنگ اوکراین را متحمل شده، اکنون پشت درهای بسته مانده است. تصویر این طرد دیپلماتیک را می‌توان در اظهارات صریح یوری اوشاکوف دستیار ویژه رئیس جمهوری روسیه دید که تأکید کرد حضور اروپایی‌ها در ابوظبی به معنای مشارکت در مذاکرات نیست: اگر آنها بلیت هواپیما بخرند، به ابوظبی پرواز کنند و در خیابان‌های حاشیه نشست پرسه بزنند، شاید اوکراینی‌ها یا آمریکایی‌ها از باب لطف، هزارگاهی اخباری را به اطلاعشان برسانند. دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین نیز رسماً تأکید کرد که اروپا جایی در مذاکرات صلح ندارد. این انزوا زمانی برای آنها نگران‌کننده‌تر می‌شود که ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین صریحاً نسبت به وقوع یک یالتا ۲ هشدار می‌دهد؛ معامله‌ای میان قدرت‌های بزرگ بر سر مناطق نفوذ و ترتیبات امنیتی اروپا، بدون حضور ذی‌نفعان اصلی. اگرچه رهبرانی چون فردریش مرتس در آلمان فریاد برمی‌آورند که امنیت اروپا بدون مشارکت بروکسل قابل بررسی نیست، اما فقدان اهرم فشار عینی، این مواضع را در حد بیانیه‌های بی‌اثر باقی گذاشته است. اظهارات سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه نیز در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ [که علی‌رغم نارضایتی سران اروپایی، ترامپ روسیه را به این اجلاس دعوت کرد] به روشنی بر این واقعیت صحه گذاشت که اروپا به دلیل بدعهدی و تبعیت کورکورانه، اعتبار دیپلماتیک خود را از دست داده و ایالات متحده تنها میانجی میان مسکو و کی‌یف است. از سویی دیگر عدم انسجام و وجود شکاف در پایتخت‌های اروپایی در کنار بی‌میلی و عدم اعتنای آمریکا به متحدین خود باعث طردشدگی بیشتر اروپا از معادلات تأثیرگذار پیش رو شده است؛ چه اینکه تماس مستقیم اخیر رهبران فنلاند و نروژ با ولادیمیر پوتین در بحبوحه افزایش تنش‌ها میان مسکو و اروپا با نارضایتی سایر دولت‌های این قاره مواجه شد و وحدت اروپا را نشانه گرفت. در آن سوی آتلانتیک نیز واشنگتن رویکرد معامله‌گرایانه خود را پنهان نمی‌کند. ادعای صریح جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، مبنی بر اینکه اوکراین متحد کاخ سفید نیست و تنها در موضوعاتی با یکدیگر شراکت دارند و واشنگتن صرفاً پیگیر منافع خود است، در کنار اقدامات عینی کاخ سفید مانند تعلیق برخی تحریم‌های سوخت روسیه و اولتیماتوم به کی‌یف برای توقف حمله به زیرساخت‌های انرژی مسکو، اثبات می‌کند که آمریکا حاضر است منافع امنیتی اروپا را فدای موازنه انرژی و منافع ملی خود کند. اروپا که با شروع جنگ اوکراین خود را داعیه‌دار امنیت کی‌یف و مسئول حمایت از اوکراین می‌دانست و در ماه‌های اخیر با افزایش تنش میان خود و مسکو زمینه رویارویی مستقیم را فراهم آورده، دوباره خود را در مواجهه با بحران‌های امنیتی این قاره تنها می‌بیند.

> تحلیل ریشه‌ای حاشیه‌نشینی کنونی اروپا نشان می‌دهد که چگونه تلاقی دو بحران بزرگ جنگ اوکراین و بحران انرژی در خاورمیانه محدودیت‌های ساختاری قاره سبز را آشکار ساخته و آن را در لایه‌های متوالی از صحنه بین‌المللی حذف کرده است

فروپاشی اعتبار نهادی در غرب آسیا

ضعف دیپلماتیک و حاشیه‌نشینی اروپا منحصر به حوزه یورو-آتلانتیک نیست. سال گذشته، تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) با شتاب‌زدگی و بدون درک پویایی‌های منطقه‌ای، مکانیسم بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل (مکانیزم ماشه) را علیه ایران فعال کرد. این اقدام نه تنها گرهی از پرونده باز نکرد، بلکه آخرین کارت بازی اروپا را نیز سوزاند. پس از وقوع جنگ چهل‌روزه و جنگ تحمیلی سوم علیه ایران با مسدود شدن تنگه هرمز و جهش بی‌سابقه قیمت انرژی در بازار اروپا، آنها پیشنهادهای مکرری برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن ارائه دادند که به طور قاطع از سوی ایران رد شد. در واکنش به این طرح‌های پیشنهادی، تهران به دولت‌های اروپایی یادآور شد که آنها در ماه‌های گذشته انتخاب‌های نادرستی داشته و اکنون با پیامدهای تصمیمات خود روبه‌رو هستند. شهید علی شمخانی بهمن ماه سال گذشته در مصاحبه‌ای با شبکه المیادین به صراحت از حذف نقش میانجیگری اروپا به دلیل فقدان ظرفیت و عاملیت مستقل سخن گفت و تأکید کرد که ایران با طرف‌هایی که از هرگونه اقدام مؤثر ناتوان هستند مذاکره نمی‌کند. به این ترتیب، اروپا به دلیل بحران اعتماد نهادی و تضعیف موقعیت حقوقی‌اش، از معادله امنیت انرژی و دیپلماسی خاورمیانه نیز کنار گذاشته شد. در چنین شرایطی کشورهای منطقه که زمانی اروپا را به عنوان نظم‌دهنده و نیرویی اثرگذار در خاورمیانه می‌دانستند اکنون به دنبال جایگزینی کشورهای این قاره با بازیگرانی با وزن سیاسی بالاتر هستند. دیدارهای رهبران و مقامات عالی‌رتبه کشورهای منطقه با شی جین پینگ، رئیس جمهوری چین و اعزام فرستاده ویژه پکن به خاورمیانه و شمال آفریقا نشان از تغییر اولویت‌ها برای همکاری و مشارکت در آینده خاورمیانه دارد.



چگونه اروپا حاشیه‌نشین شد؟

تحلیل ریشه‌ای حاشیه‌نشینی کنونی اروپا نشان می‌دهد که چگونه تلاقی دو بحران بزرگ جنگ اوکراین و بحران انرژی در خاورمیانه محدودیت‌های ساختاری قاره سبز را آشکار ساخته و آن را در لایه‌های متوالی از صحنه بین‌المللی حذف کرده است. اروپا هزینه‌های مادی و معنوی جنگ اوکراین و بحران خاورمیانه را به طور مستقیم و غیرمستقیم پرداخت کرده است اما در ازای این هزینه نه تنها چیز چندانی به دست نیاورده، بلکه با موقعیتی سخت و دشوار روبه‌رو است؛ قطع جریان گاز ارزان روسیه از یک سو و ناامنی مسیرهای ترانزیت انرژی در خاورمیانه و انسداد تنگه هرمز از سوی دیگر، اروپا را در معرض رکود شدید تورمی، جهش هزینه‌های معیشتی و اعتراضات مردمی قرار داده است. این بحران‌ها، قدرت مانور اجرایی رهبران اروپایی را سلب کرده به طوری که افزایش سرسام‌آور قیمت انرژی، صنایع سنگین و پیشران آلمان و فرانسه را غیررقابتی و در نتیجه، موجی از فرار سرمایه‌ها و انتقال کارخانجات به سمت ایالات متحده و شرق آسیا شکل گرفته است. از نگاه کارشناسان، حذف اروپا از معادلات جهانی برآمد دولایه قبلی است. قدرت‌های بزرگ با مشاهده ضعف مادی و فقدان اراده مستقل در بروکسل، الگوی چندجانبه‌گرایی نهادی را کنار گذاشته و به دوجانبه‌گرایی عریان روی آورده‌اند. حذف رسمی اروپا از نشست ابوظبی و معادلات پساجنگ هرمز، اثبات می‌کند که در ترتیبات جدید حادث شده در نظام بین‌الملل، تنها کشورهایی پای میز معامله می‌نشینند که از قدرت عینی بازدارندگی و استقلال تصمیم‌گیری برخوردار باشند.

گسست درونی و مطالبه عبور از آتلانتیک‌گرایی

همزمان با بحران‌های خارجی، لایه‌های اجتماعی و سیاسی درون اروپا نیز علیه الگوهای کهنه همگرایی دست به طغیان زده و صعود بی‌سابقه احزاب راست‌گرا، نشان از تغییر گسل‌های قدرت در داخل قاره دارد. در آلمان، حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) به رهبری تینو کروپالا با نقد صریح سیاست‌های ناتو، مطالبه جدی خروج تمامی نیروی نظامی آمریکایی و تسلیحات هسته‌ای این کشور از خاک آلمان را مطرح کرده و مدل دیپلماسی مستقل کشورهایی چون اسپانیا را الگومی‌داند. در فرانسه نیز مارین لوپن با وعده خروج از فرماندهی یکپارچه ناتو و قطع کمک‌های نظامی به اوکراین، شالوده سیاست خارجی پاریس را به چالش کشیده است. اگرچه طیف‌های مختلف راست اروپایی دیدگاه‌های یکسانی ندارند، اما نقطه اشتراک همه آنها، نقد مدل آتلانتیک‌گرایی و رهایی از هزینه‌های سیاست خارجی دیکته شده از سوی واشنگتن و بازگرداندن اروپا به جایگاه پیشین است. اعتراضات اقتصادی و اجتماعی که در ماه‌های اخیر تعدادی از کشورهای اروپایی را درگیر کرده در کنار تحولات بین‌المللی که قاره سبز ناتوان از مدیریت آن است شانس پیروزی را برای ظهور ایده‌های پسا-آتلانتیک‌گرایی فراهم می‌آورد. نشست ابوظبی آیینه‌ای تمام‌نما از حقیقت تلخ دیپلماسی معاصر برای اروپاست؛ قاره‌ای که روزگاری تعیین کننده روابط بین‌الملل و مؤسس نظم جهانی بود، امروز به دلیل اتخاذ سیاست‌های تبعی و از دست دادن عاملیت اقتصادی و انرژی، خود به موضوع مذاکره میان دیگر قدرت‌ها تبدیل شده است.

بدون روتوش



محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

اگر آیزنکوت موفق نشود؟!

بازی تشکیل کابینه در اسرائیل تازه آغاز شده؛ اما برخلاف آنچه ممکن است از فضای رسانه‌ای در این روزها برداشت شود، سرنوشت نتانیاهو هنوز به پایان نرسیده است. بر اساس روند انتخاباتی در اسرائیل، آیزنکوت از زمان دریافت مأموریت از رئیس جمهوری (که یکشنبه شروع شد)، ۲۸ روز برای تشکیل کابینه فرصت دارد که می‌تواند حداکثر ۱۴ روز دیگر به این زمان اضافه کند. اگر او موفق نشود، رئیس جمهوری حداکثر ظرف سه روز تصمیم می‌گیرد که مأموریت را به نماینده دیگری از کنست بسپارد یا اعلام کند امکان تشکیل دولت وجود ندارد. در صورت انتخاب نفر دوم، او ۲۸ روز فرصت خواهد داشت؛ بدون امکان تمدید. و حتی اگر این مرحله نیز شکست بخورد، ۲۱ روز فرصت برای آنکه دست‌کم ۶۱ نماینده کنست با امضای مشترک، فرد دیگری را برای تشکیل دولت معرفی کنند، آغاز می‌شود. فرد سوم نیز ۱۴ روز فرصت خواهد داشت. اگر این تلاش هم شکست بخورد، کنست منحل و انتخابات جدید حداکثر ظرف ۹۰ روز برگزار خواهد شد. با احتساب حداکثر زمان قانونی هر سه مرحله، ساختار اسرائیل می‌تواند تا اواخر اردیبهشت یا اوایل خرداد ۱۴۰۶ درگیر این بن‌بست سیاسی باقی بماند و سپس وارد فضای سه ماهه تا تکرار انتخابات بشود. اما مسأله اینجاست که در این میان، نتانیاهو تماشاگر نیست! او از همان ابتدا می‌داند که شکست آیزنکوت، به‌تنهایی بازگشت او به قدرت را تضمین نمی‌کند. برای همین، سناریوی اول او را باید در مانع‌تراشی برای تشکیل دولت رقیب و سپس تغییر اتمسفر انتخابات آتی جست‌وجو کرد. پایگاه خبری عبری والا به نقل از منابع خود گزارش داده که نتانیاهو تیمی ویژه برای ناکام گذاشتن تلاش‌های آیزنکوت در تشکیل دولت ایجاد کرده است. این خبر را باید در کنار رفتار سیاسی او در روزهای اخیر از جمله سخنرانی تند او در جلسه سه‌شنبه افتتاحیه کنست قرار داد؛ رفتاری که نشان می‌دهد هدف جلوگیری از شکل‌گیری هر دولتی خارج از بلوک او نیز هست. نشست افتتاحیه کنست بیست‌وششم در ۱۰ نوامبر، نمونه روشنی از این راهبرد بود. نتانیاهو در سخنرانی خود به جای تمرکز بر امکان همکاری میان جریان‌های سیاسی، بخش مهمی از سخنانش را به حمله به احزاب عرب اختصاص داد و مدعی شد آنها در پی نابودی اسرائیل و تشکیل دولت فلسطینی به کمک ایران‌اند. این سخنان با واکنش تند آیزنکوت مواجه شد و حزب یاشر نیز جلسه برنامه‌ریزی‌شده خود با نمایندگان لیکود را لغو کرد. در واقع، نتانیاهو دو هدف را همزمان دنبال می‌کند: اول، تبدیل مسأله مشارکت احزاب عرب به خط قرمز سیاسی و ایجاد شکاف در ائتلاف ۶۷ نفره مخالفانش؛ دوم، ترغیب احزاب حریدی و راست‌گرایان مخالف خود به بازگشت به ائتلافی تحت رهبری او. از همین زاویه، هشدار رفیت هیخت در هاآرتص اهمیت دارد. او معتقد است آیزنکوت و نفتالی بنت هنوز درگیر اختلافات بر سر رهبری و غرور سیاسی‌اند، درحالی که نتانیاهو چند قدم جلوتر حرکت می‌کند. به تعبیر او، مهم‌ترین شرط مقابله با نتانیاهو، اتحاد فوری این دو چهره و پایان دادن به رقابت‌های درون بلوک تغییر است. لذا ما باید منتظر مجموعه‌ای از اقدامات و ابتکارات نتانیاهو در چند ماه پیش رو برای ممانعت از دولت‌سازی توسط آیزنکوت و سپس تغییر وضعیت سبد انتخاباتی برای انتخابات احتمالی پیش رو باشیم. نتانیاهو هر کاری خواهد کرد تا هم هر سه مرحله وقت‌کشی طی شود و هم دیگر ۱۹ کرسی عربی تکرار نشود.

نیوزویک: اصرار ترامپ بر حفظ وضعیت موجود در قبال ایران، نشانه شکست آمریکاست

رؤیای ناکام مهار ایران

ترجمه

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، روز دوشنبه در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد که آمریکا در قبال ایران «وضعیت موجود را حفظ می‌کند» و مدعی شد که جنگ با تهران «از نظر نظامی، در عمل پایان یافته است.» اگر منظور رئیس جمهوری آمریکا از «وضعیت موجود»، شرایط حاکم بر چند ماه گذشته باشد، این وضعیت به معنای تداوم محدودیت‌های شدید در تنگه هرمز، حملات پراکنده به نفتکش‌ها، حضور نامحدود ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های جنگی آمریکا در خاورمیانه و ادامه محاصره دریایی بنادر ایران خواهد بود.

مقامات ایران هم تنها چند روز پیش بار دیگر تأکید کردند که انتظار دارند واشنگتن پیش از بازگشایی تنگه هرمز، مجموعه‌ای از خواسته‌های ایران را بپذیرد. همزمان، زیرساخت‌های انرژی کشورهای حاشیه خلیج فارس همچنان در معرض تهدید قرار دارند.

اهداف آمریکا از جنگ با ایران هیچ‌گاه به‌روشنی مشخص نبوده است؛ اما تقریباً با هر معیاری که در نظر بگیریم، وضعیت موجود به شکست شباهت دارد. اگر می‌توانستید به ماه فوریه بازگردید و به قانونگذاران آمریکایی یا حتی هر شهروند آمریکایی می‌گفتید که پس از هشت ماه، اوضاع به چنین نقطه‌ای خواهد رسید، آیا کسی حاضر بود چنین بهایی را بپردازد؟

هیچ‌کس خواهان چنین وضعیتی نیست

براساس آمار سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO)، تردد تجاری از تنگه هرمز همچنان حدود ۶۵ درصد کمتر از سطح پیش از جنگ است؛ این در حالی است که آمریکا همچنان محاصره دریایی بسیار پرهزینه‌ای را علیه ایران حفظ کرده است. حملات به کشتی‌ها نیز همچنان ادامه دارد. روز شنبه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد دو نفتکش با مین‌های دریایی برخورد کرده و دچار آتش‌سوزی شده‌اند. همچنین سازمان UKMTO از حمله به یک نفتکش دیگر در روزهای پایانی هفته خبر داد.

مردم عادی آمریکا همچنان هزینه این وضعیت را می‌پردازند. براساس آمار انجمن اتومبیل آمریکا (AAA) در تاریخ ۱۰ نوامبر، قیمت هر گالن بنزین به ۳.۹۸ دلار و هر گالن گازوئیل به ۶.۱۶ دلار رسیده است؛ ارقامی که به‌ترتیب حدود ۳۰ و ۶۵ درصد بیشتر از نوامبر سال گذشته هستند. اما آمریکایی‌ها تنها کسانی نیستند که هزینه این وضعیت را متحمل می‌شوند. آژانس بین‌المللی انرژی اکنون رسماً جنگ علیه ایران را بزرگ‌ترین اختلال در عرضه نفت در تاریخ به شمار می‌آورد؛ بحرانی که موجی از خسارات و فشارهای اقتصادی را تقریباً در سراسر جهان به دنبال داشته است.

براساس گزارش نهادهای تنظیم‌گر انرژی اروپا، این درگیری بین ۱۸ تا ۳۳ میلیارد یورو به هزینه واردات گاز اروپا افزوده است. در همین حال، میانگین قیمت گاز طبیعی مایع (LNG) در بازارهای آسیا از ماه مارس تا اکتبر، تقریباً ۸۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته بوده است.

متحدان واشنگتن در منطقه خلیج فارس نیز وضعیت بهتری ندارند. ترامپ مدعی است که این کشورها ترجیح می‌دهند آمریکا از انجام حملات بیشتر علیه ایران خودداری کند. با توجه به شرایط موجود، چه کسی می‌تواند آنها را سرزنش کند؟ صادرات انرژی، ستون اصلی اقتصاد این کشورها را تشکیل می‌دهد و برنامه‌های آنها برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به تولید هیدروکربن‌ها، به اعتبار منطقه خلیج فارس به‌عنوان مرکزی امن برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی وابسته است. با این حال، خط لوله حیاتی نفت شرق به غرب عربستان سعودی که امکان انتقال نفت خام بدون عبور از تنگه هرمز را فراهم می‌کند، روز دوشنبه بار دیگر هدف حمله قرار گرفت. دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس نیز در برابر حملات به زیرساخت‌های خود به‌شدت آسیب‌پذیر هستند .

در نبود یک توافق آتش‌بس پایدار و مستحکم «وضعیت موجود» چیزی جز تداوم بلاتکلیفی و نااطمینانی نخواهد بود؛ چراکه هشت ماه جنگ برای آمریکا و دیگر متحدانش، چیزی جز رنج و خسارت به همراه نداشته است.

ایران کوتاه نمی‌آید

اگر ایران در چیزی مهارت داشته باشد، آن تاب‌آوردن سختی‌ها و تحمل فشارهاست. تهران نه‌تنها تسلیم نشده، بلکه محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، هفته گذشته بار دیگر تأکید کرد که واشنگتن باید پیش از بازگشایی تنگه هرمز، هفت شرط ایران را به‌طور کامل بپذیرد و اجرا کند. این مطالبات شامل لغو تحریم‌های آمریکا و پایان دادن به محاصره جاری بنادر ایران، آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده، خروج نیروهای آمریکایی از منطقه و حتی پرداخت غرامت بابت خسارات جنگی است.

او روز دوشنبه نیز پیامی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد و نوشت: «جنگ علیه ایران تاکنون دولت آمریکا را به ورطه فروپاشی کشانده است. اما واشنگتن همچون قماربازی مستأصل دست‌وپا می‌زند. ورق‌هایت را زمین بگذار! دست از تولید اخبار جعلی درباره مذاکرات خیالی بردار. نظم نوین غرب آسیا را انکار نکن. وقت آن رسیده است که در برابر هفت شرطی که ایران بارها اعلام کرده، تسلیم شوی.»

پولی که برباد می‌رود

تمام این تحولات هزینه‌ای سرسام‌آور برای آمریکا و بویژه حزب جمهوری‌خواه به همراه داشته است؛ حزبی که اکنون به نظر می‌رسد اعضایش در حال تسویه‌حساب با یکدیگر هستند. اردوی سیاسی ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای فاجعه‌بار هفته گذشته، کنترل هر دو مجلس کنگره را از دست داد. تنها یک روز پس از انتخابات، جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهوری، آشکارا جنگ علیه ایران را عامل این شکست دانست؛ دیدگاهی که دونالد ترامپ جونیور، پسر رئیس جمهوری، نیز نتوانست موافقت صریح خود را با آن پنهان کند.



روز سه‌شنبه نیز پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، ناچار شد تلاش توماس مسی، نماینده جمهوری‌خواه، برای استیضاح خود را محکوم کند و آن را «اقدامی خرابکارانه» بخواند. هگست در جلسه استماع کنگره در ماه ژوئیه برآورد کرده بود که جنگ با ایران تاکنون ۳۷.۵ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است؛ رقمی که خسارات وارده به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس را شامل نمی‌شود. اما برآورد جدیدتری که شبکه خبری سی‌بی‌اس به آن دست یافته و از سوی فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) تهیه شده، هزینه جنگ را تا اواسط اکتبر به ۴۷.۱ میلیارد دلار می‌رساند؛ رقمی که همچنان هزینه تعمیر و بازسازی پایگاه‌های نظامی را در بر نمی‌گیرد.

بر اساس ارزیابی مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، تا هفته گذشته دو ناو هواپیمابر آمریکایی و حدود ۱۷ ناو جنگی در منطقه مسئولیت فرماندهی مرکزی آمریکا مستقر بودند. این استقرار نظامی، عملیات گسترده و بسیار پرهزینه‌ای است؛ به‌طوری که دفتر بودجه کنگره آمریکا برآورد می‌کند ادامه این رویارویی، ماهانه بین ۲ تا ۳ میلیارد دلار هزینه اضافی به آمریکا تحمیل خواهد کرد.

این وضعیت پیامدهایی فراتر از هزینه‌های مالی دارد: هفته گذشته، ناو هواپیمابر آمریکایی یواس‌اس تئودور روزولت از غرب اقیانوس آرام به سمت خاورمیانه حرکت کرد؛ درست در همان زمان که جدیدترین ناو هواپیمابر چین، فوجیان، در دریای چین جنوبی مستقر شد. این تحولات، خلأ آشکاری را در حضور ناوهای هواپیمابر آمریکا در منطقه‌ای نمایان کرد که واشنگتن در آن با مهم‌ترین رقیب راهبردی خود، یعنی چین، روبه‌روست.

در حال حاضر، به نظر می‌رسد احتمال انجام حملات گسترده به حالت تعلیق درآمده است؛ چراکه گروهی از میانجیگران به رهبری قطر، برای دستیابی به راه‌حلی دیپلماتیک تلاش می‌کنند. این در حالی است که سهم قطر از صادرات جهانی گاز طبیعی مایع (LNG) در پی جنگ ایران، از ۲۰ درصد به تنها ۲ درصد سقوط کرده است.

اما تهران تأکید دارد که واشنگتن پیش از آغاز مذاکرات، شروط ایران را بپذیرد. ادامه رویارویی نظامی بدون هیچ چشم‌انداز روشنی برای پایان آن، نه برای مالیات‌دهندگان آمریکایی و نه برای کنگره‌ای که بی‌تردید به‌تدریج در برابر خواسته‌ها و تصمیمات خودسرانه رئیس جمهوری موضعی خصمانه‌تر خواهد گرفت، چشم‌انداز جذابی نیست. شاید هرگز نتوانیم به وضعیت پیش از بحران بازگردیم، اما شرایط کنونی نیز به همان اندازه ناپایدار و غیرقابل‌تحمل است.

منبع: newsweek

نوبت اول
آگهی فراخوان عمومی
مناقصه شماره AK-BID-P-05-21
شرکت پترو شیمی امیرکبیر
مناقصه‌گزار: شرکت پتروشیمی امیرکبیر (سهامی عام).
موضوع مناقصه: پروژه طراحی، تهیه متریال، خرید، نصب و راه‌اندازی دو دستگاه تولید بخار فشار بالا (Boiler) به ظرفیت ۱۳۵ تن در ساعت.
متن کامل آگهی فوق در سایت شرکت پتروشیمی امیرکبیر به آدرس www.akpc.ir قابل رؤیت می‌باشد. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱۵۲۱۷۴۹۶۵ و ۰۲۱۸۴۲۴۷۰۰۰ داخلی ۲۹۸ تماس حاصل نمایند.
درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مناقصه‌گزار ایجاد نمی‌نماید.
شرکت پتروشیمی امیرکبیر

آگهی دعوت از سهامداران
شرکت حمل و نقل انرژی ران اطلس سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۲۶۵۰۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۷۶۹۱۴
به موجب نامه وارده شماره ۱۴۰۵/۱۱۶۳۷ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۰ شرکت مذکور با توجه به انقضاء مدت تصدی هیأت‌مدیره و در اجرای ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت فوق با نمایندگان قانونی آنها دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۵/۹/۹ که در ساعت ۱۰ به آدرس تهران، خیابان سپهبدقرنی، خیابان شهید برادران شاداب، پلاک۹، سالن جلسات شرکت پرسی ایران گاز تشکیل می‌گردد حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه: انتخاب اعضای هیأت‌مدیره
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

اطلاعیه
سایپا گروه خودروسازی سایپا
بدین‌وسیله به‌اطلاع هموطنان و همشهریان و خریداران محترم محصولات گروه خودروسازی سایپا در شهر تهران می‌رساند نظر به این‌که نمایندگی آقای اکبر نیکوکلام بعقوبی به‌عنوان نمایندگی سایپا با کد فروش (۸۹۰۰۷۴) به آدرس: تهران، خیابان ۱۷ شهریور، روبه‌روی ورزشگاه ۱۷ شهریور، پلاک ۱۲۷۰ با شرکت سایپا قطع همکاری نموده است کلیه مشتریان گرامی جهت پیگیری و انجام امور مربوط به تعهدات خود با شرکت سایپا به نمایندگی ذیل مراجعه نمایند.
• لازم به ذکر است نمایندگی آقای اکبر نیکوکلام بعقوبی کد ۸۹۰۰۷۴ هیچ‌گونه رابطه حقوقی و قراردادی با این شرکت ندارد •
نمایندگی مرجع:

استان	شهر	کد فروش	نمایندگی متعهد	آدرس
لرستان	بروجرد	۸۹۶۴۱۱	اکبر نیکوکلام بعقوبی	لرستان، بروجرد، میدان شهید بروجردی، بلوار شهدای ارتش، کیلومتر ۲، جنب سنگ‌بری حافظ

روابط عمومی

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کیان پلیمر البرز
به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۵۷۹۶۹ و به‌شماره ثبت ۴۱۸۴۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی آگاهان پژوهان پویا (حسابداران رسمی) به شمارثبت ۵۳۴۹۴ و شناسه ملی ۱۴۰۱۱۰۶۰۴۳۶ و نمایندگی آقای صالح عیسی وند با کد ملی ۴۱۷۲۹۳۸۳۷۱ به‌عنوان حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و آقای شهرام اسکندری دارای کد ملی ۰۰۵۹۶۶۱۴۳۷ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ انتخاب شدند روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد صورت‌های مالی، تراز نامه و حساب سود و (زیان) منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ مورد تأیید و تصویب قرار گرفت.
شناسه ۲۳۲۵۴۶۰
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری کرج

نوبت اول
آگهی مزایده عمومی فروش املاک و مستغلات
صندوق ضمانت صادرات ایران - شماره ۱۴۰۵/۰۱
صندوق ضمانت صادرات ایران در نظر دارد تعدادی از املاک و مستغلات خود را با برگزاری مزایده عمومی، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، تحت شماره (۲۰۰۵۰۰۱۰۶۶۰۰۰۰۰۱) به‌فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت شرکت در مزایده، کسب اطلاعات، ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی(توکن) با شماره دفاتر و مراکز صدور گواهی امضا الکترونیکی و مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه ۱۴۵۶ تماس حاصل نموده و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
زمان انتشار آگهی در سامانه: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: از ساعت ۱۷/۰۰ عصر دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۸ لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۴
زمان بازگشایی پاکت‌ها (پیشنهادها) و اعلام برنده: ساعت ۱۴روزچهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۹/۴
نکات قابل توجه:
۱- مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، به آدرس فوق برگزار می‌شود و کلیه مراحل شامل پرداخت ودیعه شرکت در مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پیشنهادات، اعلام برنده و واریز وجه مزایده، در بستر سامانه مذکور انجام خواهدشد.
۲- آگهی نوبت اول مزایده در روزنامه ایران در تاریخ ۱۴۰۵/۸/۲۱ درج وآگهی نوبت دوم نیز در روزنامه ایران به تاریخ ۱۴۰۵/۸/۲۴ منتشر می‌شود.
۳- برای هماهنگی بازدید و کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۸۵۴۶۸۴۷، ۵-۸۸۷۳۳۳۷۰ (داخلی ۳۵۵) و تلفن همراه ۰۹۱۲۵۰۴۸۳۰۹ تماس حاصل نموده و یا به سایت www.egfi.org مراجعه فرمایید.



نادر برهانی مرند، نویسنده و کارگردان نمایش «کوروش»، در گفت‌وگو با «ایران»:

پشت چهره اسطوره‌ای کوروش انسانی ایستاده بود

عکس: مهدی آشنا

گفت‌وگو

حامد قریب
گروه فرهنگی

کوروش، پیش از آنکه نامی تاریخی باشد، تصویری ریشه‌دار در حافظه جمعی ایرانیان است؛ نادر برهانی مرند در نمایش «کوروش» نه در پی بازآفرینی این تصویر آشناست و نه قصد نفی آن را دارد. او به زمانی پیش از تاج‌وتخت و فتوحات بازمی‌گردد؛ به لحظه‌ای که هنوز می‌توان تردید و خطا کرد و ناگزیر به انتخاب شد. «کوروش» بیش از آنکه روایت برآمدن یک پادشاه باشد، تأملی درباره ماهیت قدرت و نسبت آن با اخلاق و وجدان انسانی است. در این روایت، کابوس‌های آستیاگ، رنج مادری که برای نجات فرزندش از او می‌گذرد، تردیدهای یک جوان و تصمیم سرنوشت‌ساز نگهبانی پیر، به اندازه سرنوشت یک امپراتوری اهمیت دارند. نادر برهانی مرند با نگاهی به گذشته از چالش بازنمایی شخصیتی می‌گوید که میان تاریخ، اسطوره و هویت ملی قرار گرفته است؛ از مرز حقیقت تاریخی و دراماتیک و ضرورت عبور از تصویر قهرمانان بی‌نقص. نمایش «کوروش» نزدیک به دو ماه از اجرای خود را در سالن اصلی تئاترشهر سپری کرده و اکنون اجراهای پایانی خود را پشت سر می‌گذارد.

در این باره با نادر برهانی مرند نویسنده و کارگردان این نمایش گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

کوروش بزرگ در حافظه تاریخی ایرانیان، شخصیتی فراتر از یک پادشاه و در مرز میان تاریخ، اسطوره و هویت ملی است. شما هنگام مواجهه با چنین شخصیتی، با یک انسان تاریخی روبه‌رو هستید یا با تصویری که قرن‌هاست در ذهن جمعی ایرانیان بازتولید شده است؟ اساساً تئاتر تا چه اندازه می‌تواند از این تصویر عبور کند؟

من با هر دو روبه‌رو بودم. شاید کار من دقیقاً از همین‌جا آغاز شد: از ایستادن میان انسان و اسطوره، میان آنچه احتمالاً بوده و آنچه ما دوست داریم از او به یاد بیاوریم. کوروش برای ایرانیان شبیه کوهی است که از دور، اسطوره به نظر می‌رسد و از نزدیک، سنگ و گذرگاه‌های دشوار دارد. نمی‌خواستم فقط از دور به این کوه نگاه کنم. می‌خواستم به دامنه‌اش بروم؛ به لحظه‌ای پیش از پادشاهی، پیش از فتح، پیش از آنکه نام یک انسان به نماد بدل شود. آنجا با کودکی روبه‌رو می‌شویم که بنا بر روایت هرودوت، قرار بوده زنده نماند؛ با پادشاهی که از خواب‌های خود می‌ترسد و با آدم‌هایی که برای تغییر سرنوشت یک کودک دروغ می‌گویند، فرمان می‌برند، سرپیچی می‌کنند و بهای تصمیم‌شان را می‌پردازند. برای من، این نقطه آغاز درام است.

تئاتر دقیقاً در همین فاصله میان تصویر تثبیت‌شده و انسان پنهان‌شده در پس آن امکان پیدا می‌کند. سنگ‌نوشته‌ها می‌توانند از فرمانروایی و فتوحات بگویند، اما صحنه می‌تواند ما را در برابر لحظه‌ای قرار دهد که انسان، پیش از تصمیم‌گرفتن، با ترس، تردید یا وجدان خودش تنها می‌ماند. من در این نمایش به دنبال ساختن مجسمه‌ای تازه از کوروش نبودم. می‌خواستم به لحظه‌ای برسم که هنوز مجسمه‌ای در کار نیست؛ جایی که انسان، پیش از آنکه به نام و نشانی تاریخی تبدیل شود، ناچار است انتخاب کند. برای من، بزرگی کوروش نه در فاصله‌ای که او را از ما جدا می‌کند، بلکه در امکان مواجهه با پرسش‌هایی است که هنوز از ما می‌پرسند.

در نمایش «کوروش»، نسبت میان قدرت سیاسی، مشروعیت اخلاقی و اراده فردی را چگونه صورت‌بندی کرده‌اید؟ آیا می‌توان در جهان نمایش شما میان قدرتی که تاریخ را می‌سازد و قدرتی که انسان را از درون دگرگون می‌کند، تمایز قائل شد؟

در این نمایش، قدرت دو چهره دارد؛ دو چهره که اگرچه در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، در واقع آینه هم‌اند. آستیاگ قدرت را از ترس می‌سازد. تاج او، اگر بخواهم استعاره‌ای به کار ببرم، از تکه‌های کابوس ساخته شده است. او برای حفظ تختش حاضر است کودک، مغ و حتی فرزند سردارش را قربانی کند. مسأله آستیاگ صرفاً میل به حکومت نیست.

در برابر او، کوروش قرار می‌گیرد؛ شخصیتی که مشروعیتش در جهان نمایش من نه صرفاً از تبار و خون، بلکه از شیوه مواجهه‌اش با انسان‌ها شکل می‌گیرد؛ از امکان بخشیدن به کسی که می‌تواند نابودش کند، از پذیرفتن مسئولیت تصمیم و از لحظه‌ای که می‌تواند قدرت را به ابزاری برای انتقام تبدیل کند، اما راه دیگری را انتخاب می‌کند. البته نمی‌خواهم این تقابل را به دوگانه‌ای ساده میان پادشاه بد و خوب تقلیل بدهم. برای من، مسأله اصلی این است که قدرت چه بلایی بر سر انسان می‌آورد و انسان تا کجا می‌تواند در برابر وسوسه‌های آن از خودش محافظت کند.

میان قدرتی که تاریخ را با لشکر و شمشیر تغییر می‌دهد و قدرتی که انسان را از درون دگرگون می‌کند، تفاوتی اساسی وجود دارد. اولی می‌تواند سرزمین‌ها را فتح کند؛ دومی است که تعیین می‌کند فاتح پس از پیروزی به چه انسانی تبدیل خواهد شد. صحنه دروازه هگمتانه برای من قلب این نمایش است؛ جایی که نگهبانی پیر، کلید را بر سنگ می‌گذارد و کنار می‌رود. در آن لحظه، قدرت فقط با شکست یک سپاه جابه‌جا نمی‌شود؛ با تصمیم انسانی جابه‌جا می‌شود که دیگر نمی‌خواهد ابزار ترس باشد. هیچ شمشیری در کار نیست، اما اتفاقی تعیین‌کننده رخ می‌دهد.

در جهان این نمایش، مشروعیت موهبت نیست؛ مسئولیت است. پادشاهی که می‌خواهد عادل باشد، باید پیش از آن‌که دیگران را به سوگند وادار کند، خودش اسیر سوگند خویش شود. برای من، ارزش قدرت درست از همان جایی آغاز می‌شود که انسان بتواند آن را محدود کند.



شما در مواجهه با کوروش تا چه اندازه خود را ملزم به فاصله‌گرفتن از روایت‌های رسمی، ملی‌گرایانه یا ایدئولوژیک دانسته‌اید؟ آیا نمایش شما می‌کوشد تصویری متفاوت از کوروش ارائه کند یا اساساً پرسش اصلی‌اش این است که آیا جامعه امروز به بازخوانی این شخصیت نیاز دارد؟

من این نمایش را نه برای تأیید باورهای ازپیش‌ساخته نوشتم و نه برای رد آن‌ها. کوروش برای من نه پرچم است و نه سپر؛ نه ابزاری برای اثبات برتری یک نگاه و نه بهانه‌ای برای تسویه‌حساب با نگاه دیگر. هرگاه یک شخصیت تاریخی بیش از اندازه به نیازهای امروز ما وابسته می‌شود، این خطر وجود دارد که پیچیدگی انسانی‌اش زیر بار شعار خم شود. نمی‌خواستم کوروش را به سود یک موضع ازپیش‌تعیین‌شده مصادره کنم. می‌خواستم او را در موقعیتی قرار دهم که بتوان درباره‌اش پرسید؛ بتوان با او همدل شد، از او آموخت و در عین حال، از پرسش کردن درباره‌اش نترسید. به باور من، احترام به تاریخ به معنای تعطیل کردن اندیشه نیست؛ اتفاقاً اگر شخصیتی تاریخی ارزش بازخوانی داشته باشد، باید بتوانیم بارها و از زاویه‌های متفاوت به سراغش برویم. مسأله این است که گذشته می‌تواند افق تازه‌ای پیش روی ما بگشاید. نمی‌خواستم تصویری متفاوت از کوروش بسازم که صرفاً جای تصویرهای قبلی را بگیرد. می‌خواستم امکان دیگری برای دیدن او فراهم کنم؛ امکانی که در آن، به جای تکرار ستایش‌ها، درباره منشأ قدرت، مسئولیت اخلاقی و بهای انتخاب‌های انسانی فکر کنیم.

انتخاب یک شخصیت تاریخی چون کوروش برای خلق یک اثر نمایشی، این پرسش را پیش می‌کشد که مرز میان وفاداری به تاریخ و آزادی تخیل هنری کجاست. شما در مقام نویسنده، هنگام مواجهه با خلأهای تاریخی، روایت‌های متعارض و افسانه‌های شکل‌گرفته پیرامون کوروش، کدام را مبنای تصمیم خود قرار داده‌اید؟

نمایش من بازسازی نعل‌به‌نعل تاریخ نیست و در بعضی نقاط، آگاهانه از ترتیب و بستر روایت‌های تاریخی فاصله گرفته‌ام. مبنای کارم، رسیدن به حقیقت دراماتیک بود؛ البته نه به این معنا که سند تاریخی را بی‌ارزش بدانم یا هر تغییری را به نام تخیل توجیه کنم. برای من، پژوهش تاریخی نقطه آغاز است، اما اثر نمایشی در همان نقطه متوقف نمی‌ماند. ارسطو در «بوطیقا»، بیش از دوهزار سال پیش، به تمایزی اساسی میان تاریخ و شعر اشاره کرد: تاریخ از آنچه رخ داده می‌گوید و شعر از آنچه ممکن است رخ دهد. تئاتر قرار نیست صرفاً اطلاعات تاریخی را روی صحنه بازگو کند؛ باید از دل آن اطلاعات، امکان یک تجربه انسانی را کشف کند. از آیسخولوس که در «ایرانیان» به سراغ پیامدهای جنگی رفت که خود در روزگارش شاهد آن بود، تا شکسپیر که در «ریچارد سوم» مواد تاریخی را در خدمت ساختار تراژدی قرار داد و برشت که در «زندگی گالیله» از گذشته برای طرح پرسش‌های زمانه خود بهره گرفت، تئاتر همواره نسبت پیچیده‌ای با تاریخ داشته است. این سنت به من آموخته که وفاداری به تاریخ الزاماً به معنای بازتولید ظاهر وقایع نیست؛ گاهی باید از سطح واقعه عبور کرد تا به معنای انسانی آن رسید.

از سوی دیگر، منابع مربوط به کوروش نیز یکصدا نیستند. هرودوت روایت خاص خود را ارائه می‌کند؛ گزنفون در «کوروش‌نامه» تصویری آرمانی از فرمانروا می‌سازد و اسناد تاریخی و کتیبه‌ها، از جمله استوانه کوروش و منابع بابلی مرتبط با روزگار نبونید، پادشاه بابل و حتی برخی پژوهش‌های دانشگاهی اخیر، از زاویه‌های متفاوتی به این جهان نگاه می‌کنند. این روایت‌ها را نمی‌توان بدون توجه به زمینه و هدف شکل‌گیری‌شان، اجزای یک داستان قطعی و یکدست فرض کرد.

من در مقام نمایشنامه‌نویس ناچار بودم انتخاب کنم. برای نمونه، روایت حیله شتر را که در برخی منابع به نبرد کوروش با لیدی مربوط است، به بستر رویارویی او با ماد منتقل کردم و تاجگذاری را در هگمتانه قرار دادم. اینها انتخاب‌هایی آگاهانه در ساختار دراماتیک نمایش بودند، نه ادعایی درباره آنچه به‌طور قطعی در تاریخ رخ داده است. به گمانم، مسئولیت اخلاقی هنرمند در همین مرزبندی روشن می‌شود. تخیل حق دارد از خلأهای تاریخ عبور کند، اما نباید خود را به جای سند جا بزند.

> نمایش من بازسازی نعل‌به‌نعل تاریخ نیست و در بعضی نقاط، آگاهانه از ترتیب و بستر روایت‌های تاریخی فاصله گرفته‌ام. مبنای کارم، رسیدن به حقیقت دراماتیک بود؛ البته نه به این معنا که سند تاریخی را بی‌ارزش بدانم یا هر تغییری را به نام تخیل توجیه کنم

تئاتر تاریخی معمولاً در معرض این خطر قرار دارد که به بازسازی باشکوه گذشته، نمایش لباس‌ها و مناسبات درباری یا بازگویی وقایع شناخته‌شده محدود شود. شما چگونه تلاش کرده‌اید از تبدیل «کوروش» به یک بازسازی صرفاً تاریخی فاصله بگیرید و به تجربه‌ای زنده برسید؟ به بیان دیگر، اگر نام کوروش و نشانه‌های تاریخی از این نمایش حذف شوند، چه مسأله انسانی یا اجتماعی همچنان در مرکز آن باقی می‌ماند؟

از ابتدا پرسشم این بود که اگر تاج و زره و پرچم را از این نمایش برداریم، چه چیزی باقی می‌ماند؟ اگر نام‌ها و نشانه‌های تاریخی حذف شوند، آیا هنوز با یک درام انسانی روبه‌رو هستیم یا همه‌چیز به همان نشانه‌ها وابسته است؟ برای من، آنچه باقی می‌ماند اصل ماجراست: مردی که از آینده می‌ترسد؛ پادشاهی که برای حفظ قدرت، به نابودی کودکی فکر می‌کند؛ سرداری که میان فرمان و وجدان گرفتار شده؛ مادری که برای نجات فرزندش ناچار به جدایی از اوست و جوانی که باید در مسیر رسیدن به قدرت، تکلیف خودش را با انسان‌بودنش روشن کند.

این موقعیت‌ها متعلق به ماد و پارس نیستند. در هر دوره‌ای می‌توان آنها را در شکل‌های دیگری دید. مسأله این نیست که چه کسی تاج بر سر دارد؛ مسأله این است که ترس، وقتی به قدرت می‌رسد، چه می‌کند. من نمی‌خواستم تاریخ را فقط ببینیم؛ می‌خواستم آن را لمس کنیم. تاریخی که صرفاً تماشا شود ممکن است به موزه تبدیل شود.

در بازنمایی شخصیت‌های بزرگ تاریخی، معمولاً میان میل به اسطوره‌سازی و ضرورت نمایش ضعف‌ها، تناقض‌ها و محدودیت‌های انسانی آنها تنشی وجود دارد. آیا کوروش در جهان نمایشی شما امکان خطا کردن، تردید داشتن و مواجهه با شکست‌های درونی را دارد؟ از نظر شما، اسطوره زمانی برای انسان امروز معنا پیدا می‌کند که از جایگاه دست‌نیافتنی خود پایین بیاید و به موجودی با تناقض‌های انسانی تبدیل شود؟

بله، کوروش من تردید می‌کند، می‌ترسد و در لحظه‌هایی زیر بار آنچه بر او آشکار می‌شود، خم می‌شود. در صحنه‌ای که با راز تبار خود روبه‌رو می‌شود، نمی‌خواستم قهرمانی را ببینیم که حقیقت را با شکوه و بی‌اعتنا به پیامدهایش می‌پذیرد. می‌خواستم جوانی را ببینیم که ناگهان درمی‌یابد زندگی‌اش بر بستری از ترس، دروغ و تصمیم‌های دیگران شکل گرفته است. این آگاهی، حتی اگر سرآغاز مسیری بزرگ باشد، الزاماً آرامش‌بخش نیست. به باور من، اسطوره‌ای که از جایگاه دست‌نیافتنی خود پایین نیاید، نمی‌تواند با انسان امروز وارد گفت‌وگو شود.

قهرمان بی‌نقص را می‌توان ستایش کرد، اما دشوار است خود را در او دید. آنچه یک شخصیت را به تجربه‌ای زنده تبدیل می‌کند، امکان مواجهه با تردیدها و تناقض‌های اوست. با این حال، در مورد کوروش باید به نکته‌ای اشاره کنم. او در حافظه تاریخی ایرانیان جایگاهی ویژه دارد و من اساساً قصد نداشتم برای متفاوت بودن، این تصویر را تخریب کنم. هیچ‌کدام به خودی خود برای من دستاورد هنری محسوب نمی‌شوند.

در این نمایش بیشتر کوشیدم به جهان پیرامون کوروش نزدیک شوم و نشان دهم که یک قهرمان در خلأ ساخته نمی‌شود و از دل شبکه‌ای از ترس‌ها، فداکاری‌ها، خشونت‌ها و تصمیم‌های انسانی سر برمی‌آورد. شاید اتفاقاً احترام عمیق‌تر به یک شخصیت تاریخی این باشد که به جای ساختن مجسمه‌ای بی‌نقص از او، جهان پیچیده‌ای را نشان دهیم که در آن معنا پیدا کرده است. اسطوره زمانی زنده می‌ماند که بتواند با پرسش‌های ما روبه‌رو شود؛ نه آنکه از ترس فروریختنش آن را پشت شیشه بگذاریم.

عنوان «کوروش» به‌تنهایی انتظارات گسترده‌ای را در مخاطب ایجاد می‌کند. آیا این بار معنایی سنگین از ابتدا بخشی از طراحی شما بوده است یا در جریان شکل‌گیری اثر، به مسأله‌ای مستقل تبدیل شد؟

هر نمایشی که نام کوروش را بر پیشانی داشته باشد، پیش از آن‌که پرده بالا برود، باری سنگین بر دوش می‌کشد. این بار را از همان ابتدا می‌شناختم و می‌دانستم که نمی‌توانم نسبت به آن بی‌اعتنا باشم. اما نخواستم آن را از اثر دور کنم. نام کوروش پیشاپیش مجموعه‌ای از انتظارها را با خود به سالن می‌آورد؛ انتظار شکوه، اقتدار، هویت، افتخار و.... در مقابل، می‌خواستم تماشاگر را به جهانی ببرم که در آن، پیش از رسیدن به شکوه، با ترس و فقدان و انتخاب‌های دشوار روبه‌رو شویم. این فاصله میان انتظار مخاطب و تجربه‌ای که نمایش پیش روی او می‌گذارد، برای من بخشی از ظرفیت اثر بود.

طبیعی است که چنین انتظاری بر انتخاب‌های من تأثیر گذاشت. اما تأثیرگرفتن از مخاطب به معنای تسلیم‌شدن در برابر انتظار او نیست. اگر قرار باشد اثر فقط همان تصویری را بازتولید کند که مخاطب از پیش در ذهن دارد، اساساً چه ضرورتی برای خلق آن وجود دارد؟ دو سال روی متن کار کردم و حدود دو ماه نیز تمرین داشتیم. دشواری کار در ساختن جهانی بود که بتواند هم از نظر فکری منسجم باشد و هم در اجرا به تجربه‌ای زنده تبدیل شود. چنین کاری بدون همراهی یک گروه خلاق و مسئولیت‌پذیر ممکن نبود.





اجرای اثری با چنین گستره تاریخی، احتمالاً با چالش تبدیل پژوهش و اطلاعات تاریخی به کنش زنده نمایشی همراه است. در فرآیند تمرین، چه نسبتی میان متن، بدن بازیگر، میزانسن، طراحی صحنه و تخیل کارگردان برقرار کرده‌اید؟ آیا در این پروژه، جایی بوده که بازیگر یا خودِ امکانات صحنه شما را به درکی از شخصیت کوروش رسانده باشد که هنگام نگارش متن به آن نرسیده بودید؟

همیشه فکر کرده‌ام متن نمایشی در مرحله نگارش، بیش از آن‌که یک موجود زنده باشد، طرحی از یک امکان است. متن روی کاغذ نوشته می‌شود، اما تئاتر زمانی آغاز می‌شود که این کلمات در بدن بازیگر، در فضا و در نسبت با بدن‌های دیگر جان بگیرند. در تمرین است که می‌فهمیم کدام جمله واقعاً قابلیت اجرا دارد، کدام سکوت از چندین جمله گویاتر است و کدام موقعیت هنوز به اندازه کافی کشف نشده است.

در این پروژه نیز رابطه من با متن و بازیگر یک‌طرفه نبود. من پیش از آغاز تمرین، شمایلی از شخصیت‌ها در ذهن داشتم، اما آن شمایل را حکم قطعی نمی‌دانستم. بازیگر باید بتواند چیزی به شخصیت اضافه کند که نویسنده هنگام نوشتن هنوز به آن نرسیده است. اگر چنین امکانی وجود نداشته باشد، تمرین به اجرای دستورات تبدیل می‌شود، نه فرآیند کشف. بارها پیش آمد که بازیگران مرا به درکی تازه رساندند. گاهی بدن بازیگر پیش از زبان به چیزی می‌رسد که نویسنده هنوز نتوانسته آن را صورت‌بندی کند. در طراحی صحنه و میزانسن نیز همین نگاه را دنبال می‌کردم. صحنه نباید صرفاً پس‌زمینه‌ای برای بازیگر باشد؛ باید در ساختن معنا مشارکت کند. نور، موسیقی، تصویر و فضای خالی زمانی ارزش دارند که چیزی را در تجربه تماشاگر تغییر دهند، نه آن‌که فقط بر شکوه ظاهری اجرا بیفزایند. به باور من، وظیفه کارگردان ترجمه متن به زبان صحنه است؛ ترجمه‌ای که نه به متن خیانت کند و نه بازیگر را به مجری صرف خواسته‌های نویسنده تبدیل سازد. کارگردان باید بتواند هم به کلیت اثر وفادار بماند و هم برای کشف‌های پیش‌بینی‌نشده جا باز کند. تئاتر در همین فاصله میان طراحی و کشف، میان نظم و خطر، زنده می‌شود.

تئاتر ایران در سال‌های اخیر بارها به سراغ تاریخ، اسطوره و شخصیت‌های ملی رفته است. شما در «کوروش» چگونه میان بازخوانی گذشته و پرسشگری درباره اکنون تعادل برقرار کرده‌اید و مخاطب را به چه نوع مواجهه‌ای با تاریخ دعوت می‌کنید؟

رجوع به گذشته لزوماً به فهم بهتر اکنون منجر نمی‌شود. گاهی گذشته بهانه‌ای است برای گریز از پرسش‌هایی که در زمان خودمان توان یا امکان مواجهه مستقیم با آنها را نداریم. گاهی هم تاریخ به ویترینی تبدیل می‌شود که در آن، گذشته را تماشا می‌کنیم، از شکوهش لذت می‌بریم و بعد، بدون آن‌که چیزی در نگاه یا رفتارمان تغییر کرده باشد، از سالن بیرون می‌رویم. خطر اصلی تئاتر تاریخی همین است. در این صورت، هرقدر هم اجرا باشکوه باشد، چیزی فراتر از بازسازی یک تصویر به دست نمی‌آوریم.

تاریخ زمانی ارزش بازخوانی دارد که بتواند پرسشی را در اکنون بیدار کند؛ نه اینکه گذشته را به زور به مسائل امروز شبیه کنیم یا از شخصیت‌های تاریخی سخن‌گویان مفاهیم امروزی بسازیم، بلکه باید موقعیت‌های انسانی را در آنها کشف کنیم که هنوز برای ما معنا دارند. ترس از دست‌دادن قدرت، نسبت میان فرمان و وجدان، مسئولیت فرد در برابر خشونت و دشواری انتخاب اخلاقی، مسائلی نیستند که در یک دوره تاریخی محصور بمانند.

در «کوروش» کوشیدم گذشته را نه به‌عنوان پاسخی آماده، بلکه به‌مثابه امکانی برای پرسشگری پیش روی مخاطب بگذارم. اگر تماشاگر پس از دیدن نمایش از خودش بپرسد آیا آن‌چه از گذشته طلب می‌کنم، راهی برای فهم امروز من است یا فقط تسکینی برای فرار از آن، فکر می‌کنم نمایش به یکی از مهم‌ترین هدف‌هایش رسیده است.



برش

به نظر شما نمایش «کوروش» چگونه می‌تواند مخاطب را از ستایش صرف یک شخصیت تاریخی فراتر ببرد؟

گمان می‌کنم مخاطب در مواجهه با کوروش، همه این‌ها را با هم جست‌وجو می‌کند؛ هم تصویری از شکوه تاریخی، هم تکیه‌گاهی برای هویت جمعی و هم شاید الگویی برای اندیشیدن. اما فکر می‌کنم در عمق همه این خواسته‌ها، نیازی بنیادی‌تر وجود دارد: نیاز به بازاندیشی در نسبت خودمان با گذشته. وقتی از کوروش سخن می‌گوییم، در واقع فقط درباره یک پادشاه باستانی حرف نمی‌زنیم؛ درباره تصویری هم حرف می‌زنیم که از خودمان ساخته‌ایم یا دوست داریم داشته باشیم. از ارزش‌هایی حرف می‌زنیم که به آن‌ها افتخار می‌کنیم و گاهی از فاصله میان این ارزش‌ها و زندگی واقعی غافل می‌شویم.

اگر از کوروش عدالت، آزادگی و مدارا می‌خواهیم، باید آماده باشیم که همین معیارها را درباره خودمان هم به کار ببریم. گذشته زمانی برای ما معنا پیدا می‌کند که تنها محل افتخار نباشد، بلکه معیاری برای سنجیدن رفتار امروزمان هم بشود. ساخت این نمایش مرا بیش از پیش به این فکر رساند که بزرگی، پیش از آن‌که در تاج و تخت یا در وسعت سرزمین‌های فتح‌شده باشد، در نسبت انسان با قدرت و مسئولیت است. در این‌که وقتی امکان تحمیل اراده خود را داریم، چه می‌کنیم؛ وقتی می‌توانیم دیگری را حذف کنیم، چه تصمیمی می‌گیریم؛ و وقتی انتخاب اخلاقی به زیان منافع شخصی ماست، تا کجا بر آن می‌ایستیم؟

اگر قرار باشد تماشاگر پرسشی را با خود از سالن بیرون ببرد، دوست دارم آن پرسش کمتر درباره کوروش و بیشتر درباره خود او باشد. می‌خواهم از خودش بپرسد: من در کوچک‌ترین قلمرویی که در اختیار دارم، در خانه، در محل کار، در روابط شخصی و در مواجهه با دیگران، شبیه کدام‌یک از آدم‌های این نمایش هستم؟

آیا وقتی می‌ترسم، مانند آستیاگ از ترسم قدرت می‌سازم و دیگران را قربانی می‌کنم؟ آیا وقتی امکان انتخاب دارم، مسئولیت تصمیمم را می‌پذیرم؟ و آیا وقتی مجبورم میان منفعت خودم و آن‌چه درست می‌دانم یکی را انتخاب کنم، شهامت ایستادن پای حرفم را دارم؟

یا می‌توانم مانند راشین، آن نگهبان پیر، در لحظه‌ای که باید، کلید دروازه را بر سنگ بگذارم و راه را باز کنم؟ برای من، این، شاید مهم‌ترین پرسش نمایش باشد. ما گاهی آن‌قدر درباره بزرگان تاریخ حرف می‌زنیم که فراموش می‌کنیم تاریخ فقط با تصمیم شاهان ساخته نشده است؛ با تصمیم آدم‌هایی ساخته شده که در لحظه‌های تعیین‌کننده، فرمان برده‌اند، سرپیچی کرده‌اند، سکوت کرده‌اند یا راهی دیگر گشوده‌اند. شاید سرنوشت یک جامعه بیش از آن‌که به تصویری که از قهرمانان گذشته‌اش دارد وابسته باشد، به انتخاب‌هایی وابسته است که آدم‌های امروز آن جامعه هر روز انجام می‌دهند. اگر «کوروش» بتواند ما را از ستایش صرف یک نام به تأمل درباره مسئولیت خودمان برساند، آن‌وقت گذشته دیگر فقط گذشته نیست؛ به بخشی از امکان ساختن آینده تبدیل می‌شود.

معاون بهداشت وزیر بهداشت در دومین کنگره آسیب‌دیدگان جنگ مطرح کرد

هیچ کودک ایرانی تا سال ۱۴۰۷ بدون واکسن نمی‌ماند

گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

معاون بهداشت وزیر بهداشت با تأکید بر نقش تاب‌آوری و شجاعت مردم در ایستادگی مقابل قدرت‌های نظامی بزرگ، از تداوم خدمات بهداشتی و درمانی در دوران جنگ رمضان خبر داد و اعلام کرد: «در این مدت بیش از یک‌ونیم میلیون دز واکسن تزریق شد، مراقبت از ۲۷۰ هزار مادر باردار ادامه یافت و با وجود جابه‌جایی بیش از ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، هیچ‌یک از خدمات اصلی نظام سلامت متوقف نشد.»

علیرضا رئیسی روز گذشته در دومین کنگره آسیب‌دیدگان جنگ با محوریت؛ درس‌آموخته‌ها و دستاوردهای پزشکی جنگ، با تأکید بر ضرورت روایت واقع‌بینانه از جنگ گفت: «در بازنمایی جنگ نباید توان نظامی و امکانات طرف مقابل را کوچک جلوه داد، بلکه باید قدرت و توانایی مردم ایران در ایستادگی مقابل ارتش‌های قدرتمند جهان را به تصویر کشید.»

او با اشاره به برخی آثار سینمایی و تلویزیونی درباره جنگ هشت‌ساله گفت: «گاهی نیروهای ارتش بعث عراق در این آثار ضعیف و ناتوان نشان داده می‌شوند، در حالی که ارتش عراق یکی از ارتش‌های قدرتمند منطقه بود و این توان و اراده جوانان ایرانی بود که در برابر آن ایستادگی کرد.» معاون بهداشت وزیر بهداشت تأکید کرد: «در روایت جنگ‌های اخیر نیز نباید قدرت نظامی و امکانات طرف مقابل را نادیده گرفت. عامل اصلی ایستادگی ایران، تاب‌آوری، شجاعت و استقامت مردم است و باید این ویژگی‌ها محور روایتگری جنگ قرار بگیرد. گاهی فراموش می‌کنیم که تنها با ارتش آمریکا و اسرائیل مواجه نیستیم، بلکه قدرت‌های دیگری نیز پشت سر آنها قرار دارند. این مجموعه از قدرت نظامی و امکانات بسیار گسترده‌ای برخوردار است. ناوهای معروف آمریکا در گذشته با حضور در نزدیکی کشورهای مختلف، چنان ابهتی ایجاد می‌کردند که آن کشورها تسلیم می‌شدند، اما در این شرایط، با وجود اعزام و جابه‌جایی ناوهای متعدد، مردم ایران همچنان ایستادگی کردند.»

رئیسی همچنین با اشاره به عملکرد دستگاه‌های اجرایی در شرایط جنگی گفت: «با وجود محاصره و فشارهای گسترده، در تأمین مواد غذایی و کالاهای مورد نیاز مردم کمبودی وجود نداشت و خدمات عمومی از جمله آب، برق و گاز استمرار یافت.»


عکس: ایرنا

او با مقایسه شرایط ایران با برخی کشورهای درگیر جنگ، از جمله اوکراین، توضیح داد: «برخلاف برخی تجربه‌های جنگی که مردم در روزهای اول برای خروج از کشور به سمت مرزها حرکت می‌کنند، در ایران حتی افرادی که سال‌ها خارج از کشور زندگی کرده بودند، در دوران جنگ به کشور بازگشتند. بازگشت مردم به کشور در شرایط جنگی اتفاقی قابل توجه است و نشان می‌دهد که مردم ایران از سطح بالایی از تاب‌آوری، شجاعت و تعلق خاطر به کشور برخوردارند. به اعتقاد من، مردم ایران فوق‌العاده هستند.»

> عامل اصلی ایستادگی ایران، تاب‌آوری، شجاعت و استقامت مردم است و باید این ویژگی‌ها محور روایتگری جنگ قرار بگیرد

تداوم خدمات بهداشتی و واکسیناسیون در دوران جنگ

برش

رئیسی تداوم خدمات نظام سلامت را از دستاوردهای مهم دوران جنگ رمضان دانست و گفت: «هیچ‌یک از خدمات بهداشتی کشور، از جمله واکسیناسیون، مراقبت از مادران باردار، خدمات دیالیز و تأمین داروی بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن، حتی برای یک روز متوقف نشد.»

به گفته او در این مدت بیش از یک‌ونیم میلیون دُز واکسن تزریق شد و ۲۷۰ هزار مادر باردار تحت پوشش مراقبت‌های بهداشتی قرار گرفتند. همچنین ۷۵ هزار زایمان انجام شد و خدمات فعال در حوزه دیابت و فشار خون به ۶ میلیون مورد رسید. معاون بهداشت وزیر بهداشت با اشاره به جابه‌جایی بیش از ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در کشور توضیح داد: «با وجود ورود ناگهانی جمعیت قابل توجهی به استان‌های شمالی، خدمات بهداشتی و درمانی بدون وقفه ادامه یافت. همچنین بیش از ۵۰۰ هزار نمونه‌برداری آزمایشگاهی از آب و مواد غذایی در حوزه بهداشت محیط و حرفه‌ای انجام شد. مراکز بهداشتی آسیب‌دیده نیز در کمتر از ۲۴ ساعت با مراکز جایگزین وارد چرخه خدمت‌رسانی شدند. این اقدامات با تلاش کارکنان نظام سلامت و همراهی مردم، بویژه در ادامه واکسیناسیون کودکان، امکان‌پذیر شد.»

رئیسی با اشاره به پوشش بیش از ۹۶ درصدی واکسیناسیون در کشور، با احتساب اتباع خارجی، گفت: «پوشش واکسیناسیون اتباع خارجی در ایران نیز بیش از ۹۰ درصد است؛ در حالی که این میزان در کشورهای مبدأ آنان حدود ۲۴ تا ۲۵ درصد گزارش شده است.»

او با تأکید بر اهمیت ذخایر راهبردی واکسن اعلام کرد: «پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین و توزیع واکسن انجام شده و تا ابتدای سال ۱۴۰۷ از نظر تأمین واکسن در کشور مشکلی وجود نخواهد داشت؛ به‌گونه‌ای که حتی در صورت توقف واردات تا آن زمان، هیچ کودک ایرانی بدون واکسن نخواهد ماند.»

در دیدار دبیر ستاد ملی جمعیت و رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) تأکید شد

از حمایت‌های معیشتی و تأمین جهیزیه تا درمان رایگان ناباروری



گزارش

گروه اجتماعی

مرضیه وحید دستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت با حضور در ساختمان مرکزی ستاد اجرایی فرمان امام(ره) با سید پرویز فتاح، رئیس این ستاد دیدار و گفت‌وگو کرد. در این نشست، آخرین اقدامات انجام شده در حوزه جمعیت و راهکارهای توسعه همکاری‌های مشترک میان ستاد اجرایی فرمان امام(ره) و ستاد ملی جمعیت مورد بررسی قرار گرفت. فتاح در این دیدار با اشاره به اهمیت موضوع جمعیت و ضرورت توجه به مسأله فرزندآوری گفت: «فرزندآوری از موضوعات مورد تأکید آموزه‌های اسلامی و قرآن کریم است و باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.» او با اشاره به تأکیدات رهبر شهید بر موضوع جمعیت و فرزندآوری گفت: «ستاد اجرایی فرمان امام(ره) در راستای مأموریت‌های خود، اجرای برنامه‌های حوزه جمعیت را در قالب طرح «ایران جوان» در بخش‌های درمانی، ترویجی و گفتمانی دنبال می‌کند.» رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) با تشریح اقدامات حمایتی در حوزه جوانی جمعیت گفت: «تأمین جهیزیه و بسته‌های سیسمونی برای خانواده‌ها، ساخت و تجهیز خوابگاه‌های دانشجویی متأهلی، تجهیز مراکز درمان ناباروری و ارائه خدمات رایگان درمان ناباروری به زوج‌های کم‌برخوردار، از جمله برنامه‌هایی است که با هدف حمایت از تشکیل خانواده و تسهیل فرزندآوری در حال اجراست.» فتاح همچنین با اشاره به حمایت‌های مشاوره‌ای و فرهنگی از خانواده‌ها توضیح داد: «استفاده از ظرفیت سامانه تلفنی ۴۰۳۰ برای پاسخگویی به سؤالات و دغدغه‌های خانواده‌ها، ارائه مشاوره‌های تخصصی و آموزش مشاوران، از دیگر اقدامات بنیاد برکت در راستای ترویج فرهنگ فرزندآوری و حمایت از خانواده‌هاست.»

او با تأکید بر نقش مشارکت‌های مردمی در پیشبرد برنامه‌های حوزه جمعیت گفت: «در حال حاضر بنیاد برکت با مشارکت ۲ هزار و ۱۰۰ گروه مردمی در ۱۱۳ منطقه کشور، اجرای برنامه‌های حمایتی و ترویجی را دنبال می‌کند و تلاش دارد خدمات خود را به جامعه هدف گسترش دهد.»

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) با تأکید بر ضرورت استفاده از تمام ظرفیت‌های کشور برای پیشبرد برنامه‌های حوزه جمعیت گفت: «مسأله جمعیت از موضوعات مهم و راهبردی کشور است و نباید از آن غافل شد. ستاد اجرایی فرمان امام(ره) نیز با احساس مسئولیت در این زمینه، حمایت از اقدامات و برنامه‌های مرتبط با جوانی جمعیت را ادامه خواهد داد.»

او در پایان بر ضرورت نهایی‌سازی تفاهمنامه همکاری مشترک میان ستاد اجرایی فرمان امام(ره) و ستاد ملی جمعیت تأکید کرد. مرضیه وحید دستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت نیز در این دیدار با قدردانی از اقدامات ستاد اجرایی فرمان امام(ره) در حوزه جمعیت، فعالیت‌های این ستاد را مؤثر ارزیابی کرد و گفت: «اقداماتی که در حوزه جمعیت به بنیاد برکت ارجاع می‌شود، مورد پیگیری قرار گرفته و در دستور کار اجرا قرار می‌گیرد.» او همچنین با اشاره به اجرای طرح «کارت امید مادر» گفت: «این طرح با هدف حمایت از مادران ایرانی و پشتیبانی از خانواده‌ها در سال‌های ابتدایی تولد فرزند اجرا می‌شود و توانسته است رضایتمندی مناسبی در میان جامعه هدف ایجاد کند.» همچنین دبیر ستاد ملی جمعیت بر ضرورت علمی، هدفمند و اثربخش بودن برنامه‌های حوزه جمعیت تأکید کرد.

اطلاع‌رسانی

سلامت روان؛ وقتی «حالم خوب نیست» را جدی نمی‌گیریم

گزارش

زینب صفری، نرگس جلیلیان

«خوبم، فقط کمی خسته‌ام»، این جمله برای بسیاری از آدم‌ها آشناست؛ جمله‌ای که ممکن است بعد از یک روز کاری طولانی، یک اختلاف خانوادگی، فشار اقتصادی یا حتی چند شب خواب نامناسب گفته شود.

اما گاهی «خستگی» فقط خستگی نیست و پشت عبارت ساده «حالم خوب نیست» مجموعه‌ای از مشکلاتی قرار دارد که اگر طولانی شوند، می‌توانند زندگی روزمره، روابط خانوادگی، کار و حتی سلامت جسم را تحت تأثیر قرار دهند.

از این رو می‌توان به صراحت گفت سلامت روان موضوعی است که اگرچه بیشتر از گذشته درباره آن صحبت می‌شود، اما هنوز برای بسیاری از افراد مراجعه به روان‌شناس یا روان‌پزشک با تردید، نگرانی از قضاوت دیگران یا حتی احساس شرم همراه است.

در حالی که همان‌طور که فرد برای درد جسمانی به پزشک مراجعه می‌کند، مشکلات روانی نیز نیازمند توجه و درمان هستند.



هر خستگی‌ای بیماری نیست

حسین امیری نسب، روان‌شناس در گفت‌وگویی با اشاره به همین موضوع می‌گوید: باید میان واکنش طبیعی انسان به فشارهای زندگی و اختلالات روانی تفاوت قائل شویم. وی افزود: همه افراد ممکن است در دوره‌هایی از زندگی اضطراب، ناراحتی، خستگی یا بی‌حوصلگی را تجربه کنند، مسئله زمانی مهم می‌شود که این وضعیت شدت پیدا کند، مدت طولانی ادامه داشته باشد یا عملکرد فرد را در زندگی روزمره مختل کند. به گفته این روان‌شناس یکی از نشانه‌های مهم، تغییر محسوس در رفتار و عملکرد معمول فرد است.

امیری نسب اظهار کرد: اگر فردی که معمولاً فعال است برای مدت قابل توجهی از فعالیت‌های مورد علاقه‌اش فاصله بگیرد، ارتباطش با دیگران کمتر شود، خواب یا اشتهایش تغییر کند، تمرکز نداشته باشد یا دائماً احساس ناامیدی و درماندگی کند، بهتر است این نشانه‌ها نادیده گرفته نشوند.

وی در پایان تأکید می‌کند که نباید با مشاهده یک علامت، به‌سرعت برای خود یا دیگران تشخیص پزشکی گذاشت؛ تشخیص باید توسط متخصص انجام شود.

اضطراب؛ مهمانی که گاهی ماندگار می‌شود

اضطراب یکی از احساساتی است که تقریباً همه افراد در مقاطعی از زندگی آن را تجربه می‌کنند. نگرانی درباره آینده، وضعیت شغلی، مسائل مالی، امتحان، کنکور، روابط خانوادگی یا اتفاقات پیش‌بینی‌نشده می‌تواند واکنش طبیعی بدن و ذهن باشد، اما وقتی نگرانی دائماً همراه فرد باشد و نتواند آن را کنترل کند، موضوع متفاوت می‌شود.

در این باره دکتر پانته آآریامنش، روانپزشک می‌گوید: اضطراب یک احساس طبیعی است و حتی در شرایطی می‌تواند به ما کمک کند برای یک اتفاق آماده باشیم. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که اضطراب بیش از اندازه، مداوم یا خارج از تناسب با شرایط باشد و روی کار، تحصیل، روابط و خواب فرد اثر بگذارد.

وی تأکید کرد: برخی افراد تصور می‌کنند باید با اضطراب خودشان به‌تنهایی مبارزه کنند و مراجعه به متخصص را نشانه ضعف می‌دانند. این نگاه باید تغییر کند. به گفته این متخصص اعصاب و روان، سلامت روان همانند سلامت جسم، نیازمند مراقبت و درصورت بروز مشکل، دریافت خدمات تخصصی است.

وقتی فشار اقتصادی وارد ذهن می‌شود

از سوی دیگر در وضعیت فعلی، فشارهای اقتصادی یکی از بزرگترین معضلات روانی جامعه است به‌طوری که افزایش هزینه‌های زندگی، نگرانی درباره آینده شغلی و دشواری تأمین هزینه‌های روزمره می‌تواند فشار روانی ایجاد کند.

محمد یکی از شهروندان تهرانی است که در این باره می‌گوید: بخش زیادی از فکر من در طول روز مربوط به هزینه‌هاست. حتی وقتی کاری برای انجام دادن ندارم، ذهنم درگیر این است که ماه بعد چه اتفاقی می‌افتد.

دکتر سجاد سالاری، مشاور خانواده درباره تأثیر فشارهای اقتصادی بر روابط خانوادگی می‌گوید: مشکلات اقتصادی فقط مسئله پول نیست. وقتی نگرانی مالی طولانی شود، ممکن است تحمل افراد پایین بیاید و اختلافات خانوادگی بیشتر شود. وی افزود: گاهی زوج‌ها تصور می‌کنند مشکل اصلی‌شان اختلاف شخصیتی است، در حالی که بخشی از تنش‌ها از فشارهای بیرونی ناشی می‌شود. سالاری تأکید می‌کند که گفت‌وگو در خانواده می‌تواند از تبدیل شدن فشارهای بیرونی به بحران‌های خانوادگی جلوگیری کند.

این عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اظهار کرد: قرار نیست خانواده همه مشکلات اقتصادی را حل کند، اما می‌تواند درباره نگرانی‌ها، تقسیم مسؤولیت‌ها و انتظارات با یکدیگر صحبت کند. پنهان کردن نگرانی‌ها معمولاً مشکل را حل نمی‌کند.

خواب؛ اولین علامتی که نباید ساده گرفت

یکی از نخستین بخش‌هایی که ممکن است تحت تأثیر فشار روانی قرار گیرد، خواب است به‌طوری که فردی که با اضطراب و نگرانی درگیر است ممکن است دیر به خواب برود، در طول شب چند بار بیدار شود یا صبح احساس کند استراحت کافی نداشته است. دکتر بابک فخری، پزشک خانواده در این باره گفت: «اختلال خواب می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد و همیشه نشانه یک مشکل روانی نیست، اما اگر تغییر خواب برای مدت قابل توجهی ادامه پیدا کند، باید علت آن بررسی شود. وی توصیه می‌کند افراد درصورت تداوم مشکلات خواب، به‌جای خوددرمانی با مصرف خودسرانه دارو، برای بررسی علت به پزشک مراجعه کنند.

به گفته فخری پزشک خانواده می‌تواند در ارزیابی اولیه نقش داشته باشد و درصورت نیاز، بیمار را به متخصص مربوط ارجاع دهد.

فرسودگی شغلی؛ بیشتر از یک روز کاری سخت

در سال‌های اخیر، اصطلاح «فرسودگی شغلی» نیز بیشتر وارد ادبیات عمومی شده است. اما بد نیست بدانیم هر فردی که از کارش خسته است، لزوماً دچار فرسودگی شغلی نیست.

فاضل فرزین، روان‌شناس درباره این تفاوت می‌گوید: «یک روز کاری سخت می‌تواند فرد را خسته کند و بعد از استراحت، شرایط بهتر شود. اما در فرسودگی شغلی معمولاً احساس خستگی و تهی‌شدن ادامه پیدا می‌کند و ممکن است فرد نسبت به کار، همکاران یا حتی توانایی‌های خودش احساس منفی پیدا کند. وی افزود: کاهش انگیزه، احساس ناکارآمدی، تحریک‌پذیری و فاصله گرفتن از فعالیت‌های کاری می‌تواند زنگ هشداری باشد که فرد نیاز دارد شرایط خود را جدی‌تر بررسی کند. در چنین شرایطی، تنها توصیه «بیشتر استراحت کن» همیشه کافی نیست و ممکن است لازم باشد شرایط کاری، ساعات کار، فشار مسؤولیت‌ها و وضعیت روانی فرد نیز بررسی شود.

خانواده؛ نخستین جایی که تغییرات را می‌بیند

گاهی خود فرد متوجه تغییرات رفتاری‌اش نمی‌شود، اما اعضای خانواده زودتر متوجه می‌شوند که چیزی تغییر کرده است.

دکتر سجاد سالاری، مشاور خانواده می‌گوید: وقتی فردی ناگهان منزوی می‌شود، کمتر صحبت می‌کند، زود عصبانی می‌شود یا از فعالیت‌هایی که قبلاً برایش لذت‌بخش بوده فاصله می‌گیرد، خانواده باید به جای سرزنش، ابتدا تلاش کند با او صحبت کند. به گفته دکتر سالاری جمله‌هایی مانند «این که چیزی نیست»، «همه مشکل دارند» یا «خودت را جمع کن» ممکن است باعث شوند فرد بیشتر احساس تنهایی کند.

وی پیشنهاد می‌کند خانواده به جای قضاوت، گفت‌وگویی آرام را آغاز کند: «اگر چیزی اذیتت می‌کند، می‌توانی درباره آن صحبت کنی».

همین جمله ساده می‌تواند برای فردی که احساس می‌کند کسی او را درک نمی‌کند، اهمیت زیادی داشته باشد.

چه زمانی باید کمک حرفه‌ای گرفت؟

یکی از پرسش‌های مهم این است که چه زمانی مراجعه به متخصص ضروری می‌شود؟ در این باره دکتر پانته آآریامنش، روانپزشک اظهار کرد: «وقتی نشانه‌ها شدید، مداوم یا مختل‌کننده عملکرد فرد باشند، مراجعه به متخصص اهمیت پیدا می‌کند. همچنین اگر فرد احساس کند دیگر نمی‌تواند شرایط خود را مدیریت کند، بهتر است کمک حرفه‌ای دریافت کند. وی تأکید می‌کند که مراجعه به روان‌شناس یا روان‌پزشک الزاماً به معنی داشتن یک بیماری شدید نیست.

دکتر آریا منش گفت: مشاوره می‌تواند برای پیشگیری، مدیریت استرس، حل مشکلات ارتباطی، سوگ، مسائل خانوادگی و بسیاری از شرایط دیگر نیز مفید باشد. قرار نیست فرد حتماً به نقطه بحران برسد و بعد برای کمک اقدام کند.

انگ اجتماعی؛ مانعی که هنوز وجود دارد

با وجود افزایش آگاهی درباره سلامت روان، برخی افراد همچنان از مراجعه به متخصص اجتناب می‌کنند؛ زیرا نگرانند دیگران آنها را «ضعیف»، «بیمار» یا «غیرعادی» بدانند.

امیری نسب، روانشناس می‌گوید: یکی از مهمترین موانع سلامت روان، برچسب‌زنی است. وقتی جامعه مراجعه به روان‌شناس را نشانه ضعف بداند، افراد ممکن است مشکلاتشان را پنهان کنند و زمانی برای دریافت کمک اقدام کنند که مشکل پیچیده‌تر شده است. به گفته وی، کمک گرفتن باید مانند مراجعه برای سایر مشکلات سلامت، یک رفتار طبیعی تلقی شود. امیری نسب اظهار کرد: همان‌طور که کسی برای سردرد شدید یا درد قلب به پزشک مراجعه می‌کند، برای اضطراب، افسردگی یا مشکلات ارتباطی هم می‌توان از متخصص کمک گرفت.

مراقبت از روان، از کارهای ساده روزانه شروع می‌شود

متخصصان معتقدند مراقبت از سلامت روان تنها به زمان بروز بیماری محدود نمی‌شود. خواب کافی، فعالیت بدنی، ارتباط اجتماعی، داشتن زمان استراحت، کاهش مصرف مواد آسیب‌رسان، مدیریت فشارهای روزانه و صحبت کردن درباره مشکلات می‌تواند بخشی از مراقبت عمومی از سلامت باشد.

دکتر فخری، پزشک خانواده گفت: نباید انتظار داشته باشیم همه مشکلات با چند توصیه ساده حل شوند، اما همین عادت‌های روزانه می‌توانند در حفظ سلامت عمومی مؤثر باشند. وی همچنین بر اهمیت مراجعه منظم به پزشک درصورت وجود علائم جسمی و روانی تأکید می‌کند.

«حالم خوب نیست» را جدی بگیریم

سلامت روان قرار نیست موضوعی جدا از زندگی روزمره باشد. فردی که خواب مناسبی ندارد، دائماً نگران است، نمی‌تواند تمرکز کند، از ارتباط با دیگران فاصله گرفته یا مدت زیادی احساس ناامیدی دارد، ممکن است نیاز داشته باشد شرایط خود را جدی‌تر بررسی کند. در عین حال، نباید هر احساس ناخوشایندی را به بیماری تبدیل کرد. غم، نگرانی و خستگی بخشی از تجربه طبیعی زندگی هستند؛ مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که این احساسات طولانی، شدید یا مختل‌کننده شوند. شاید اولین قدم برای تغییر نگاه به سلامت روان همین باشد که وقتی کسی می‌گوید «حالم خوب نیست»، به جای پاسخ‌هایی مانند «چیزی نیست» یا «همه همین مشکلات را دارند»، لحظه‌ای مکث کنیم و بپرسیم: «چه اتفاقی افتاده؟» گاهی همین سؤال می‌تواند شروع یک گفت‌وگو باشد؛ گفت‌وگویی که شاید فرد را از تحمل تنهایی یک مشکل به سمت دریافت کمک حرفه‌ای هدایت کند.

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که سلامت روان، بخش جداگانه‌ای از سلامت نیست؛ بخشی از همان سلامت است و مراقبت از آن، نشانه ضعف نیست.

رصد هفتگی بازار

کالاهای اساسی آرام گرفتند؛ مرغ پر کشید

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

بررسی‌های میدانی بازار کالاهای اساسی در هفت روز گذشته تصویری ترکیبی از ثبات، آرامش نسبی و نوسانات نقطه‌ای را نشان می دهد.
در این میان بازار لبنیات، روغن‌های خوراکی، قند و شکر و تخم‌مرغ با تکیه بر تعادل میان عرضه و تقاضا، روزهایی کاملاً آرام و بدون تغییر قیمت را سپری کرده‌اند.
در بخش پروتئینی نیز بازار مرغ و گوشت قرمز روندی دوگانه داشتند، به طوری که مرغ با افزایش قیمت همراه بود و در مقابل بازار گوشت قرمز نیز در حالی که چرخ‌کرده گوساله و سردست پاک شده ثبات قیمت داشتند، اما ران گوسفندی بدون استخوان با جهشی چشمگیر به ۳.۹ میلیون تومان رسید.
همچنین بازار برنج با افزایش قیمت فجر و کاهش نرخ انواع رقم هاشمی روبه‌رو شد و در بازار حبوبات و کنسروها نیز تنوع قیمتی بر اساس برند و وزن مشاهده می‌شد.
به نظر می‌رسد بازار اقلام اساسی به‌جز چند استثنا در بخش گوشت و برنج، پایداری نسبی را تجربه کرده است.





بررسی قیمت فرآورده‌های مرغ حاکی از افزایش نرخ در هفته جاری است. قیمت هر بسته ۱۸۰۰ گرمی سینه بی‌استخوان از ۱,۵۰۹,۳۰۰ به ۱,۵۷۹,۵۰۰، سینه بی‌پوست از ۱,۱۷۵,۸۵۰ به ۱,۲۶۰,۰۰۰، مغز ران از ۹۰۳,۸۲۵ به ۹۸۱,۰۰۰ و ران بی‌پوست از ۸۴۹,۶۰۰ به ۹۰۰,۰۰۰ تومان رسیده و بازار روند صعودی را تجربه کرده است.

محصول	قیمت این هفته(تومان)
سینه بی‌استخوان مرغ ۱۸۰۰ گرمی	۱,۵۷۹,۵۰۰
سینه مرغ بی‌پوست ۱۸۰۰ گرمی	۱,۲۶۰,۰۰۰
مغز ران ۱۸۰۰ گرمی	۹۸۱,۰۰۰
ران بی‌پوست ۱۸۰۰ گرمی	۹۰۰,۰۰۰



بازار تخم‌مرغ نیز به صورت ثابت نسبت به هفته گذشته باقی ماند که این امر نشان‌دهنده تعادل میان عرضه و تقاضا در ۷ روز اخیر است. در واقع از بسته‌های ۹ عددی تا ۲۴ عددی بدون نوسان قیمت در بازار به فروش می‌رسید.

محصول	قیمت هفته (تومان)
۲۴ عددی	۶۲۸,۵۶۰
۲۰ عددی	۵۲۳,۸۰۰
۱۵ عددی	۳۹۲,۸۵۰
۹ عددی	۲۰۸,۸۷۲



بازار قند و شکر نیز هفته آرامی را سپری کرد، به طوری که محصولات آن هیچ نوسان قیمتی در هفته جاری نسبت به هفته گذشته نداشتند. در واقع این ثبات کامل قیمت، نشان‌دهنده تعادل عرضه و تقاضا و آرامش نسبی در بازار این اقلام اساسی است.

محصول	قیمت هفته (تومان)
قند شکسته ۳ کیلویی	۵۴۷,۹۲۸
قند شکسته ۲ کیلویی	۵۳۲,۴۹۶
شکر سفید ۱ کیلویی	۱۲۵,۰۰۰
قند خرد شده ۴۵۰ گرمی	۱۰۹,۸۹۰



بررسی قیمت‌ها در میادین میوه و تره‌بار نشان می دهد که در بخش میوه، گلابی، انار و هویج ثبات داشتند، نارنگی ارزان‌تر شد، انگور و خرمالو افزایش یافتند و موز که هفته گذشته به علت عدم واردات موجود نبود این هفته با قیمت ۳۹۰ هزار تومان وارد بازار شد. در صیفی جات نیز پیاز، گوجه و خیار گران‌تر شدند، اما بادمجان، کدو و فلفل دلمه کاهش قیمت را تجربه کردند.

محصول	قیمت هفته (تومان)
موز	۳۹۰,۰۰۰
گلابی	۲۰۰,۰۰۰
سیب	۹۵.۰۰۰
انار	۱۲۰.۰۰۰
نارنگی	۷۵.۰۰۰
انگور	۱۰۲.۰۰۰
خرمالو	۹۰.۰۰۰
پیاز	۸۶.۰۰۰
گوجه	۶۰.۰۰۰
خیار	۷۹.۰۰۰
کدو	۷۶.۰۰۰
سیب‌زمینی	۷۶.۰۰۰
هویج	۵۵.۰۰۰
بادمجان	۷۵.۰۰۰
فلفل دلمه	۸۲.۰۰۰
قیمت میوه در میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران	



بررسی بازار روغن‌های خوراکی در هفته جاری نشان می‌دهد که ثبات قیمت‌ها کاملاً بر این بخش نیز حاکم بوده است. قیمت تمامی محصولات از انواع روغن‌های سرخ‌کردنی و کانولا تا روغن‌های آفتابگردان با بسته‌بندی‌های متنوع (۸۱۰ گرمی تا ۳۰۰۰ گرمی) نسبت به هفته گذشته بدون تغییر بوده است.

محصول	قیمت هفته (تومان)
ذرت پخت‌وپز ۱۵۰۰ گرمی	۱,۲۰۷,۵۰۰
سرخ‌کردنی بدون پالم ۱۳۵۰ گرمی	۶۰۴,۵۱۶
کانولا ۱.۵ لیتری	۹۶۹,۰۰۰
آفتابگردان غنی‌شده با ویتامین D3، ۱۵۰۰ گرمی	۵۴۳,۰۸۹
سرخ‌کردنی بدون پالم ۸۱۰ گرمی	۳۴۵,۰۱۶
آفتابگردان ۹۰۰ گرمی	۳۳۴,۹۸۶
مایع سرخ‌کردنی ۸۱۰ گرمی	۳۲۸,۸۳۴
مایع سرخ‌کردنی ۳۰۰۰ گرمی	۱,۱۴۶,۶۶۸
کانولا امگا ۳ و ۶ پخت‌وپز/ سالاد ۹۰۰ گرمی	۵۰۸,۵۶۰



با وجود اینکه آرد ماکارونی در ابتدای هفته افزایش قابل‌توجهی داشت، اما قیمت انواع ماکارونی نوسانات محدودی را تجربه کرد؛ به طوری که ماکارونی رشته‌ای بدون تغییر ماند، اما پنه ریگاته و مدل ۷۰۰ گرمی گران‌تر شدند و در مقابل پیگولی کاهش قیمت را به ثبت رساند.

محصول	قیمت هفته (تومان)
ماکارونی رشته‌ای ۳.۱ غنی‌شده ۵۰۰ گرمی	۹۹,۰۰۰
پنه ریگاته ۵۰۰ گرمی	۷۶,۰۰۰
پیگولی ۵۰۰ گرمی	۶۸,۴۰۰
رشته‌ای ۱,۴ ۷۰۰ گرمی	۷۲,۲۲۰



در بازار برنج طی هفت روز اخیر نوسانات متفاوتی مشاهده شد؛ به طوری که برنج ایرانی فجر ۱۰ کیلوگرمی افزایش قیمت را تجربه کرد و به ۳,۹۸۰,۰۰۰ تومان رسید. در مقابل انواع برنج هاشمی (۵ کیلویی و هاشمی ممتاز) با کاهش قیمت مواجه شدند و برنج هاشمی گیلان آستانه‌اشرفیه نیز بدون تغییر قیمت باقی ماند.

محصول	قیمت هفته (تومان)
ایرانی فجر ۱۰ کیلوگرمی	۳,۹۸۰,۰۰۰
هاشمی ۵ کیلویی	۲,۵۹۷,۰۰۰
هاشمی ممتاز ۵ کیلویی	۲,۶۴۴,۰۰۰
هاشمی گیلان آستانه‌اشرفیه ۵ کیلویی	۲,۸۹۷,۵۰۰



بررسی میدانی قیمت انواع لبنیات (شیر، پنیر و ماست) نیز در این هفته حاکی از ثبات کامل قیمت‌ها دارد و تمامی محصولات بدون هیچ گونه نوسانی نسبت به هفته گذشته با همان نرخ‌های قبلی در بازار عرضه شده‌اند.
شنیده می شود که در جلسه هفته آینده ستاد تنظیم بازار نرخ شیر خام تعیین تکلیف می‌شود . فعالان بازار می گویند قیمت اولیه و کارشناسی هر کیلوگرم شیر خام ۷۰ هزار و ۸۰۰ تومان تعیین شده که تاکنون به صورت رسمی اعلام نشده است. قیمت کنونی ۶۰هزار و ۵۰۰ تومان است.

محصول	قیمت هفته (تومان)
پنیر پروبیوتیک ۲۱۰ گرمی	۱۴۶,۵۱۰
پنیر پنج ستاره کلاسیک ۲۰۰ گرمی	۱۳۹,۸۴۰
پنیر سفید ۱۰۰ گرمی	۵۶,۰۵۶
پنیر سفید ۴۰۰ گرمی	۱۶۷,۷۸۰
پنیر سفید ایرانی ۱۰۰ گرمی	۴۷,۱۷۰
پنیر کم‌چرب ۴۰۰ گرمی	۱۵۸,۴۰۰
شیر بدون لاکتوز کم‌چرب ۹۴۶ میلی‌لیتری	۱۰۱,۲۰۰
شیر پاستوریزه کم‌چرب ۹۴۶ میلی‌لیتری	۹۰,۱۶۰
شیر کم‌چرب ۸۰۰ میلی‌لیتری	۶۸,۵۴۴
شیر کم‌چرب ۹۴۶ میلی‌لیتری	۱۲۲,۷۸۴
ماست سبو پروبیوتیک ۸۰۰ گرمی	۱۶۶,۳۲۰
ماست کم‌چرب ۱.۵% ۹۰۰ گرمی	۱۵۳,۰۸۰
ماست کم‌چرب ۹۰۰ گرمی	۱۱۶,۳۸۹
ماست کم‌چرب غنی‌شده با ویتامین D3، ۵۰۰ گرمی	۶۷,۷۹۵



همچنین بررسی قیمت انواع کنسرو در بازار حاکی از تنوع قیمتی بر اساس وزن، برند و نوع محصول است. قیمت کنسروهای خوراکی مانند بادمجان و لوبیا بین ۱۱۷ هزار تا حدود ۱۹۰ هزار تومان متغیر است. در این میان کنسرو ماهی تن به دلیل تفاوت در وزن و طعم، بازه قیمتی گسترده‌ای از ۲۴۰ هزار تا نزدیک ۳۰۰ هزار تومان را به خود اختصاص داده است.

محصول	قیمت هفته (تومان)
کنسرو خوراک بادمجان ۳۸۰ گرمی	۱۱۷,۰۰۰
کنسرو خوراک بادمجان ۳۸۰ گرمی	۱۲۷,۶۰۰
کنسرو خوراک بادمجان ۳۸۰ گرمی	۱۷۵,۹۱۲
کنسرو خوراک لوبیا چیتی با سس ۴۰۰ گرمی	۱۴۰,۰۰۰
کنسرو خوراک لوبیا چیتی با قارچ ۴۰۰ گرمی	۱۸۳,۷۵۰
کنسرو سبزی مخلوط ۳۸۰ گرمی	۱۸۳,۹۲۰
کنسرو عدسی ۳۸۰ گرمی	۱۶۲,۰۰۰
کنسرو عدسی ۳۸۰ گرمی	۱۶۵,۰۰۰
کنسرو لوبیا با قارچ ۳۸۰ گرمی	۱۶۰,۰۰۰
کنسرو لوبیا پینو ۴۲۰ گرمی	۱۹۰,۰۰۰
کنسرو لوبیا چیتی ۴۲۰ گرمی	۱۴۳,۹۲۰
کنسرو لوبیا چیتی با سس گوجه فرنگی ۳۸۰ گرمی	۱۳۲,۳۰۰
کنسرو لوبیا چیتی با سس گوجه فرنگی ۳۸۰ گرمی	۱۹۰,۰۰۰
کنسرو لوبیا چیتی با قارچ ۳۸۰ گرمی	۱۸۳,۹۲۰
کنسرو لوبیا چیتی در سس گوجه فرنگی ۴۰۰ گرمی	۱۲۰,۰۰۰
کنسرو لوبیا چیتی در سس گوجه فرنگی ۴۲۰ گرمی	۱۵۷,۴۱۳
کنسرو ماهی تن با شوید در روغن گیاهی ۱۸۰ گرمی	۲۸۸,۰۰۰
کنسرو ماهی تن با فلفل در روغن گیاهی ۱۸۰ گرمی	۲۸۰,۰۰۰
کنسرو ماهی تن با فلفل قرمز ۱۸۰ گرمی	۲۸۷,۱۰۰
کنسرو ماهی تن در روغن گیاهی ۱۲۰ گرمی	۲۴۲,۰۰۰
کنسرو ماهی تن در روغن گیاهی با طعم دود ۱۸۰ گرمی	۲۸۸,۰۰۰
کنسرو ماهی تن در روغن مایع ۱۸۰ گرمی	۲۶۹,۱۰۰
کنسرو ماهی تن در روغن مایع با فلفل قرمز ۱۸۰ گرمی	۲۹۷,۰۰۰
کنسرو نخود سبز ۳۸۰ گرمی	۱۹۰,۵۳۰
کنسرو نخود سبز ۳۸۰ گرمی	۱۶۱,۱۷۵
کنسرو نخود سبز ۴۱۰ گرمی	۱۷۰,۶۲۵
کنسرو نخود سبز ۴۲۰ گرمی	۱۸۰,۰۰۰
کنسرو نخود طلایی ۴۰۰ گرمی	۱۰۴,۰۰۰



بررسی قیمت گوشت قرمز نیز نشان‌دهنده نوسانات متفاوتی است، ران گوسفندی بدون استخوان با جهشی چشمگیر به ۳,۹۶۰,۰۰۰ تومان رسید و سردست بااستخوان نیز گران‌تر شد. در سوی مقابل ران گوسفندی بااستخوان و گوشت چرخ‌کرده مخلوط کاهش قیمت را تجربه کردند، در حالی که سردست پاک شده و چرخ‌کرده گوساله بدون تغییر ماندند.

محصول	قیمت هفته (تومان)
ران گوسفندی با استخوان ۱ کیلو	۲,۳۷۵,۰۰۰
ران گوسفندی بدون استخوان ۱ کیلو	۳,۹۶۰,۰۰۰
سردست گوسفندی با استخوان ۱ کیلو	۲,۲۸۰,۰۰۰
سردست گوسفندی پاک‌شده ۱ کیلو	۳,۶۰۰,۰۰۰
گوشت چرخ‌کرده گوساله ۱ کیلویی	۱,۹۱۷,۴۹۸
گوشت چرخ‌کرده مخلوط ۱ کیلویی	۱,۵۵۸,۰۰۰



بازار حبوبات در این هفته ثبات نسبی را تجربه کرد و قیمت اکثر محصولات نظیر نخود، لوبیا چیتی و لوبیا قرمز نسبت به هفته گذشته بدون تغییر ماند. با این حال نوسانات متناقضی در قیمت عدس و لپه ۹۰۰ گرمی مشاهده شد که در برخی برندها شاهد افزایش و در برخی دیگر با کاهش قیمت مواجه بودیم.

محصول	قیمت هفته (تومان)
عدس ۴۵۰ گرمی	۱۸۰,۵۷۴
عدس ۹۰۰ گرمی	۳۵۹,۹۱۰
عدس ۹۰۰ گرمی	۲۹۱,۶۰۰
لپه ۹۰۰ گرمی	۴۶۵,۰۰۰
لپه ۹۰۰ گرمی	۳۲۵,۷۵۰
لوبیا چشم‌بلبلی ۹۰۰ گرمی	۵۲۹,۱۱۹
لوبیا چشم‌بلبلی ۹۰۰ گرمی	۳۵۵,۵۰۰
لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی	۴۷۷,۹۰۰
لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی	۳۷۳,۵۰۰
لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی	۴۱۸,۳۰۰
نخود ۹۰۰ گرمی	۴۴۹,۹۱۰
نخود ۹۰۰ گرمی	۲۵۰,۰۰۰

در این هفته بازار آبزیان روندی آرام یا نزولی داشت؛ فیله حلوا سیاه، استیک شیر، فیله سنگسر، قزل‌آلای شکم خالی و میگو سوخاری با کاهش قیمت مواجه شدند. در مقابل فیله شیر، فیله ماهی گالیت، میگو آماده طبخ و میگو پلویی ثبات قیمت را حفظ کردند.

محصول	قیمت هفته (تومان)
فیله حلوا سیاه جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۵۳۵,۹۵۰
فیله شیر جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۵۴۲,۱۲۰
استیک شیر جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۴۴۸,۴۰۰
فیله سنگسر طلایی ۷۰۰ گرمی	۱,۰۲۷,۶۵۰
قزل‌آلا شکم خالی با سر۱۰۰۰ گرمی	۱,۰۱۵,۷۵۰
فیله ماهی گالیت بدون تیغ و استخوان ۵۰۰ گرمی	۷۹۹,۲۰۰
میگو آماده طبخ بدون پوست و رگ ۵۰۰ گرمی	۱,۰۸۹,۲۵۸
میگو سوخاری درشت ۳۲۰ گرمی	۹۸۰,۰۵۰
میگو پلویی ۵۰۰ گرمی	۹۴۳,۶۵۰



واکاوی روان‌شناختی اضطراب فراگیر از دست دادن شغل در عصر هوش مصنوعی

یار کمکی، نه رقیب!

گزارش

مرجان قندی
گروه گزارش

روی صندلی‌اش میخکوب شده و به جدولی خیره مانده که هوش مصنوعی بر اساس داده‌هایی که دریافت کرده در چند ثانیه برایش درست کرده است. این کار تخصص او بوده، اما حالا ابزاری بدون هیچ سابقه کاری آن را در یک چشم‌برهم‌زدن انجام داد. در گوشه‌ای از ذهنش، سؤالی مدام می‌چرخد: «اگر این تازه‌وارد بی‌روح، کار من را در کسری از ثانیه انجام می‌دهد، نقش من چیست؟»

این روزها دلهره جا افتادن استفاده از هوش مصنوعی دیگر فقط یک ترس صنفی ساده نیست. این اضطراب و دلهره از مرزهای از دست دادن شغل عبور کرده و به هسته مرکزی هویت و احساس ارزشمندی آدم‌ها نفوذ کرده است. ریشه این ترس، بیش از هر چیز از بلاتکلیفی می‌آید؛ همان وضعیت معلقی که ذهن را به سمت فاجعه‌انگاری می‌کشاند. برای بسیاری، شغل فقط منبع درآمد نیست؛ ویترین هویت آنهاست. وقتی امنیت شغلی از بین می‌رود، در واقع موجودیت فرد در فضای کار نیز زیر سؤال می‌رود. وقتی سرعت تغییرات فناوری‌های روز از توان انطباق ذهن پیشی می‌گیرد و سازمان‌ها هم برنامه‌ای برای همسویی ندارند، این دلهره به یک بحران روان‌شناختی تبدیل می‌شود. حمیده بیاور، روان‌شناس، با اشاره به تفاوت تاریخی ورود ماشین‌ها و ظهور فناوری‌های نوین معتقد است می‌توان از تله مقایسه با هوش مصنوعی رها شد و این فناوری جدید را به‌جای رقیب به بازوی کمکی هر شغلی تبدیل کرد.

بیاور می‌گوید: «در گذشته وقتی ماشین‌ها وارد زندگی انسان شدند، بخش زیادی از کارهای فیزیکی و زور بازو را برعهده گرفتند، اما انسان همچنان دلگرم بود که موهبتی منحصربه‌فرد دارد که ماشین از آن بی‌بهره است؛ یعنی همان قدرت تفکر، خلاقیت، نوشتن و تحلیل کردن. حالا هوش مصنوعی درست پا به همین قلمرو گذاشته و ما با یک پدیده مهم روان‌شناختی به نام «تهدید خودپنداره» روبه‌رو شده‌ایم؛ یعنی خدشه‌دار شدن همان تصویری که فرد از کیستی و تمایزهای خود در ذهن ساخته است. افراد سال‌ها به خود گفته‌اند: من نویسنده‌ای خلاقم، قدرت تحلیل بالایی دارم، در حل مسأله ماهرم یا به خاطر دانش تخصصی‌ام انسانی باارزشم؛ اما وقتی ابزاری نوظهور در کسری از ثانیه کاری مشابه آنها را پیش چشم‌شان خلق می‌کند، در ذهن فرد صرفاً یک رقیب متصور می‌شود که بخشی از تصاویری که از خود ساخته بود زیر سؤال رفته است.»

این روان‌شناس با یادآوری مفهوم تهدید هویت در علم روان‌شناسی توضیح می‌دهد: «نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که فرد شاید هنوز در دنیای واقعی شغل و درآمدش را از دست نداده باشد، اما احساس می‌کند جایگاه روانی و منزلت اجتماعی حرفه‌اش پیشاپیش فروریخته است. به بیانی دیگر، انسان امروز گاهی، مدت‌ها پیش از اینکه شغلش را از دست بدهد، حس منحصربه‌فرد بودن و خاص بودنش را از دست می‌دهد.»

بیاور با بیان اینکه شغل برای خیلی از افراد پاسخی است به این پرسش که «من در این دنیا چه کسی هستم؟»، می‌گوید: «زمانی که از کسی می‌خواهیم خودش را معرفی کند، می‌گوید پزشکم، مهندسم، معلمم، نویسنده‌ام یا مدیرم؛ یعنی شغل، یکی از اجزای اصلی هویت اجتماعی فرد می‌شود و فقط راهی برای کسب درآمد نیست.»

او با اشاره به نظریه خودتعیین‌گری توضیح می‌دهد: «ما سه نیاز بنیادین روان‌شناختی داریم؛ اول خودمختاری یا همان حس حق انتخاب و کنترل بر زندگی، دوم شایستگی که حس توانمندی و برآمدن از پس کارهاست و سوم ارتباط که حس تعلق به دیگران و بخشی از یک مجموعه بودن که شغلِ ما می‌تواند هر سه نیاز را به بهترین شکل تأمین کند. حالا تصور کنید فردی سال‌ها با تخصص احساس شایستگی کرده، از طریق کارش استقلال داشته و تعلق خاطر حس کرده است، اما حالا ناگهان می‌بیند بخش بزرگی از مهارت‌هایش با یک ابزار به نام هوش مصنوعی انجام‌پذیر است؛ در این حالت، دغدغه‌اش فقط از دست دادن درآمد نیست و با حس ناتوانی مواجه می‌شود؛ اینکه دیگر به اندازه قبل مورد نیاز نیست، جایگاه مشخصی ندارد و نمی‌داند قرار است چه کسی باشد. در این نقطه، یک تله خطرناک روان‌شناختی شکل می‌گیرد و آن یکی دانستن ارزش وجودی با عملکرد شغلی است. زمانی که فرد ارزش خود را فقط به کارش گره می‌زند، اگر در آن موفق باشد احساس ارزشمندی می‌کند، اما اگر کارش تهدید شود، احساس می‌کند کل هویت و وجودش در حال فروپاشی است و این دقیقاً همان نقطه آسیب‌پذیری انسان معاصر در برابر تغییرات با هوش مصنوعی است.»

کمال‌گرایان در عصر هوش مصنوعی آسیب‌پذیرترند

این روان‌شناس با اشاره به آسیب‌پذیری بیشتر افراد کمال‌گرا در مواجهه با هوش مصنوعی می‌گوید: «کمال‌گرایان و کسانی که سال‌ها عنوان بهترین متخصص، نویسنده برجسته یا برنامه‌نویس شاخص را یدک کشیده‌اند، حالا آسیب‌پذیرترند. وقتی این افراد می‌بینند ابزاری در چند ثانیه کاری مشابه یا حتی فراتر از دستاوردهای سالیانه‌شان خلق می‌کند، واکنش‌هایی شبیه به سوگ از دست دادن جایگاه روانی را تجربه می‌کنند.»

او توضیح می‌دهد: «این واکنش، سوگ بالینی به معنای از دست دادن عزیز نیست، این حالت واکنشی است به از دست رفتن تصویر ارزشمند از خود. فرض کنید نویسنده‌ای ۲۰ سال برای رسیدن به مهارت فعلی‌اش زحمت کشیده و حالا ابزاری آمده که در چند ثانیه متنی با همان کیفیت تولید می‌کند. اینجاست که فرد احساس خشم، بی‌عدالتی، اضطراب و غم می‌کند و مدام می‌پرسد: «چرا چیزی که برایش سال‌ها رنج کشیدم این‌قدر سریع بی‌ارزش شد؟ من بازهم در جایگاه حرفه‌ای‌ام باقی می‌مانم؟»

این روان‌شناس با تأکید بر اینکه این بحران در افراد کمال‌گرا بسیار شدیدتر است، می‌گوید: «مشکل اینجاست که چنین افرادی ارزشمندی خود را به اجتناب ناشی از ناامیدی نسبت به آینده؛ فرد کارهایی را که روزی در آنها مهارت و اشتیاق داشته کنار می‌گذارد یا برعکس، برای اثبات ناامیدانه ارزش خود در ورطه اعتیاد به کار و کار بیش‌ازحد می‌افتد.»

او با این توضیح که در گروه‌های مختلف این دغدغه متفاوت است، توضیح می‌دهد: «تهدید اصلی برای کارمند نگران، اغلب معیشت، آینده مالی و تأمین امنیت خانواده است؛ او می‌پرسد اگر هوش مصنوعی جای من را بگیرد، هزینه‌های زندگی‌ام را چطور تأمین کنم؟ اما دغدغه اصلی متخصص بیشتر متوجه هویتی حرفه‌ای و احساس شایستگی است؛ فردی که سال‌ها برای مهارت‌آموزی وقت گذاشته، نگران از دست رفتن وجهه متمایز و جایگاه تخصصی‌اش در جامعه است. در این میان ترس مدیر از جنس دیگری است؛ او با ترس از دست دادن کنترل، افزایش مسئولیت‌ها و واهمه‌های ناشی از تصمیم غلط یا عقب‌ماندگی سازمان از رقبا دست‌وپنجه نرم می‌کند. بنابراین یک فناوری واحد می‌تواند سه شکل کاملاً متفاوت از اضطراب را در ذهن کارمند، متخصص و مدیر ایجاد کند و هرکدام نیازمند رویکرد حمایتی و درمانی مختص به خود هستند.»

بیاور درباره تأثیر تیترهای هولناک رسانه‌ها با موضوع اضطراب از دست دادن شغل در عصر هوش مصنوعی بر روان نیروی کار می‌گوید: «در روان‌شناسی با پدیده‌ای به نام تهدید ادراک‌شده روبه‌رو هستیم. فرض کنید فردی مدام در شبکه‌های اجتماعی با تیترهایی چون «این ۱۰ شغل تا سال آینده نابود می‌شوند» مواجه شود؛ حتی اگر شغل او در آن فهرست نباشد باز هم دچار حس ناامنی شدید می‌شود. این‌گونه تیترهای زرد سه اثر مخرب دارند: اول، تمام تمرکز فرد را به سمت تهدید جلب می‌کنند؛ دوم، احتمال وقوع اتفاق منفی را در ذهن بزرگ‌تر از واقعیت نشان می‌دهند؛ و سوم، حس فوریت و ناتوانی مطلق ایجاد می‌کنند.»

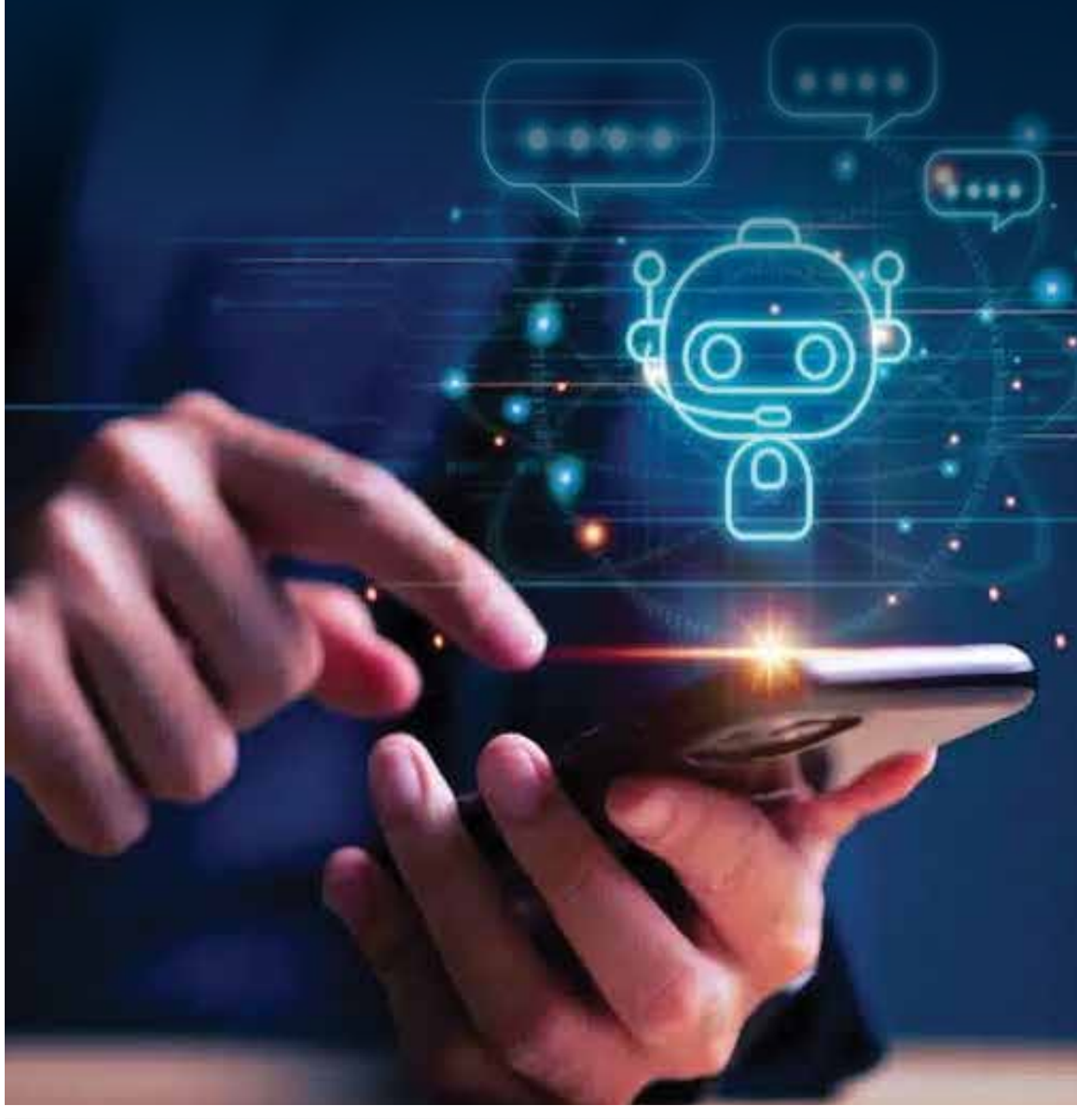
او با اشاره به پدیده سوگیری دسترس‌پذیری توضیح می‌دهد: «وقتی تصویری به راحتی در ذهن ما حاضر شود، احتمال وقوعش را بیشتر از واقعیت تخمین می‌زنیم؛ مثلاً دیدن هر روزه اخبار اخراج کارکنان به دلیل هوش مصنوعی، این تصور کاذب را می‌سازد که کل بازار کار در حال فروپاشی است. به همین دلیل باید میان آگاهی‌بخشی و ترس‌آفرینی مرز قائل شد. آگاهی‌بخشی یعنی ارائه تغییرات واقعی همراه با داده‌های دقیق، احتمالات منطقی و راهکارهای سازنده؛ اما ترس‌آفرینی یعنی به تصویر کشیدن آینده‌ای قطعی و فاجعه‌بار بدون پشتوانه اطلاعاتی معتبر که فقط درماندگی مخاطب را بیشتر می‌کند.»

رقیب یا بازوی کمکی

این روان‌شناس درباره اینکه چطور می‌توان زاویه دید را از هوش مصنوعی رقیب من است به هوش مصنوعی بازوی کمکی من است، تغییر داد، بدون آنکه دچار خوش‌خیالی ساده‌لوحانه شویم، توضیح می‌دهد: «یکی از مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی شناختی، بازسازی شناختی است؛ یعنی یاد بگیریم تفسیرهای ذهنی خود را از وقایع بررسی و در صورت لزوم آنها را اصلاح کنیم. برای مثال، فکر اولیه و اضطراب‌آور ما این است که هوش مصنوعی کار من را انجام می‌دهد، پس دیگر نیازی به من نیست. اما بازسازی شناختی این تصویر را تعدیل می‌کند و می‌گوید هوش مصنوعی شاید بخشی از وظایف من را انجام دهد، اما می‌تواند قضاوت، مسئولیت‌پذیری و ظرافت‌های مهارت انسانی من را تمام‌وکمال جایگزین کند؟»

او تأکید می‌کند: «هدف ما مثبت‌اندیشی افراطی و انکار واقعیت تغییرات بازار کار نیست. واقعیت این است که برخی مشاغل کوچک می‌شوند، بعضی وظایف حذف می‌شوند و حتی ممکن است افرادی شغلشان را از دست بدهند؛ بنابراین آنچه نیاز داریم، پذیرش واقعیت بدون تسلیم شدن در برابر ترس است.»

این روان‌شناس پیشنهاد می‌کند: «به جای اینکه بپرسیم چطور با هوش مصنوعی رقابت کنیم، باید از خود بپرسیم چطور می‌توانیم با کمک هوش مصنوعی، توانایی‌های تخصصی‌مان را توسعه دهیم؟ وقتی این پرسش بنیادین را در ذهنمان تغییر دهیم، جهت‌گیری رفتارهایمان هم به‌طور طبیعی تغییر خواهد کرد.»







وقتی توسعه زیرساخت‌های گردشگری از حضور میهمانان عقب می‌ماند

نگاهی به چالش مدیریت پسماند در مناطق ییلاقی

دیدگاه



سامان مرادحسینی
فعال حوزه روستا

رونق گردشگری در روستاها و مناطق ییلاقی، هرچند فرصتی مغتنم برای پویایی اقتصاد محلی و معرفی اصالت‌های فرهنگی است، اما گاه با چالش‌هایی همراه می‌شود که شأن میزبانی و حرمت طبیعت را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. پسماندهای رهاشده در دامن طبیعت، بیش از آنکه حاصل بی‌مبالاتی باشد، گاه بازتاب یک «سردرگمی زیرساختی» است؛ جایی که گردشگرِ دغدغه‌مند نیز برای مدیریت پسماند خود دچار چالش می‌شود. در بازدیدهای میدانی از تفرجگاه‌های روستایی، مکرراً با این صحنه مواجه می‌شویم که خانواده‌ها پس از گذراندن ساعاتی در طبیعت، کیسه‌های پسماند خود را در دست دارند اما مقصدی برای تحویل آن پیدا نمی‌کنند. نبود مخازن جمع‌آوری پسماند در نقاط پرتردد و استراحتگاه‌ها، ناخواسته به انباشت این کیسه‌ها در حاشیه جاده‌ها و عرصه‌های طبیعی می‌انجامد؛ رویدادی که پیش از آسیب به منظر بصری، گویای یک خلأ برنامه‌ریزی در مقصدهای نوظهور گردشگری است. نکته تأمل‌برانگیزتر، وجود تابلوهای هشدار و انذار در برخی از این مناطق است؛ در حالی که در شعاع دید این تابلوها، حتی یک زیرساخت ساده برای عمل به توصیه‌ها تعبیه نشده است. این فاصله میان «انتظار از شهروند» و «تجهیز فضا»، نیازمند بازنگری در رویکردهای مدیریتی است و نشان می‌دهد که نظارت و هشدار، بدون پشتیبانی امکانات اولیه به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

با این همه، حضور شهروندان مسئولیت‌پذیری که پسماندهای خود و حتی باقی‌مانده‌های دیگران را تا مخازن حاشیه راه‌ها حمل می‌کنند، سرمایه اجتماعی ارزشمندی است. این مشارکت مدنی، گواهی بر علاقه‌مندی عمومی به صیانت از محیط زیست است، اما پایداری آن در گرو حمایت متولیان محلی با توسعه زیرساخت‌های متناسب خواهد بود. برای بهبود و نظام‌مند کردن این وضعیت، گام‌های زیر به عنوان پیشنهادهای کارشناسی مطرح می‌شود:

۱. تجهیز مبادی و نقاط توقف به مخازن دردار و استاندارد پسماند در حاشیه راه‌ها و تفرجگاه‌ها؛ اقدامی کم‌هزینه که می‌توان با جلب مشارکت جوامع محلی و مالکان محلی به سرعت آن را اجرایی کرد.

۲. مدیریت و تخلیه منظم مخازن؛ امری کلیدی برای جلوگیری از سرریز شدن و حفظ اعتماد گردشگران به سیستم پاکسازی منطقه .

۳. تقویت پیوست‌های فرهنگی با بهره‌گیری از رسانه‌ها و تشکل‌های مدنی؛ به منظور آگاهی‌بخشی به گردشگران جهت مدیریت پسماند سفر و تکریم جوامع روستایی به عنوان میزبانان اصلی این اقلیم‌ها.

طبیعت روستاهای ما، خانه‌ای است که هر هفته پذیرای هزاران میهمان مشتاق است. صیانت از این بستر ارزشمند، نیازمند طراحی هم‌راستا میان مسئولیت فردی میهمان و وظیفه زیرساختی میزبان است. با نگاهی ایجابی و همدلانه می‌توان این چالش کوچک را به فرصتی برای ارتقای فرهنگ گردشگری پایدار و صمیمی‌تر کردن پیوند میان شهر و روستا بدل ساخت.



معماری امروز، هویت ملی و میراثی که برای فردا به جا می‌گذاریم

هنوز اهلیت ساختن داریم؟

یادداشت



سعید شفیعا
عضو هیأت علمی
مرکز پژوهش‌های مجلس

هویت ملی فقط در روایت‌های تاریخی، نمادهای رسمی و مناسبت‌های جمعی شکل نمی‌گیرد. بخش مهمی از آن در تجربه روزمره جامعه و در شیوه زندگی مردم در سرزمینی که به آن تعلق دارند، ساخته و بازتولید می‌شود. خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، محله‌ای که در آن رفت‌وآمد داریم و رابطه‌ای که میان فضای زندگی و محیط پیرامون خود برقرار می‌کنیم، همگی بخشی از تجربه مشترک ما از زیستن در این سرزمین هستند. از همین رو، معماری را نمی‌توان صرفاً موضوعی فنی یا مسأله‌ای مربوط به سلیقه و زیبایی‌شناسی دانست. معماری یکی از عرصه‌هایی است که نسبت جامعه با سرزمین، فرهنگ و تجربه تاریخی‌اش در آن نمود پیدا می‌کند. معماری گذشته ایران را نیز نباید صرفاً مجموعه‌ای از شکل‌ها و تزئینات قابل تقلید دانست. حیاط مرکزی، ایوان، نحوه استقرار اتاق‌ها، توجه به محرمیت، ارتباط خانه با کوچه و همسایگی، هریک پاسخی به مجموعه‌ای از شرایط محیطی و اجتماعی بوده‌اند. شناخت اقلیم، جهت تابش آفتاب، جریان هوا، دسترسی به آب و مصالح در دسترس، در کنار شیوه زندگی خانواده، روابط اجتماعی و مفهوم حریم، به‌تدریج در ساختار خانه و محله بازتاب یافته است. این عناصر حاصل تصمیم‌های پراکنده و صرفاً زیبایی‌شناختی نبودند؛ پشت آنها دانشی انباشته و تجربه‌ای تاریخی قرار داشت که نسل‌های مختلف در زندگی و ساختن به دست آورده و منتقل کرده بودند.

می‌توان این توانایی را نوعی «اهلیت» دانست؛ اهلیت جامعه برای شناخت محیط زندگی خود، انطباق با ویژگی‌های آن و تبدیل این شناخت به شیوه‌های سکونت، ساخت‌وساز و سازمان‌دهی فضای زندگی. اهلیت فقط مهارت معمار یا توانایی فنی سازندگان نیست. موضوع، ظرفیت جمعی جامعه برای فهم رابطه میان انسان، محیط طبیعی، مناسبات اجتماعی و فضای ساخته‌شده است. جامعه‌ای که از این ظرفیت برخوردار است، می‌تواند با تغییر شرایط و نیازها، شیوه‌های تازه‌ای برای زندگی پدید آورد، بی‌آنکه پیوند خود را با تجربه تاریخی و ویژگی‌های سرزمینی‌اش از دست بدهد.

مسأله امروز ما بازگشت به شکل خانه‌های گذشته یا تکرار عناصر معماری تاریخی نیست. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند با نادیده گرفتن تغییرات جمعیتی، فناوری، اقتصاد و سبک زندگی، همان الگوهای پیشین را بازتولید کند. زندگی امروز با گذشته تفاوت‌های جدی دارد و معماری نیز ناگزیر از پاسخ‌گویی به این تفاوت‌هاست. مسأله این است که آیا در فرآیند این تغییر، توانایی شناخت محیط و ساختن متناسب با آن را حفظ کرده‌ایم؟ آیا ساختمان‌های جدید حاصل فهمی از زندگی و محیط پیرامون هستند یا بیش از هر چیز بر اساس زمین، هزینه، زمان ساخت، سطح زیربنا و امکان فروش شکل می‌گیرند؟

در بخش قابل توجهی از ساخت‌وساز امروز، ساختمان پیش از آنکه ساکن و شیوه زندگی او شناخته شده باشد، طراحی و تولید می‌شود. فاصله میان سازنده و مصرف‌کننده، غلبه منطق اقتصادی بر تصمیم‌های ساخت‌وساز و تبدیل مسکن به کالایی برای مبادله، می‌تواند رابطه میان بنا و تجربه واقعی زندگی را تضعیف کند. در چنین شرایطی، ممکن است ساختمانی از نظر فنی قابل قبول و از نظر اقتصادی موفق باشد، اما نتواند محیطی متناسب با نیازهای ساکنان و روابط اجتماعی آنان ایجاد کند. تولید ساختمان با ساختن محیط زندگی یکسان نیست. این تفاوت را می‌توان در آشفتگی بسیاری از محیط‌های ساخته‌شده نیز مشاهده کرد. البته هر تفاوتی در شکل و نمای ساختمان‌ها نشانه آشفتگی نیست. نامتقارنی، تنوع و نوآوری می‌توانند بخشی از خلاقیت معماری باشند و حتی به غنای منظر شهری کمک کنند. مسأله زمانی آغاز می‌شود که میان ساختمان و خیابان، بنا و محله، معماری و اقلیم، یا فضای ساخته‌شده و زندگی اجتماعی پیوند معناداری وجود نداشته باشد. هر ساختمان منطق مستقلی را دنبال کند و مجموعه آنها نتواند محیطی قابل فهم و برخوردار از انسجام برای زندگی جمعی پدید آورد.

این وضعیت را نمی‌توان فقط به سلیقه معماران یا ضعف طراحی چند ساختمان نسبت داد. آشفتگی محیط ساخته شده می‌تواند نشانه‌ای از تضعیف اهلیت جمعی در ساختن محیط زندگی باشد؛ وضعیتی که در آن، تصمیم‌های اقتصادی، ضوابط ساخت‌وساز، مدیریت شهری و نیازهای اجتماعی، بدون ایجاد پیوندی روشن و پایدار با یکدیگر عمل می‌کنند. در نتیجه، ممکن است توان تولید ساختمان افزایش یافته باشد، اما توان ساختن محیطی که مردم بتوانند در آن احساس تعلق کنند و تجربه مشترکی از زندگی داشته باشند، به همان نسبت رشد نکرده باشد.

اهمیت این موضوع برای میراث فرهنگی نیز از همین‌جا روشن می‌شود. میراث فرهنگی فقط آن چیزی نیست که از گذشته باقی مانده و امروز وظیفه حفاظت از آن را برعهده داریم. میراث، بخشی از تجربه تاریخی و حافظه جمعی جامعه است که در بناها، مکان‌ها، شیوه‌های زندگی و معناهای مشترک استمرار پیدا می‌کند. یک بنا صرفاً به دلیل قدمت یا ویژگی‌های معماری به میراثی زنده تبدیل نمی‌شود. زمانی که از کارکرد اولیه خود فراتر می‌رود، در تجربه و خاطره جمعی جای می‌گیرد و برای جامعه معنایی فراتر از یک سازه پیدا می‌کند، امکان تبدیل‌شدن به بخشی از میراث فرهنگی را می‌یابد. آرامگاه فردوسی نمونه‌ای از این فرآیند است. اهمیت آن تنها به ویژگی‌های کالبدی بنا محدود نمی‌شود؛ این مکان در پیوند با فردوسی، زبان فارسی، حافظه تاریخی و مشارکت نهادها و گروه‌های اجتماعی، به یکی از مکان‌های معنادار در تصور ایرانیان از گذشته خود تبدیل شده است. معنای فرهنگی چنین مکان‌هایی در طول زمان و از طریق حضور اجتماعی، روایت‌ها و تجربه‌های مشترک شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد.

بنابراین، حفاظت از میراث گذشته به‌تنهایی برای تداوم میراث فرهنگی کافی نیست. جامعه‌ای که از بناها و آثار تاریخی خود حفاظت می‌کند، اما در ساختن محیط‌های زندگی امروز از پیوند دادن تجربه تاریخی با نیازهای تازه ناتوان است، ممکن است در حفظ گذشته موفق باشد، ولی در تولید میراث برای آینده با مشکل روبه‌رو شود. نسل‌های آینده نیز برای شکل دادن به حافظه و هویت خود به مکان‌ها و تجربه‌هایی نیاز دارند که با زندگی واقعی آنان پیوند خورده باشد. پرسش این است که از میان ساختمان‌ها و محله‌هایی که امروز می‌سازیم، کدام‌یک چنین ظرفیتی خواهند داشت؟

قرار نیست معماری امروز شبیه معماری چند قرن پیش باشد. قرار است بتواند با دانش و فناوری زمانه خود، پاسخ‌هایی متناسب با اقلیم، نیازهای اجتماعی و شیوه زندگی امروز ارائه کند و در عین حال، رابطه خود را با تجربه تاریخی این سرزمین از دست ندهد. تداوم هویت ملی به معنای ثابت نگه داشتن شکل‌ها نیست؛ به معنای حفظ و بازآفرینی پیوندهایی است که جامعه را به سرزمین، تاریخ و تجربه مشترک زندگی متصل می‌کنند.

از این منظر، مسأله اصلی معماری امروز فقط این نیست که ساختمان‌های ما چه شکلی دارند یا چقدر با الگوهای گذشته متفاوت‌اند. پرسش جدی‌تر این است که آیا هنوز اهلیت ساختن محیط زندگی خود را داریم؟ آیا می‌توانیم خانه و محله‌ای بسازیم که علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای امروز، حامل تجربه‌ای از زندگی در این سرزمین باشد و برای نسل‌های بعد نیز معنایی قابل شناخت و به‌یادماندنی ایجاد کند؟ آینده میراث فرهنگی ما، تا اندازه زیادی، به پاسخی بستگی دارد که امروز به این پرسش می‌دهیم.

> مسأله اصلی معماری امروز فقط این نیست که ساختمان‌های ما چه شکلی دارند یا چقدر با الگوهای گذشته متفاوت‌اند. پرسش جدی‌تر این است که آیا هنوز اهلیت ساختن محیط زندگی خود را داریم؟

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران تأکید کرد

«شهر اسفنجی»؛ ضرورتی برای کاهش مخاطرات سیلاب در تهران

گزارش

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران با اشاره به شرایط بارندگی‌های شدید، احتمال وقوع سیلاب و ضرورت مدیریت روان‌آب‌های سطحی در کلانشهر تهران، بر لزوم بازنگری در رویکردهای سنتی مدیریت آب باران و حرکت به سمت الگوی «شهر اسفنجی» تأکید کرد.

حسن عباس‌نژاد با بیان اینکه افزایش سطوح نفوذناپذیر شهری، توسعه نامتوازن ساخت‌وسازها، کاهش پوشش طبیعی خاک و تخریب مسیرهای طبیعی جریان آب از عوامل تشدیدکننده آب‌گرفتگی و سیلاب‌های شهری هستند، گفت: «در شرایطی که تهران همزمان با چالش کم‌آبی، خشکسالی‌های متوالی و وقوع بارش‌های شدید و سیل‌آسا مواجه است، مدیریت آب باران نباید صرفاً به جمع‌آوری و هدایت سریع روان‌آب‌ها از طریق شبکه‌های دفع آب‌های سطحی محدود شود؛ بلکه باید با اتخاذ رویکردی جامع، زمینه نفوذ، ذخیره‌سازی، تصفیه و استفاده مجدد از این منابع ارزشمند فراهم شود.»

وی افزود: «در الگوی متعارف توسعه شهری، بخش قابل‌توجهی از بارندگی به دلیل پوشیده شدن سطح زمین با آسفالت، بتن و سایر مصالح نفوذناپذیر، به روان‌آب تبدیل می‌شود و با افزایش دبی جریان، فشار مضاعفی بر شبکه‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی وارد می‌کند؛ موضوعی که در صورت ناکافی بودن ظرفیت زیرساخت‌ها می‌تواند به آب‌گرفتگی معابر، خسارت به تأسیسات شهری و بروز سیلاب منجر شود. در مقابل، رویکرد شهر اسفنجی بر بازگرداندن ظرفیت طبیعی شهر برای جذب و نگهداشت آب باران و کاهش روان‌آب‌های مخرب استوار است.»

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران با اشاره به تجربه کشورهای پیشرو در زمینه مدیریت پایدار آب‌های سطحی خاطرنشان کرد: «مفهوم شهر اسفنجی از سال ۲۰۱۳ در چین مورد توجه و تأکید رسمی قرار گرفت و به‌تدریج به عنوان یکی از رویکردهای نوین برنامه‌ریزی و طراحی شهری توسعه یافت. در این الگو، شهر همچون یک اسفنج، بخشی از آب باران را جذب می‌کند، بخشی را در فضاها و زیرساخت‌های مناسب ذخیره می‌سازد، کیفیت آن را بهبود می‌بخشد و متناسب با شرایط محیطی و نیازهای شهری، امکان استفاده مجدد از آن را فراهم می‌آورد.»

عباس‌نژاد در تشریح الزامات تحقق این رویکرد در تهران گفت: «نخستین گام، شناسایی دقیق حوضه‌های آبریز شهری، مسیرهای طبیعی جریان آب، نقاط مستعد آب‌گرفتگی، ظرفیت شبکه‌های جمع‌آوری روان‌آب، ویژگی‌های نفوذپذیری خاک و پهنه‌های مناسب برای ذخیره و نفوذ آب است. بر این اساس، تهیه نقشه جامع مدیریت روان‌آب‌های شهری و تلفیق آن با طرح‌های توسعه شهری و برنامه‌های مدیریت بحران ضرورت دارد.»

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران، توسعه زیرساخت‌های سبز و آبی را از دیگر الزامات شهر اسفنجی دانست و افزود: «ایجاد باغ‌های باران، پارک‌های آب‌پذیر، بام‌های سبز، نوارهای گیاهی حاشیه معابر، کف‌سازی‌های نفوذپذیر، حوضچه‌های تأخیری، مخازن ذخیره آب باران و تالاب‌های مصنوعی از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند با طراحی اصولی و متناسب با ویژگی‌های هیدرولوژیک و زمین‌شناختی هر منطقه، به کاهش حجم و سرعت روان‌آب و تقویت چرخه طبیعی آب کمک کنند.»

وی ادامه داد: «یکی از مزیت‌های مهم این رویکرد، پیوند دادن مدیریت سیلاب با مدیریت کم‌آبی و بازچرخانی منابع آب است. آب باران جمع‌آوری‌شده پس از بررسی کیفیت و رعایت الزامات فنی و بهداشتی می‌تواند در مصارفی نظیر آبیاری فضای سبز و شست‌وشوی برخی سطوح شهری مورد استفاده قرار گیرد؛ همچنین استفاده هدفمند از پساب تصفیه‌شده در آبیاری فضای سبز شهری، با کاهش فشار بر منابع آب متعارف، می‌تواند مکمل این نظام مدیریتی باشد.»

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران با تأکید بر اینکه اجرای طرح شهر اسفنجی صرفاً با افزایش فضای سبز یا احداث چند مخزن و حوضچه محقق نمی‌شود، تصریح کرد: «تحقق این رویکرد مستلزم تغییر نگرش در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، بازنگری در ضوابط طراحی معابر و فضاهای عمومی، حفاظت از آبراهه‌ها و مسیل‌های طبیعی، هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول در حوزه آب، فاضلاب، مدیریت بحران، شهرداری‌ها و محیط زیست و همچنین پیش‌بینی سازوکاری مشخص برای نگهداری و پایش مستمر زیرساخت‌هاست.»

به گزارش روابط عمومی اداره‌کل حفاظت محیط زیست استان تهران، عباس‌نژاد در پایان تأکید کرد: «با توجه به شرایط اقلیمی تهران، افزایش رخدادهای بارش‌های حدی و همزمانی مخاطرات سیلاب با تنش آبی، حرکت به سمت شهرهای تاب‌آور و سازگار با تغییر اقلیم، یک ضرورت راهبردی است. شهر اسفنجی می‌تواند با کاهش روان‌آب‌های مخرب، تقویت نفوذ و ذخیره آب، بهبود کیفیت محیط شهری و افزایش بهره‌وری منابع آب، نقش مؤثری در ارتقای تاب‌آوری زیست‌محیطی تهران ایفا کند؛ البته اجرای موفق این الگو نیازمند مطالعات علمی، مکان‌یابی دقیق، رعایت ملاحظات حفاظت از آب‌های زیرزمینی و جلوگیری از نفوذ آلاینده‌ها به منابع آب و خاک است.»



> بخش قابل‌توجهی از بارندگی به دلیل پوشیده شدن سطح زمین با آسفالت، بتن و سایر مصالح نفوذناپذیر، به روان‌آب تبدیل می‌شود و با افزایش دبی جریان، فشار مضاعفی بر شبکه‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی وارد می‌کند



سرنوشت توله چهارم «تلما» نامشخص است

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان از مشاهده‌ی «تلما»، ماده‌یوزپلنگ شناخته‌شده منطقه توران، به همراه سه توله خبر داد و گفت سرنوشت چهارمین توله این خانواده‌یوز هنوز در ابهام قرار دارد.

سعید یوسف‌پور در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: «این ماده‌یوز که پیش‌تر با چهار توله در محدوده حفاظت‌گاه مشارکتی «یوزکنام» رصد شده بود، در روزهای اخیر فقط با سه توله دیده شد. نخستین بار پنجم مهر ۱۴۰۵ حضور «تلما» و چهار توله بهارامساله‌اش ثبت شده بود.» وی با اشاره به زادآوری «تلما» (فرزند حرب) در هفت‌سالگی افزود: «این رویداد در سنین پایانی زادآوری، نشانه‌ی پویایی و سلامت زیست‌کره توران است. با وجود پایش‌های میدانی چندروزه‌ی محیط‌بانان و قرق‌بانان، هنوز نشانه‌ای از توله‌ی چهارم به دست نیامده است.» به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان، بر اساس گزارش‌های پیشین، توله چهارم در مقایسه با همتایانش از وضعیت جسمی مناسبی برخوردار نبود و هنگام حرکت عقب می‌ماند. وی تأکید کرد که با وجود این، تا زمان به دست آمدن شواهد بیشتر، نمی‌توان درباره سرنوشت آن اظهارنظر قطعی کرد.



ورود پساب به زاینده‌رود

شهرستان «سامان» در چهارمحال و بختیاری، با طبیعت چشم‌نواز، باغ‌های سرسبز و گذر رودخانه زاینده‌رود، یکی از مناطق مهم گردشگری استان به شمار می‌رود؛ اما در کنار این زیبایی‌ها، رهاسازی فاضلاب و انباشت زباله در حاشیه رودخانه، به یکی از نگرانی‌های زیست‌محیطی منطقه تبدیل شده است. بوی نامطبوع، گلایه ساکنان و مشاهده پسماند در برخی نقاط حاشیه رودخانه، ضرورت رسیدگی جدی به وضعیت مدیریت فاضلاب و پسماند را دوچندان کرده است. موضوعی که علاوه بر تهدید سیمای طبیعی و گردشگری منطقه، با توجه به قرارگیری باغ‌ها و اراضی کشاورزی در مجاورت زاینده‌رود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

تداوم این وضعیت، ضرورت توسعه زیرساخت‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب، ساماندهی پسماندها و نظارت مستمر بر منابع آلاینده را یادآور می‌شود؛ اقداماتی که می‌تواند در حفاظت از محیط زیست، منابع آبی و سرمایه طبیعی منطقه نقش مؤثری داشته باشد. زاینده‌رود بخشی از هویت طبیعی سامان است؛ حفاظت از آن، مسئولیتی مشترک و ضرورتی انکارناپذیر برای امروز و آینده این منطقه به شمار می‌رود.

بازخوانی پرونده جنایی

سفته های پسر معتاد مادر ثروتمندش را به کشتن داد



گروه حوادث: مرضیه همایونی/
مرد میانسال برای چندمین بار شماره تلفن خانه خواهرش را گرفت اما باز هم تماسش بی‌پاسخ ماند. کم کم نگرانی به جانش افتاد با خودش گفت نکند اتفاق ناگواری رخ داده باشد. آذر اگر جایی می‌خواست برود حتماً قبلش به من خبر می‌داد عجیب است که این سه چهار روزه هیچ خبری به من نداده و تماس نگرفته است.
مرد میانسال مردد بود که موضوع ناپدید شدن خواهرش را به پلیس خبر بدهد یا باز هم صبر کند. اوایل فکر می‌کرد شاید خواهرش به خاطر تعطیلات عید با دوستانش به سفر رفته باشد اما به خودش گفت اگر جایی می‌رفت قبلش یا بعد از رفتن به من خبر می‌داد. این پسره معتادم که جواب درست و حسابی به آدم نمی‌دهد. فقط مثل مار روی ثروت خواهرم چنبره زده است و منتظر است بلایی سر مادرش بیاید تا همه ارث و میراثش را تصاحب کند. این جمله را آرمان گفت و زیر لب هم چند ناسزا نثار پسرخواهرش کرد.
گرچه بازهم برای رفتن به اداره آگاهی مردد بود، اما چاره‌ای نبود. سهیل، پسر خواهرش جواب درست و حسابی به او نمی‌داد و ناپدید شدن آذر هم چند روزی طول کشیده بود و واقعاً جای نگرانی داشت.
آرمان پشت فرمان خودرویش نشست و ساعتی بعد مقابل در آهنی بزرگ اداره آگاهی توقف کرد. از سرباز جلوی در پرسید اداره مربوط به گمشده‌ها کجاست؟ پسر جوان هم او را به سمت اداره چهارم پلیس آگاهی راهنمایی کرد. وقتی وارد شعبه شد افسران پلیس هر کدام مشغول رسیدگی به پرونده‌ای بودند. گوشه‌ای ایستاد تا اینکه یکی از افسران بعد از اینکه کار بازجویی‌اش از یک متهم تمام شد از او خواست علت حضورش در اداره را توضیح دهد. آرمان نگاهی به اتیکت روی لباس افسر پلیس انداخت و نامش را خواند سرهنگ صالح عبدی‌نژاد. مرد میانسال جلو رفت و سلامی کرد و گفت: «جناب سرهنگ خواهرم ناپدید شده است. آذر چند روزی است که انگار آب شده و به زمین فرو رفته است. هیچ کسی هم از او خبر ندارد. بعد صدایش را کمی پایین‌تر آورد و ادامه داد: «فکر می‌کنم کار پسرش باشد. سهیل اعتیاد شدید به مواد مخدر دارد و اینطور که من فهمیده‌ام کلی هم بدهی بالا آورده است. معلوم است دیگر وقتی بیکار است و کلی پول مواد مخدر می‌دهد و یک ریال هم درآمد ندارد یا از خواهر بیچاره من پول می‌گیرد یا از دیگران قرض می‌کند.»
افسر جوان گفت: «مشخصات خواهرتان و آدرس محل سکونتش همچنین شماره تماس تلفن همراهش را بگویید.»
آرمان آدرس و مشخصات خواهرش را بیان کرد و گفت: «تلفن همراه ندارد. خواهرم اعتقادی به تلفن همراه ندارد و هنوز با تلفن خانه‌اش با دیگران در تماس است.»
افسر جوان از آرمان خواست به خانه برود و پس از هماهنگی‌های قضایی تحقیقات آغاز شد. استعلام از کلانتری‌ها و مراکز درمانی بی‌فایده بود. جسد زن ناشناسی نیز با مشخصات آذر کشف نشده بود.
با شروع تحقیقات مشخص شد آذر زنی ثروتمند است و به غیر از خانه‌ای که در آن سکونت دارد، سه خانه دیگر در تهران و یک خانه باغ در اطراف پایتخت دارد. او سه خانه‌اش را اجاره داده بود و وضع مالی خوبی داشت.
وقتی سهیل برای تحقیقات به اداره آگاهی احضار شد مدعی بود مادرش برای دیدن یکی از دوستانش خانه را ترک کرده و دیگر از او خبری ندارد.

بن‌بست تحقیقاتی

همه شواهد و مدارک حکایت از آن داشت که برای زن میانسال اتفاقی رخ داده است و فرضیه قتل او پررنگ بود. کارآگاهان اداره چهارم در مرحله بعد برای تحقیق و بررسی با دستور قضایی وارد خانه آذر شدند اما هیچ رد و سرنخی در آنجا به‌دست نیامد. خانه نیز مجهز به دوربین مداربسته نبود و از سویی زن میانسال تلفن همراه نیز نداشت که بتوان ترددش یا تماس‌هایش را بررسی کرد.
تیم جنایی در هر شاخه از تحقیقات با بن‌بست مواجه می‌شد تا اینکه فکری به ذهن افسر پرونده خطور کرد و دستور بررسی تلفن خانه زن میانسال را گرفت. آخرین تماس‌ها نشان می‌داد که او با یکی از دوستانش به نام مهوش قرار ملاقات گذاشته است. کارآگاهان بلافاصله هویت مهوش را شناسایی کرده و به سراغ او رفتند. زن میانسال حضور آذر در خانه‌اش را تأیید کرد اما گفت که آذر یکی دو ساعتی بیشتر در خانه او نمانده و گفته با شخصی قرار دارد. اما اینکه آن شخص چه کسی بود، نگفته است.
حالا یک معمای بزرگ روی میز تیم تحقیق قرار داشت، آذر با چه کسی قرار ملاقات داشت. بی‌شک آن شخص در ناپدید شدن آذر نقش داشت و می‌دانست چه سرنوشتی برای زن میانسال رقم خورده است.
بار دیگر تماس‌های تلفنی زن میانسال مورد بررسی قرار گرفت و این بار در میان شماره‌ها افسر جوان به شماره‌ای برخورد که متعلق به مردی به نام حشمت بود. تحقیقات نشان می‌داد او صاحب باغی در کنار باغ آذر بوده است و کارهای خانه باغ آذر را نیز انجام می‌داد. اما بررسی‌های تکمیلی مشخص کرد حشمت آخرین بار با پسر مقتول در تماس بوده است.
در حالی که تلاش برای پیدا کردن حشمت ادامه داشت دستور بازداشت پسر آذر به‌عنوان تنها مظنون پرونده نیز صادر شد. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که حشمت از مدتی قبل به عنوان مباشر آذر نیز برایش کار می‌کرد. در حالی که ظن کارآگاهان در این پرونده به حشمت بیشتر می‌شد تحقیقات نشان داد او روز حادثه از مارلیک کرج به میدان آزادی و از آنجا به شهریار رفته بود. بنابراین احتمال اینکه آن روز آذر بعد از خروج از خانه دوستش به ملاقات حشمت رفته باشد، زیاد شد.
سرهنگ عبدی‌نژاد درباره این پرونده می‌گوید: «هرچند پسر آذر همچنان به‌عنوان مظنون تحت بازجویی بود اما با به دست آمدن مدارک و شواهد بیشتر ظن ما به حشمت نیز بیشتر می‌شد تا اینکه سهیل مدعی شد که به خاطر خرید مواد مخدر بدهی زیادی به بار آورده و با دادن چندین سفته به حشمت از او پول قرض می‌گرفته است. با این حساب این فرضیه قوت گرفت که سهیل و حشمت با همدستی یکدیگر آذر را کشته باشند چرا که سهیل توانایی پرداخت سفته‌هایش را نداشته اما با اجرای نقشه قتل مادرش می‌توانسته تمامی اموال او را تصاحب کند و حشمت نیز می‌توانست پول‌های خود را پس بگیرد.

اعتراف مرد مباشر

با این فرضیه حشمت نیز شناسایی و بازداشت شد. مرد میانسال ابتدا مدعی بود که اصلاً آذر را نمی‌شناسد اما وقتی در برابر اسناد و مدارک قرار گرفت سناریوی دیگری مطرح کرد و گفت: «از آنجایی که آذر یک زن تنها بود من کارهای باغش را انجام می‌دادم یا هماهنگ می‌کردم که کارگر برای رسیدگی به باغش بیاید.»
او در رابطه با روز حادثه اظهارات ضد و نقیضی مطرح کرد. همین اظهارات باعث شد که افسر پرونده بیشتر به او مشکوک شود و در ادامه سرانجام راز ناپدید شدن آذر را فاش کرد.
او گفت: «من قاتل آذر نیستم اما می‌دانم چه کسی او را به قتل رسانده است.»
بعد مکثی کرد و گفت: «من خدمتکاری به نام بهناز دارم. روز حادثه آذر با من تماس گرفت و گفت قصد دارد به باغش برود من هم با بهناز، خدمتکارم به محل قرارمان در میدان آزادی رفتیم و آذر را سوار کرده و راهی باغ شدیم. در میان راه در حالی که سرعت ماشین بالا بود ناگهان بهناز در ماشین را باز کرد و با لگدی محکم، زن میانسال را از خودرو به پایین پرتاب کرد. با پرتاب کردن او، بلافاصله خودرو را در کناری متوقف کردم و به سراغ آذر رفتم اما او بر اثر شدت ضربه‌ای که به او وارد شده بود جانش را از دست داد و من هم که ترسیده بودم فوراً از آنجا فرار کردم و بعد از آن نمی‌دانم چه شد و چه اتفاقی افتاد.»
در حالی که از نظر افسر جوان تناقض‌گویی‌هایی در اظهارات حشمت بود و او واقعیت را کامل بیان نمی‌کرد با این حال پس از هماهنگی‌های قضایی، بهناز بازداشت شد.
دختر جوان در همان تحقیقات اولیه بدون هیچ مقاومت و انکاری به قتل اعتراف کرد: «آذر را من کشتم اما به دستور حشمت. حشمت سفته‌های زیادی از پسر آذر داشت و به دلیل اینکه او معتاد بود و پولی نداشت، نمی‌توانست این سفته‌ها را به اجرا بگذارد. به همین دلیل نقشه قتل آذر را کشید. می‌گفت با مرگ آذر همه اموال به پسرش می‌رسد و او می‌تواند سفته‌هایش را وصول کند و چون سهیل معتاد است به راحتی اموالش را از چنگش درآورد.»
او ادامه داد: «پدر و مادرم روستایی هستند و من برای کمک به زندگی آنها به تهران آمدم و در خانه حشمت مشغول به کار شدم. او به من گفت اگر آذر را بکشم پول خوبی به من می‌دهد و اگر هم پلیس به من شک و مرا دستگیر کرد، با سفته‌هایی که از سهیل دارد او را وادار می‌کند رضایت بدهد و در نهایت دیه مادرش را می‌دهد و مرا آزاد می‌کند من فریب وعده‌های حشمت را خوردم فکر می‌کردم با پولی که به من می‌دهد زندگی خانواده‌ام روبه‌راه می‌شود.»
او در رابطه با نحوه قتل به افسر جوان گفت: «آذر را در میدان آزادی سوار خودرو کردیم بین راه در جاده‌ای خلوت با علامت حشمت که سرعت خودرو را بالا برده بود من در خودرو را باز کردم و او را از خودرو بیرون انداختم. بلافاصله حشمت خودرو را متوقف کرد و به سراغ آذر رفتیم زن میانسال بر اثر اصابت سرش با زمین جانش را از دست داده بود. جسد را داخل صندوق عقب خودرو قرار داده و در همان حوالی شهریار، حشمت جسدش را همانجا رها کرد و ما به باغ برگشتیم.»

گذشت از قصاص

با اعترافات دخترجوان، حشمت نیز به همدستی در این جنایت و جنایت برمیت اعتراف کرد. با کشف پیکر زن میانسال و اثبات بی‌گناهی سهیل در قتل مادرش او آزاد شد اما پرونده پس از تکمیل همراه متهمان به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.
اما چندی بعد سهیل به شرط پس گرفتن سفته‌هایش از حشمت و دریافت دیه رضایت داد و از قصاص زن جوان صرف‌نظر کرد بدین ترتیب متهمان از جنبه عمومی جرم محاکمه و به حبس محکوم شدند.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۷۳**

جدول عادی

افقی

۱ - خوشحالی - پینگ‌پنگ
۲ - نان نازک ترد - نوعی بستنی - وحشت‌زده
۳ - رمق - بزرگ داشته شده - روزی‌رسان - ردیف، صف
۴ - قشلاق - درون و داخل - شور و علاقه
۵ - شیوه - سرود، نغمه - شکلات مُگعّب‌شکل
۶ - ناتوان - قفسه آشپزخانه - طایفه
۷ - زرنگ - کفش روسی - حرکت
۸ - حرف انتخاب - مستأجر - تعجب بانو
۹ - خوراکی معالج - مناسب و به‌موقع - پهن کردنی صیاد!
۱۰ - زنگ گردن چهارپا - پر پیچ و خم - میرا
۱۱ - خودروی ایرانی - فراگیری محتوایی در کانال‌های اجتماعی - حرف سفره نوروزی!
۱۲ - کلمه شرط - چه هنگام؟ - هلی‌کوپتر
۱۳ - عصاره میوه - شیون - به‌حد کمال نرسیده - ضمیر غایب
۱۴ - میوه سَخت‌پوست - مقابل «دختر» - یکتا
۱۵ - اختراعی نسبتاً جدید - کشوری در اقیانوسیه

عمودی

۱ - لوله رابط مایعات - سوگلی و محبوب
۲ - ساختمان فروریخته - سرباز زدن - حرف معرفه - پف
۳ - بیماری - قطعی، حتمی - فهمیده - تاقچه‌ای در دیوار
۴ - سنگ قیمتی - دو یار هم‌قد! - پیرایه خانم‌ها
۵ - شیرینی ازدواج - مزد کار - زندان تهران
۶ - چندبارگی - گردن‌آویز پیراهن مردانه - بردباری
۷ - نصف - زیانکار - آبگیر
۸ - ضمیر شخصی متصل اول شخص مفرد در حالت فاعلی - گونه‌ای خشونت - مملو
۹ - بالایی، فوقانی - نردباز ماهر - بافتن
۱۰ - آزاد - چاپ - شمارک
۱۱ - دشمن اعتیاد - حسینیه - پرنده‌ای نوک‌دراز
۱۲ - سنگ زینتی - اشاره بعید - فلسفه‌دان
۱۳ - فلز سرخ - شاه شاهان - یک‌ششم ملک - زنده جاوید
۱۴ - همدم، معشوق - ظرف مکان و زمان - حوضچه حمام - متداول و مرسوم
۱۵ - گیاهی طبی - نوعی ماهی و عینک!

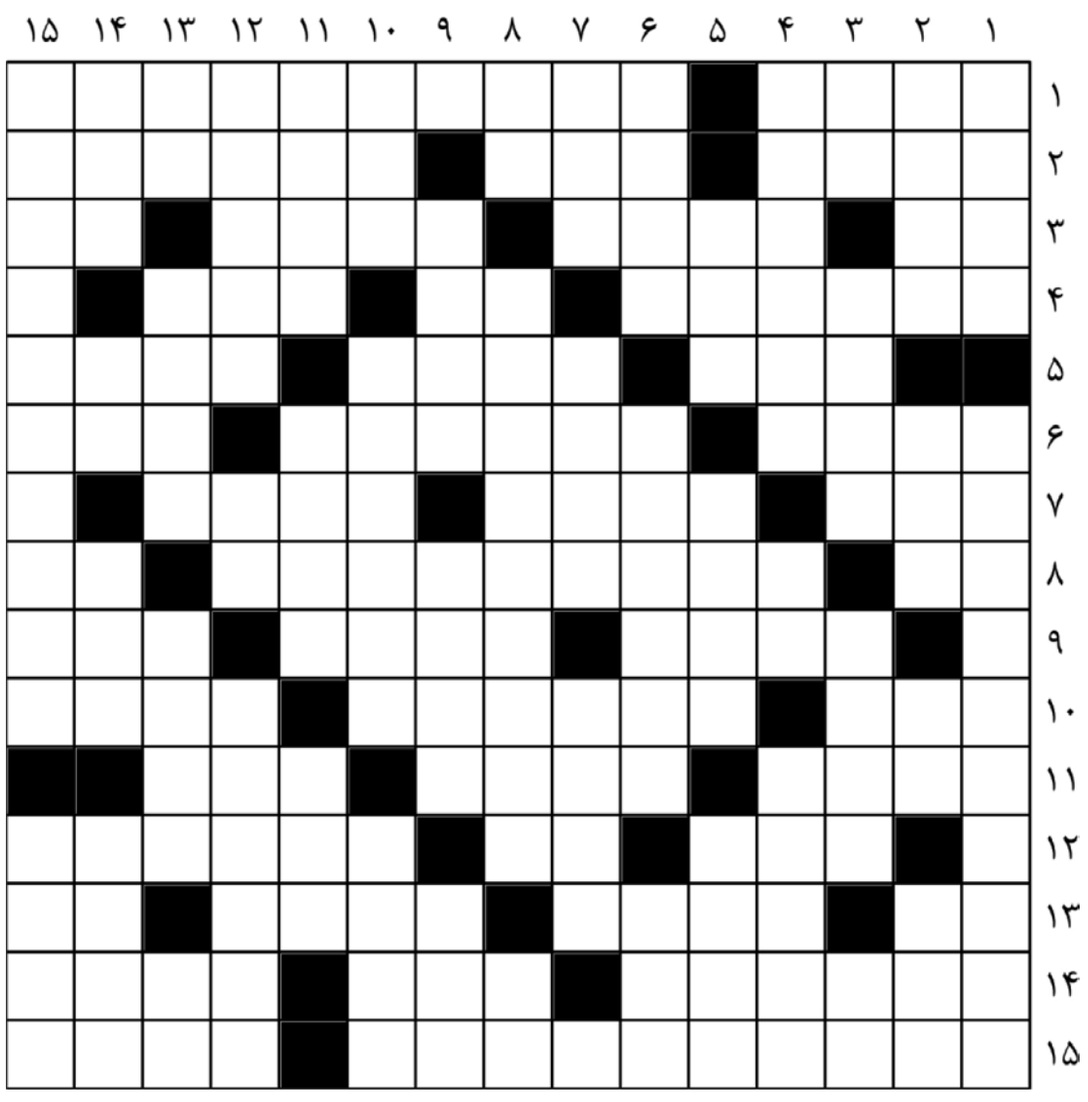
جدول ویژه

افقی

۱ - چابک و بلا - تفرجگاه مَمَسّنی
۲ - یاری دهنده - پرنده‌ای حشره‌خوار - فلاح
۳ - حرف پوست‌کنده - ادعا - درخشان - تشک ماوس
۴ - نانخورشی از شیر و ماست - فیلم بهرام بهرامیان - آرایش
۵ - جمع ملت - پیشی گرفتن - ضرر
۶ - از رذایل اخلاقی - سنگ معدنی تولید گاز استیلن - آشکار ساختن
۷ - ده توریستی خلخال - چوب‌بستی برای انگور - زندان
۸ - شادمان شدن - مدافع سپاهان - منش
۹ - جنگ با معاویه - به‌جا و مناسب - جسم نیست
۱۰ - رودی که از شامپاین آردن سرچشمه می‌گیرد و به «سن» می‌ریزد - مشهور - عضو شامه
۱۱ - مهار و دهانه - نداشتن همسر - موسیقی اعتراضی
۱۲ - به‌معنی دگر - شهر «هلند» - قلاب کوهنورد
۱۳ - همانند - شب پیش از امروز - دستبافته ایرانی - دوستی
۱۴ - پارچه نخی نازک - رفتار - کاراندازی
۱۵ - چهارمین پادشاه سلسله گورکانیان هند - شریک زندگی

عمودی

۱ - کلمه تعلیل - فیلم داوود موثقی
۲ - سوار - مخفف یورش - تابلوی «لیختنستاین» - نیمه چیزی
۳ - بی‌سابقه - دام - رنگرز - حرف مشایعت
۴ - بزرگ‌تر از قُلوه‌سَنگ - حرف نفرت - محل اسب‌دوانی
۵ - فعل و کنش - علامت صفت عالی - رزمگاه بوکس
۶ - نمونه - موجودات - همسر زن
۷ - بسیاری - همسر ابراهیم نبی - پاسخ داده شده
۸ - دودلی - سریال سید جواد هاشمی - رنگ مو
۹ - دارای لقب - داخل شدن - امر به گشودن
۱۰ - نام هر اداره ستاد ارتش - درجه ارتشی - تصفیه‌خانه بدن انسان
۱۱ - سکه سیاه مسی - ارمغان - حکم دادگاه
۱۲ - از عملیات رایج بانکی - ویتامینی در عدس - شهری حومه بندر لنگه
۱۳ - افشاگری - بی‌خویشاوند - مایع ظرف‌شویی - مردمک
۱۴ - پارچه نفیس از ابریشم - غذای پشتِ‌پا - جاری در رگ - بازار اوراق بهادار
۱۵ - کارگردان سریال «میانبر» - فقیر



حل جدول عادی شماره ۹۱۷۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ا	ی	ب	ا	ی	■	ا	م	ب	و	ل	ا	ن	س
۲	و	ن	و	س	■	ی	و	ر	ی	■	ت	ا	ی	م	ر
۳	ر	غ	ا	ی	ت	■	خ	ا	ن	م	■	م	ل	و	ک
۴	س	ا	ن	■	م	گ	■	م	و	ک	ا	■	■	ر	س
۵	ا	م	■	س	ل	ا	خ	ی	■	ر	چ	ی	م	■	ی
۶	و	■	ص	ی	ق	ل	ی	■	ت	م	ر	د	■	ا	ش
۷	ر	چ	ا	ل	■	ن	ا	م	ر	ت	ب	■	ش	و	ی
۸	ا	ی	د	ی	ن	■	ب	ر	ا	■	ه	ش	ی	ا	ر
۹	ق	ر	ق	■	م	د	ا	و	م	ت	■	ا	و	ر	ه
۱۰	ب	ه	■	ت	ر	ی	ن	■	و	ل	و	ل	■	ه	م
۱۱	ه	■	ک	ل	و	ن	■	گ	ا	ل	ر	ی	■	ب	ا
۱۲	ا	چ	ر	■	د	ا	ی	ی	■	ی	ی	■	س	ی	ل
۱۳	د	و	ب	ل	■	م	و	ل	د	■	د	ن	ی	و	ی
۱۴	ا	چ	ل	ا	س	■	گ	ا	ز	ر	■	ب	ا	ن	د
۱۵	ر	و	ا	ن	ن	و	ی	س	■	ا	ف	ش	ر	د	ن

حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ا	د	ر	ا	ن	■	ا	س	ت	ر	ا	ب	ا	د
۲	ن	ی	ر	و	■	ا	س	ی	ب	■	ت	م	س	خ	ر
۳	س	ر	س	ا	م	ه	■	م	ز	ن	■	م	ا	ت	م
۴	ا	ن	ت	■	ر	ف	■	ن	ی	ا	م	■	ت	ن	س
۵	ل	ا	■	د	ا	ی	م	ی	■	س	و	ی	■	د	ی
۶	و	■	ز	و	د	پ	ز	■	ت	و	س	ل	■	ی	ر
۷	ا	ش	و	ب	■	ا	د	و	ا	ر	ی	■	ف	ا	ز
۸	د	ل	ا	ل	ت	■	ت	س	و	■	و	ا	گ	ر	ا
۹	و	ی	ل	■	ا	م	ر	د	ا	د	■	ا	د	ن	ی
۱۰	ر	ل	■	ر	ی	ی	س	■	ش	ل	و	ا	ر	■	ن
۱۱	ن	■	ن	ا	گ	ت	■	س	ی	ا	س	ت	■	ا	د
۱۳	ی	ش	م	■	ا	ی	ا	ر	■	ر	غ	■	ح	ب	ه
۱۳	س	ی	ر	ت	■	ل	ی	ی	م	■	ت	ا	ل	ا	ر
۱۴	ت	د	و	ی	ن	■	د	ا	د	ه	■	ج	و	د	و
۱۵	م	ا	د	م	و	ا	ز	ل	■	د	ا	ل	ا	ی	د



مدیرعامل منطقه آزاد کیش در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

مصوبات حمایتی دولت برای عبور از بحران در استان‌های جنوبی

گفت‌وگو

سهیلا یادگاری
گروه اقتصادی

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با تشریح آخرین وضعیت اقتصادی و تجاری این جزیره پس از جنگ، از کاهش ۳۰ درصدی تعرفه‌های گمرکی، افزایش تسهیلات بانکی، تعویق دریافت مالیات‌ها و تدوین بسته حمایتی برای حمایت از کسب‌وکارها در استان‌های جنوبی خبر داد. محمدجعفر کبیری با اشاره به افت شدید پروازها و آسیب به صنعت گردشگری کیش تأکید کرد که این جزیره برای عبور از شرایط فعلی به حمایت جدی دولت نیاز دارد. او همچنین از برنامه‌های این منطقه برای تبدیل شدن به نخستین منطقه آزاد مالی ایران، توسعه اقتصاد دیجیتال و جذب سرمایه‌گذاری در حوزه‌های جدید خبر داد.

آخرین وضعیت اقتصادی و تجاری منطقه آزاد کیش چگونه است؟ این جزیره پس از جنگ‌های اخیر چه شرایطی را تجربه کرده است؟

پس از جنگ ۱۲ روزه، با همت بخش خصوصی توانستیم کیش را دوباره به رونقی که در زمستان ۱۴۰۳ و فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴ تجربه کرده بود، بازگردانیم. فروش کالا و خدمات در سال گذشته، با وجود دو جنگ، نسبت به سال ۱۴۰۳ بیش از دو و نیم برابر شد و به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسید؛ درحالی‌که این رقم در سال ۱۴۰۳ حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان بود. کیش به‌عنوان نگین ایران در قلب خلیج فارس، هر زمان که فرصت پیدا کرد، حتی پس از جنگ ۱۲ روزه، توانست گردشگران زیادی جذب کند. سال گذشته رکورد ۱۵۳ پرواز در یک روز در کیش ثبت شد. همچنین پروازهای خارجی از مبادی مختلف کشورهای همسایه، از جمله بغداد، اربیل، مسقط و دوشنبه تاجیکستان برقرار شد که تجربه بسیار خوبی برای جزیره رقم زد. به این ترتیب توانستیم آسیب‌های ناشی از جنگ ۱۲ روزه را تا حد زیادی جبران کنیم. شرایط سرمایه‌گذاری نیز بسیار خوب شد که در ادامه به آن اشاره می‌کنم؛ اما پس از جنگ ۴۰ روزه، به دلیل طولانی شدن محدودیت استفاده از خطوط هوایی در سطح کشور و فشارهایی که به مناطق جنوبی وارد شد، شرایط تغییر کرد.

حدود ۸۰ درصد رفت‌وآمد به جزیره کیش از طریق خطوط هوایی انجام می‌شود. اگرچه کیش اولین فرودگاه جنوب کشور بود که به مدار پرواز بازگشت، اما برخلاف تجربه سال گذشته، شرایط متفاوتی داشتیم. سال گذشته حداقل پروازهای روزانه ما ۵۰ پرواز و میانگین پروازها حدود ۸۰ تا ۹۰ پرواز بود؛ اما امسال کار را با چهار پرواز آغاز کردیم و در بهترین شرایط تعداد پروازها به ۴۰ پرواز رسید. از سوی دیگر، تقریباً نیمی از ناوگان هوایی کشور در حال حاضر امکان استفاده ندارد و همین مسأله باعث شد رشد مورد انتظار ما، مانند سال گذشته، محقق نشود.

ما ترکیبی از برگزاری رویدادها و ارائه وام به مسافران و کسب‌وکارها را تجربه کردیم. این تجربه بسیار موفق بود و امسال نیز آن را تکرار کردیم، اما محدودیت پروازها مانع از تکرار موفقیت سال گذشته شد.

برای حمایت از کسب‌وکارها، چه تدابیری مورد نظر است؟

دولت در شهریورماه مصوبه‌ای برای حمایت از کسب‌وکارهای استان‌های جنوبی در حوزه‌های مالیاتی، گمرکی و بانکی تصویب کرد، ما نیز پیگیری کردیم و توانستیم از این حمایت‌ها بهره‌مند شویم. از جمله اجازه داده شد سقف کالای همراه مسافر برای کیش از ۸۰ دلار به سه‌هزار دلار افزایش پیدا کند. همچنین سازمان امور مالیاتی دریافت مالیات‌ها را تا پایان آبان‌ماه به تعویق انداخته است. در حال حاضر چند هزار میلیارد تومان مالیات معوق داریم. گمرک نیز قرار است بسته حمایتی برای خروج کالا از کیش فراهم کند. با این حال، مردم جنوب با اقتدار، اما مظلومانه ایستاده‌اند و حق دارند که از آنها دفاع و حمایت شود.

ما بسته تاب‌آوری خود را در حوزه‌های مالیاتی، تأمین اجتماعی، گمرکی و بانکی آماده کرده‌ایم. همچنین به دنبال به تعویق انداختن پرداخت هزینه‌های آب و برق و در نظر گرفتن تخفیف برای کسب‌وکارها در واردات خودرو هستیم تا بخشی از خسارت‌ها جبران شود. دولت نیز پذیرفته است که کیش و قشم مبدأ کالای ملوانی شوند. این موضوع می‌تواند جریان بازرگانی جدیدی را به‌عنوان یک مسیر جایگزین ایجاد کند. با وجود همه این اقدامات، کسب‌وکارها همچنان به حمایت جدی دولت نیاز دارند. دولت مصوبه بسیار خوبی تصویب کرده و امیدوارم ما مدیران دستگاه‌های اجرایی که مخاطب این مصوبه هستیم، بتوانیم مردم جنوب و به‌ویژه جزایر را از منافع آن بهره‌مند کنیم.

با توجه به مشکلات مبادلات تجاری و محدودیت‌های ایجادشده برای بنادر جنوبی، سیاست تسهیل تجارت و تأمین کالا از مناطق آزاد در دستور کار دولت قرار گرفته است، این سیاست چگونه پیش می‌رود؟

با توجه به افزایش نرخ ارز، ما به‌طور میانگین نرخ تعرفه‌های گمرکی منطقه آزاد کیش را ۳۰ درصد کاهش داده‌ایم تا بازرگانان و کسبه، همزمان با افزایش قیمت ارز و نرخ ارز مؤثری که مبنای محاسبات قرار می‌گیرد، تفاوت زیادی در تعرفه‌های گمرکی نسبت به سال گذشته احساس نکنند. این اقدام مهمی بود که از محل درآمدهای خودمان انجام دادیم و از بخشی از درآمد سازمان صرف‌نظر کردیم تا کسب‌وکارها آسیب کمتری ببینند. با گمرک جمهوری اسلامی ایران مذاکرات مفصلی انجام شده و وزیر محترم اقتصاد نیز در پی مصوبه دولت برای استان‌های جنوبی، دستورات بسیار خوبی در حوزه‌های بانکی، گمرکی و مالیاتی برای منطقه آزاد کیش صادر کرده‌اند. ضمن تشکر از گمرک جمهوری اسلامی، معتقدم اکنون فرصت محافظه‌کاری در اجرا را نداریم. مردم ایستاده‌اند و ما نیز باید برای آنها ریسک کنیم و تصمیم بگیریم.

دشمن حداکثر فشار اقتصادی را وارد می‌کند تا نارضایتی اقتصادی را با احتمال وقوع یک جنگ دیگر همزمان کند و مدیران را از تصمیم‌گیری و اجرا بترساند. مردم مستحق این هستند که هر کاری می‌توانیم برای آنها انجام دهیم؛ چراکه آنها هر کاری از دستشان برمی‌آمده انجام داده‌اند. به نظر من دولت در سطح کلان اقدامات لازم را انجام داده و اکنون باید در حوزه اجرا نیز این حمایت‌ها ادامه پیدا کند. گمرک هم تاکنون کمک‌هایی کرده و امیدواریم این روند ادامه داشته باشد. ما تخفیف‌های گمرکی را اعمال کرده‌ایم و امیدواریم این اقدامات مؤثر باشد. اصل ماجرا این است که اگر در دریا با محاصره آمریکا مواجه هستیم، نباید بروکراسی اداری نیز کسب‌وکارها را محاصره کند. مذاکرات بسیار خوبی داشته‌ایم و فکر می‌کنم نتایج آن به‌زودی عملیاتی شود. مهم‌ترین کاری که اکنون باید برای جزایر انجام دهیم، افزایش تاب‌آوری برای ماندگاری و حفظ جمعیت در جزایر است. کیش در این زمینه پیشتاز بوده است. برخلاف برخی مناطق دیگر که ممکن است اقتصاد سایه‌ای و غیرشفاف داشته باشند، اقتصاد کیش بسیار شفاف است و کسبه امکان کسب درآمد از مسیرهای جایگزین را ندارند.

ما سال گذشته در فروردین، شهریور، مهر، آبان و آذر رکوردهای تاریخی گردشگری کیش را شکستیم. کسبه نیز براساس همین تجربه برای فروردین امسال کالا وارد کردند. در دو هفته تعطیلات عید، برخی از کسبه به اندازه شش ماه فروش کالا و خدمات داشتند؛ اما دشمن این فرصت را از ما گرفت. اکنون باید کمک کنیم کالاهای واردشده از بین نروند و در کنار آن، کسب‌وکارها نیز با آسیب جدی مواجه نشوند. امیدوارم پیش از آن‌که خیلی دیر شود، مصوبات حمایتی دولت به‌طور کامل اجرا شود. سازمان برنامه و بودجه، معاون اول محترم رئیس جمهور و معاون اجرایی رئیس جمهور نیز پس از نامه‌نگاری‌های ما دستورهای ویژه‌ای صادر کرده‌اند. از همه این عزیزان، بویژه وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی، تشکر می‌کنم. امیدواریم حمایت‌ها در بدنه اجرایی نیز به نتیجه برسد.

اگر شرایط به سمت صلح و ثبات حرکت کند، چه برنامه‌ای برای جذب گردشگر و بازگرداندن رونق به کیش دارید؟ از سوی دیگر، اگر احتمال وقوع جنگ وجود داشته باشد، چه تمهیداتی اندیشیده‌اید؟

اگر جنگ نشود و شرایط نااطمینانی از بین برود، ما براساس تجربه سال گذشته می‌دانیم که کیش به‌سرعت به شرایط رونق بازمی‌گردد. سال گذشته با کمک بخش خصوصی توانستیم با استفاده از یک مثلث شامل برگزاری رویدادها، تسهیلات بانکی، ارائه خدمات مناسب و تبلیغات مؤثر، در کمترین زمان ممکن به رکوردهای خود بازگردیم

در شهریور، مهر، آبان و آذر سال گذشته این اتفاق افتاد و مطمئن هستیم اگر شرایط تثبیت شود، می‌توانیم دوباره همان تجربه را تکرار کنیم. نکته مهم این است که در دو سال اخیر، با وجود دو جنگ و همچنین حوادث دی‌ماه سال گذشته، حجم سرمایه‌گذاری ما به لحاظ ریالی تقریباً هفت برابر شده است. سرمایه‌گذاران جدید با امید به آینده وارد کیش شده‌اند و سرعت رشد سرمایه‌گذاری در این منطقه افزایش پیدا کرده است. حتی در میانه جنگ نیز قرارداد سرمایه‌گذاری برای ساخت هتل امضا کردیم. این موضوع نشان می‌دهد مردم به آینده کیش و ایران اطمینان دارند. با این حال، باید در دوره‌گذار از کسب‌وکارهای موجود حفاظت کنیم. همه مطمئن هستند که سال آینده یا پس از عبور از این بحران، پویایی و رونق زیادی در پیش خواهد بود. وظیفه ما این است که در این دوره، تاب‌آوری مردم و کسب‌وکارها را تا حداقل لازم برای ادامه حیات اقتصادی حفظ کنیم. در همین راستا مذاکرات خوبی با بانک‌ها انجام داده‌ایم.

تسهیلات بانکی در کیش از ۱۵ میلیون تومان به ۵۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرده و وام‌های جدیدی نیز در نظر گرفته شده است. اکنون هر کسی به کیش سفر کند، می‌تواند در دو سه بازار این جزیره وام ۵۰ میلیون تومانی دریافت کند. برای این کار حتی نیازی به مراجعه به بانک نیست و مراحل انجام کار در همان محل بازار انجام می‌شود.

علاوه بر وام خرید کالا و خدمات در کیش، وام خرید خود تور را نیز اضافه می‌کنیم تا هزینه سفر به کیش متعادل‌تر شود. البته اصلی‌ترین چالش ما صرفاً هزینه سفر به کیش نیست. کیش به خوبی به‌عنوان جایگزین داخلی سفرهای خارجی مردم پذیرفته شده است. مشکل اصلی فضایی است که گاهی اوقات با انتشار اخبار نادرست و ایجاد نااطمینانی به وجود می‌آید. گاهی خبرهای جعلی درباره کیش منتشر می‌شود. برای مثال، یک روز گفته می‌شود آب کیش آلوده است، درحالی‌که این اخبار صحت ندارد. کیش از این جهت نسبت به فضای رسانه‌ای بسیار حساس است و باید از آن حفاظت کنیم. در کنار تسهیلات بانکی، رویدادهایی نیز برگزار خواهیم کرد.

معتقدم پس از پایان جنگ، به احتمال زیاد در کیش جای سوزن انداختن نخواهد بود. اما اگر خدای نکرده جنگی رخ دهد، خودمان را برای شرایط جنگی آماده کرده‌ایم. برای چهار ماه، ۲۸ قلم کالای اساسی به همراه دارو و آب ذخیره کرده‌ایم تا اگر محدودیتی در رفت‌وآمد ایجاد شد، جزیره کیش بتواند تا چهار ماه نیازهای خود را تأمین کند. در حوزه ارتباطات نیز اقداماتی در دست انجام داریم. امیدواریم جنگی اتفاق نیفتد.

> معتقدم کیش در حوزه اقتصاد دریامحور، اقتصاد هوایی و زیرساخت‌های مرتبط با آنها ظرفیت‌های بسیار خوبی دارد که باید مورد توجه قرار بگیرد. در کنار این موارد، حوزه مالی و فعالان اقتصاد دیجیتال نیز از محورهای اصلی برنامه‌های ما هستند

آیا برنامه سرمایه‌گذاری کیش صرفاً بر گردشگری و ساخت هتل متمرکز است یا برای توسعه صنایع و فعالیت‌های اقتصادی دیگر نیز برنامه‌ای دارید؟

درست است که بخش عمده سرمایه‌گذاری‌های کیش در حوزه گردشگری بوده است. از مجموع نزدیک به ۱۰۰ همت سرمایه‌گذاری جذب‌شده، حدود ۸۰ درصد به گردشگری اختصاص دارد. همچنین ۱۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جذب کرده‌ایم و قرارداد ساخت بزرگ‌ترین ریزورت ایران در کیش نیز ان‌شاءالله با یک شریک ایرانی در حال انجام است. اما در حوزه‌های فناوری و نوآوری نیز برنامه‌های جدی داریم. در حال پیگیری موضوعی با وزارت اقتصاد تحت عنوان تأسیس اولین منطقه آزاد مالی ایران هستیم.

معتقدیم کیش می‌تواند در این زمینه نقش ملی ایفا کند. همچنین در حوزه فناوری، نوآوری و اقتصاد دیجیتال، همکاری‌هایی با وزارت ارتباطات در حال انجام است تا اینترنت مناسبی در کیش فراهم شود و زیرساخت‌های لجستیکی لازم نیز توسعه پیدا کند.

هدف این است که کسب‌وکارهای حوزه اقتصاد دیجیتال به‌جای مراجعه به خارج از کشور برای انجام فعالیت‌های خود، بتوانند در کیش مستقر شوند. اینها دو مأموریت ملی هستند که کیش در میان‌مدت و بلندمدت دنبال می‌کند و طبیعتاً کسب‌وکارهای پیرامونی آنها نیز شکل خواهند گرفت. در حال حاضر بیش از ۱۲ هزار واحد و شرکت صنعتی داریم که تعداد قابل توجهی از آنها در چهار شهرک صنعتی کیش مستقر هستند. کیش بالاترین نسبت حضور شرکت‌های دانش‌بنیان به کل شرکت‌ها را در کشور دارد. ما از صنایع صادرات‌محور نیز حمایت می‌کنیم تا در کیش حضور پیدا کنند. البته به دلیل هزینه‌های لجستیکی، بخش عمده صادرات کیش در حوزه خدمات فنی و مهندسی است. معتقدم کیش در حوزه اقتصاد دریامحور، اقتصاد هوایی و زیرساخت‌های مرتبط با آنها ظرفیت‌های بسیار خوبی دارد که باید مورد توجه قرار بگیرد. در کنار این موارد، حوزه مالی و فعالان اقتصاد دیجیتال نیز از محورهای اصلی برنامه‌های ما هستند. این برنامه‌ها در میان‌مدت دنبال خواهند شد، اما صنایع موجود نیز سهم قابل توجهی در اقتصاد داخلی کیش دارند. در مجموع باید از اقتصاد تک‌محصولی و تک‌پایه به سمت اقتصادی چندپایه حرکت کنیم. اقدامات لازم در این زمینه انجام شده و امیدواریم جنگ هرچه زودتر تمام شود و شرایط نه جنگ و نه صلح یا احتمال جنگ مجدد، که امیدواریم اتفاق نیفتد، پایان پیدا کند.

درباره بازگشت زمین‌های واگذارشده و تعیین تکلیف پروژه‌های سرمایه‌گذاری بلاتکلیف در کیش چه اقداماتی انجام شده است؟

یکی از اتفاقات خوبی که در دولت آقای دکتر پزشکیان رخ داده، توجه هم‌زمان به حق‌الناس و بیت‌المال بوده است.

در مجموع ۷۶ به‌علاوه یک پرونده، یعنی ۷۷ پرونده، بیش از ۶۲۸ هکتار زمین به بانک زمین و بیت‌المال در کیش بازگردانده شده است. در این پرونده‌ها با افرادی مواجه بودیم که زمین‌های زیادی دریافت کرده بودند.

همان‌طور که می‌دانید، ما در مناطق آزاد فروش زمین نداریم، بلکه زمین برای سرمایه‌گذاری تخصیص داده می‌شود. بازگشت این زمین‌ها باعث شد ارزش افزوده قابل توجهی به بیت‌المال بازگردد. ارزش یکی از این زمین‌ها که در دادگاهی در فرانسه توانستیم درباره آن رأی بگیریم، مربوط به ۲۶۷ هکتار زمین و بیش از یک‌ونیم میلیارد دلار ارزش است. حدود ۴۱۲ هکتار زمین دیگر نیز در ۷۶ پرونده دیگر، به دلیل انجام نشدن سرمایه‌گذاری، بازگردانده شده است.

در کنار این اقدامات، برای سرمایه‌گذاران موجود نیز کمیته رفع موانع تشکیل دادیم. ۳۳ پرونده وجود داشت که مجموع مدت بلاتکلیفی آنها به ۴۱۰ سال می‌رسید؛ به این معنا که برخی پروژه‌ها ۱۵ سال، برخی ۱۰ سال و برخی نیز مدت‌های کمتر یا بیشتری بلاتکلیف مانده بودند. به لطف خدا توانستیم ۲۴ پرونده از این ۳۳ پرونده را تعیین تکلیف کنیم و با همکاری قوه قضائیه، بیش از ۳۰۰ همت سرمایه‌گذاری متوقف‌شده را دوباره به چرخه سرمایه‌گذاری بازگردانیم. این اقدامات نشان می‌دهد دولت در کیش هم برای حمایت از سرمایه‌گذاران آماده انجام کارهای مهم است و هم در زمینه حفظ بیت‌المال با کسی تعارف ندارد.

کیش؛ از تاب‌آوری تا اقتصاد چندپایه

محور	عدد یا نکته کلیدی	توضیح
رکوردهای گردشگری	۵ ماه رکوردشکن	کیش در فروردین، شهریور، مهر، آبان و آذر سال گذشته رکوردهای تاریخی گردشگری خود را شکست. این تجربه باعث شد کسبه برای تعطیلات نوروز امسال کالا وارد کنند.
فروش نوروزی کسبه	۶ ماه فروش در ۲ هفته	برخی کسبه در دو هفته تعطیلات عید به اندازه شش ماه کالا و خدمات فروختند اما امسال فرصت ادامه این رونق کمتر بوده است.
نسخه بازگشت رونق	رویداد، تسهیلات، خدمات و تبلیغات	تجربه سال گذشته نشان داده است که ترکیب برگزاری رویدادها، تسهیلات بانکی، خدمات مناسب و تبلیغات مؤثر می‌تواند به بازگشت سریع گردشگر کمک کند. البته بهبود شرایط و رفع نااطمینانی نیز ضروری است.
حمایت از خریداران	وام تا ۵۰ میلیون تومان	تسهیلات خرید کالا و خدمات در کیش از ۱۵ میلیون به ۵۰ میلیون تومان افزایش یافته است. مسافران در برخی بازارها می‌توانند بدون مراجعه به بانک و در همان محل برای دریافت وام اقدام کنند.
تسهیل سفر	وام خرید تور در برنامه است	قرار است تسهیلات خرید تور نیز به وام‌های موجود اضافه شود تا هزینه سفر به کیش متعادل‌تر شود. البته انتشار اخبار نادرست و ایجاد نااطمینانی از موانع سفر به کیش است.
سرمایه‌گذاری	نزدیک به ۱۰۰ همت	حدود ۸۰ درصد این سرمایه گذاری به گردشگری اختصاص دارد. همچنین ۱۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری جذب شده و ساخت یک ریزورت بزرگ در برنامه هاست.
تنوع اقتصادی	حرکت از اقتصاد تک‌پایه	برنامه‌های کیش به گردشگری محدود نیست: ایجاد منطقه آزاد مالی، توسعه فناوری و اقتصاد دیجیتال، و تقویت اقتصاد دریامحور، اقتصاد هوایی و خدمات فنی‌ومهندسی از محورهای دیگر است.
فعالیت صنعتی و دانش‌بنیان	بیش از ۱۲ هزار واحد و شرکت صنعتی	بخشی از شرکت‌ها در چهار شهرک صنعتی کیش مستقرند. مدیران جزیره همچنین بر ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و حمایت از صنایع صادرات‌محور تأکید کرده‌اند.
بازگشت زمین‌ها	بیش از ۶۲۸ هکتار	طبق آمار اعلام‌شده، در ۷۷ پرونده بیش از ۶۲۸ هکتار زمین به بانک زمین و بیت‌المال بازگردانده شده است. زمین در مناطق آزاد برای اجرای طرح سرمایه‌گذاری تخصیص می‌یابد، نه فروش.
رفع موانع سرمایه‌گذاری	۲۴ پرونده از ۳۳ پرونده	این پرونده‌ها مجموعاً ۴۱۰ سال بلاتکلیف مانده بودند. به گفته مصاحبه‌شونده، تعیین‌تکلیف ۲۴ پرونده با همکاری قوه قضائیه، بیش از ۳۰۰ همت سرمایه‌گذاری متوقف‌شده را به چرخه بازگردانده است.
آب و برق	ظرفیت آب از ۱۷ هزار به نزدیک ۴۰ هزار مترمکعب رسیده است	مدیران کیش گفته‌اند جزیره در حال حاضر در تولید آب و برق ناترازی ندارد اما حفظ این وضعیت به سالم‌ماندن زیرساخت‌ها وابسته است.
آمادگی برای شرایط اضطراری	ذخیره برای ۴ ماه	برای مواجهه با محدودیت احتمالی رفت‌وآمد، ذخایری از ۲۸ قلم کالای اساسی، دارو و آب برای چهار ماه پیش‌بینی شده است.



وضعیت زیرساخت‌های آب و برق کیش چگونه است؟ آیا این جزیره برای تأمین نیازهای خود با ناترازی مواجه است؟

برش

خبر خوب این است که اگر ان‌شاءالله اتفاقی نیفتد و آسیبی به زیرساخت‌ها وارد نشود، کیش تنها منطقه کشور است که ناترازی تولید آب و برق ندارد. در ابتدای دولت، ظرفیت تولید آب کیش ۱۷ هزار مترمکعب بود، اما اکنون این ظرفیت به نزدیک ۴۰ هزار مترمکعب رسیده است. در حوزه برق نیز شرایط به همین ترتیب است. امیدواریم اگر آسیبی به زیرساخت‌ها وارد نشود، این موضوع در پنج سال آینده به یک مزیت رقابتی برای کیش در سطح کشور تبدیل شود. با وجود همه محدودیت‌هایی که جنگ ایجاد کرد و به ما تحمیل شد، حجم پروژه‌های عمرانی نیز از نظر تعداد و حجم اجرایی افزایش داشته و از نظر ریالی بیش از پنج برابر مدت مشابه شده است. همه این موارد نشان می‌دهد کیش به زندگی و فعالیت خود ادامه می‌دهد و تنها به توجه و حمایت در سطوح مختلف نیاز دارد. در پایان لازم می‌دانم از دولت محترم تشکر کنم و بخواهم حمایت ویژه خود را از مردم جنوب و بومیان جزیره کیش، در قلب خلیج فارس، ادامه دهد.

irannewspaper.ir

پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۱۷۳
• اذان ظهر ۱۱/۴۸ • اذان مغرب ۱۷/۱۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ • اذان صبح فردا ۵/۱۱ • طلوع آفتاب فردا ۶/۳۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر غربی، پلاک ۲۰۸ • کد پستی: ۱۵۳۳۷۴۴۵۱۱
• توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه ایران و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارای گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
نیکبخت آن کسی است که از سرگذشت دیگری پند آموزد.
میزان الحکمه، ج۵، ص ۲۹۷

نقل قول

کودکان ما صاحبان فردای ایران هستند

«حال خوب بچه‌های امروز، حال خوب ایران فرداست.» این شعار را از محمد درویش، فعال محیط زیست، وام گرفته‌ام و به نظرم جمله‌ای بسیار زیبا و پرمعناست. اگر بچه‌های ما به سرزمینشان علاقه‌مند شوند و بدانند چرا ایران را دوست دارند، چه ویژگی‌ها و ارزش‌هایی در فرهنگشان وجود دارد و چه داشته‌ها و ثروت‌هایی در اختیارشان است، خودشان برای حفظ و پاسداری از این سرزمین تلاش خواهند کرد. آنها باید نسبت به سرزمین و فرهنگشان احساس مالکیت داشته باشند. سرزمین ما ملک مشاع همه ماست و تک‌تک افراد در آن سهم دارند. باید این حس مالکیت را به رسمیت بشناسیم و به کودکانمان نیز بیاموزیم که آنها صاحبان این سرزمین هستند.



گزیده‌ای از صحبت‌های مرضیه برومند، کارگردان و دبیر سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان/ ایسنا



فیلم

اکران «دی‌ان‌ای» با بازی «ارشادی»

فیلم نیمه‌بلند «دی‌ان‌ای» به نویسندگی و کارگردانی بهادر زمانی، به‌زودی اکران آنلاین خود را آغاز می‌کند. این اثر در ژانر ملودرام اجتماعی ساخته شده و گوهر خیراندیش، زنده‌یاد همایون ارشادی، نسرین مقانلو، بهرام ابراهیمی، شبنم قربانی، پوریا محمدزاده و دریا مقبلی در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. بهادر زمانی، نویسنده و کارگردان این فیلم، پیش از این در چندین پروژه سینمایی و تلویزیونی به‌عنوان بازیگر حضور داشته است. / مهر



سریال

بازگشت «جمشیدی» به «زیرخاکی»

پنجمین فصل سریال «زیرخاکی» به نویسندگی و کارگردانی جلیل سامان و تهیه‌کنندگی رضا نصیری‌نیا، پس از پایان مراحل پیش‌تولید، از شنبه ۲۳ آبان‌ماه مقابل دوربین می‌رود. این فصل در ۱۵ قسمت تولید خواهد شد. در فصل پنجم، پژمان جمشیدی در نقش فریبرز باغ‌بیشه، ژاله صامتی در نقش پریچهر و رایان سرلک در نقش کاوه، بار دیگر در کنار یکدیگر مقابل دوربین می‌روند. پیام احمدی‌نیا نیز از دیگر بازیگران این فصل است. / ایرنا



درگذشت

درگذشت بازیگر آثار «شکسپیر»

استیسی کیچ، بازیگر سرشناس تئاتر و تلویزیون آمریکا که بیش از همه با ایفای نقش کارآگاه خصوصی ژولیده، «مایک همر»، در تلویزیون شناخته می‌شد، در ۸۵ سالگی درگذشت. کیچ از بازیگران برجسته آثار ویلیام شکسپیر بود و با کارگردانان نامداری همچون جان هیوستون همکاری داشت. با این حال، حضور او در نقش مایک همر، کارآگاه خصوصی مجموعه تلویزیونی اقتباس شده از آثار میکی اسپیلین، شهرت گسترده‌ای برایش به همراه آورد. / ایسنا

نُت آخر

ارکستر سمفونیک تهران روایت موسیقایی تاریخ سن پیتر



گروه فرهنگی - ندا سیجانی / ارکستر سمفونیک تهران چهارشنبه ۲۷ آبان‌ماه، در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. رهبری این کنسرت را نصیر حیدریان بر عهده دارد که پس از وقفه‌ای ناشی از بیماری، بار دیگر به ارکستر بازگشته است. این اجرا سومین همکاری او با ارکستر پس از بازگشت خواهد بود.

حیدریان از رهبران باسابقه ارکستر است که از سال ۲۰۰۳ به‌عنوان استاد رهبری ارکستر در دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی گراتس اتریش فعالیت دارد. او از مردادماه ۱۴۰۱ رهبری دائم ارکستر سمفونیک تهران را بر عهده گرفت. حیدریان پس از بهبود بیماری، اواخر شهریورماه با اجرای کنسرت «فیگارو» و سه اثر از موتسارت به تالار وحدت بازگشت و ۲۸ مهرماه نیز در قالب پروژه «به سبک ایتالیایی»، آثاری از فرانتس شوبرت و آرام خاچاتوریان را اجرا کرد.

در برنامه پیش‌رو، حیدریان اثر «پتروس اِنی» ساخته آنتونیو پاپالاردو را رهبری می‌کند؛ اوراتوریویی سمفونیک ـ آوازی که در سال ۲۰۰۶، به مناسبت پانصدمین سالگرد آغاز ساخت بنای کنونی کلیسای سن‌پیتر در واتیکان، به سفارش این نهاد خلق و اجرا شد.

عنوان «پتروس اِنی» عبارتی یونانی به معنای «پطرس اینجاست» است که بر اساس روایت تاریخی، از کتیبه‌ای کشف‌شده در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی زیر محراب کلیسای سن‌پیتر اقتباس شده و به حضور پطرس حواری اشاره دارد. اجرای این اثر در تهران از نظر زمانی نیز معنادار است، چراکه ۲۷ آبان‌ماه، برابر با ۱۸ نوامبر، سالروز تقدیس بنای کنونی کلیسای سن‌پیتر در سال ۱۶۲۶ میلادی است و امسال چهارصدمین سالگرد این رویداد گرامی داشته می‌شود. به این ترتیب، اجرای «پتروس اِنی» در تالار وحدت، علاوه بر اهمیت موسیقایی، فرصتی برای آشنایی مخاطبان با بخشی از تاریخ و میراث فرهنگی یکی از مهم‌ترین بناهای مذهبی جهان فراهم می‌کند.

صحنه

«دیوانه‌خانه زری بوره»؛ تازه‌ترین نمایش غنی‌زاده

گروه فرهنگی - حامد قریب / گاهی آدم‌ها در خانه‌ای زندگی می‌کنند که دیوارهایش از آجر و سنگ نیست؛ از خاطره، سوءظن و گذشته‌ای ساخته شده که دست از سرشان برنمی‌دارد. «دیوانه‌خانه زری بوره» تازه‌ترین تجربه نمایشی همایون غنی‌زاده، ما را به چنین جهانی می‌برد؛ جایی که مرز میان واقعیت و توهم، عشق و جنون، زندگی و مرگ به‌تدریج از میان می‌رود. مراد، شازده و خسرو سه مردی هستند که در دیوانه‌خانه زری بوره گرفتار شده‌اند. شازده هنوز درگیر عشقی است که با مرگ زری پایان نیافته و حتی جسد او نیز نتوانسته به این دلبستگی خاتمه دهد. مراد، خدمتکار خانه، میان گذشته و حال، شاهد و راوی اتفاقاتی است که حقیقتشان هیچ‌گاه به‌سادگی آشکار نمی‌شود. خسرو نیز در مناسبات پیچیده این خانه، هویتی متزلزل پیدا می‌کند؛ گاه در جایگاه فرزند و گاه در هیأت زنی که غیبتش تمام فضای خانه را تسخیر کرده است. اما زری کجاست؟ زنی که نامش بر سردر این دیوانه‌خانه نشسته، خود در غیاب حضور دارد. او سخن نمی‌گوید، اما دیگران پیوسته درباره‌اش روایت می‌سازند. شاید راز اصلی نمایش نیز همین باشد؛ زنی که از صحنه غایب است، اما بیش از هر شخصیت دیگری بر جهان نمایش سایه انداخته است. غنی‌زاده در این اثر با بهره‌گیری از طنزی تلخ و موقعیت‌هایی گروتسک، جهانی می‌سازد که در آن هیچ روایتی تماماً قابل اعتماد نیست. تماشاگر میان خاطرات، ادعاها و تصویرهای متناقض شخصیت‌ها سرگردان می‌شود و ناچار است خودش درباره حقیقت قضاوت کند.



این اثر در فضایی صمیمی و متفاوت، در خانه‌ای قدیمی در محله ایرانشهر اجرا می‌شود؛ جایی که فاصله تماشاگر با جهان پرآشوب شخصیت‌ها به حداقل می‌رسد. ایمان فتاحی، حمیدرضا کوهرنگ و امیرعلی بهبهانی بازیگران این نمایش هستند. «دیوانه‌خانه زری بوره» به نویسندگی و کارگردانی همایون غنی‌زاده، هرشب ساعت ۱۹ و ۲۱ در کارگاه تئاتر همایون غنی‌زاده روی صحنه می‌رود.

قاب

روایتی از «دل خاک» در گالری جاوید

گروه فرهنگی - سعیده احسانی راد / «آنجا که خاک به سخن درمی‌آید و هنر، دریچه‌ای به سوی لایه‌های پنهان وجود و جهان پیرامون‌مان می‌گشاید...»

نمایشگاه گروهی «دل خاک» فرصتی ارزشمند برای تماشای مجموعه‌ای از آثار متنوع هنرمندان برجسته و صاحب‌سبک هنرهای تجسمی است؛ نمایشگاهی که روایت‌های بصری متفاوتی را در کنار هم گردآورده و مخاطب را به دنیایی از فرم، رنگ، اندیشه و احساس دعوت می‌کند. در این مجموعه، آثاری از هنرمندانی چون واحد خاکدان و زنده‌یاد کامبیز درم‌بخش در کنار آثار دیگر هنرمندان به نمایش درآمده است؛ مجموعه‌ای که هر اثر آن روایتی مستقل دارد و دریچه‌ای تازه به جهان ذهنی و نگاه هنرمند می‌گشاید.

«دل خاک» فرصتی برای مکث و تأمل در برابر آثار هنری و کشف معناهایی است که گاه در پس خطوط و فرم‌ها پنهان شده‌اند. تماشای این آثار می‌تواند تجربه‌ای متفاوت از مواجهه با هنر معاصر و گفت‌وگویی بی‌واسطه با جهان هنرمندان باشد.

علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند به گالری جاوید، واقع در خیابان ولیعصر، ابتدای زرتشت غربی، کوچه یزدان، پلاک ۱۷، واحد ۱ مراجعه کنند. این نمایشگاه از ۲۲ آبان تا ۹ آذر، هر روز از ساعت ۱۴ تا ۲۰ پذیرای بازدیدکنندگان است. گالری روزهای شنبه تعطیل خواهد بود.

پیشنهاد می‌کنیم در این روزهای پاییزی، فرصتی را به تماشای این مجموعه اختصاص دهید و از نزدیک با روایت‌های هنری آن همراه شوید؛ تجربه‌ای دلنشین و تأمل‌برانگیز که می‌تواند دریچه‌ای تازه به جهان هنر و زیبایی بگشاید. «دل خاک»، فرصتی است برای دیدن، اندیشیدن و کشف روایت‌هایی که در سکوت آثار جان می‌گیرند.



اطلاع رسانی

مشارکت ۲۴۵ هزار مؤدی در طرح نشان‌دار کردن مالیات تا ۱۸ آبان‌ماه:

صاحبان مشاغل اعتبار ۶۰ درصد از پروژه‌های نشان‌دار اصفهان را تأمین کردند



تاکنون بیش از ۲۴۵ هزار مؤدی در سراسر کشور با مشارکت در طرح نشان‌دار کردن مالیات سال ۱۴۰۵ در انتخاب پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای سهیم شده‌اند؛ مشارکتی که از یک‌سو بیانگر استقبال صاحبان مشاغل از تعیین محل هزینه‌کرد مالیات و از سوی دیگر، ظرفیت این طرح برای هدایت منابع مالیاتی به سمت نیازهای واقعی مناطق مختلف کشور است. سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کرد: تازه‌ترین آمار مشارکت مؤدیان در طرح نشان‌دار کردن مالیات نشان می‌دهد تا روز دوشنبه ۱۸ آبان‌ماه بیش از ۲۴۵ هزار مؤدی در سراسر کشور در این طرح مشارکت داشته‌اند و با انتخاب پروژه‌های مختلف در تأمین مالی طرح‌های اولویت‌دار سهیم شده‌اند. بررسی پراکندگی جغرافیایی مشارکت‌کنندگان در این طرح حاکی از آن است که استان تهران با بیش از ۵۸ هزار مؤدی در رتبه نخست قرار دارد. پس از آن استان‌های اصفهان با بیش از ۲۱ هزار مؤدی و خراسان رضوی با بیش از ۱۷ هزار مؤدی رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. استان‌های فارس با بیش از ۱۴ هزار مؤدی، آذربایجان‌شرقی با بیش از ۱۳ هزار مؤدی و مازندران با بیش از ۱۰ هزار مؤدی نیز در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. نمایش میزان استقبال مناطق مختلف از طرح، اطلاع‌رسانی هدفمند و آگاهی‌بخشی درباره فرصت انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات در استان‌های مختلف را برجسته می‌کند؛ نشان‌دار کردن مالیات این امکان را فراهم کرده است تا مؤدیان فراتر از پرداخت یک تکلیف قانونی در مسیر تأمین مالی پروژه‌هایی که با نیازهای اجتماعی و زیرساختی جامعه ارتباط مستقیم دارند، نقش‌آفرینی کنند.

سهم مؤدیان در انتخاب پروژه‌های اصفهان

در استان اصفهان نیز مشارکت مؤدیان در این طرح قابل توجه بوده است. براساس اعلام سازمان امور مالیاتی کشور، تا تاریخ ۱۸ آبان ماه، ۱۹ هزار و ۶۶۷ مؤدی بومی و یک‌هزار و ۹۳۲ مؤدی غیربومی در اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات مشارکت داشته‌اند؛ آماری که نشان می‌دهد دامنه مشارکت در پروژه‌های استانی به مرزهای جغرافیایی همان استان محدود نمانده است. در میان پروژه‌های معرفی‌شده اصفهان تکمیل و توسعه بیمارستان کودکان امام حسین (ع) بیشترین میزان استقبال را به خود اختصاص داده و ۲ هزار و ۴۰۵ مؤدی برای اجرای این پروژه مشارکت کرده‌اند. همچنین از مجموع ۱۷۵ پروژه معرفی‌شده در استان، تاکنون مؤدیان ۱۰۶ پروژه را به‌طور کامل تأمین مالی کرده‌اند. گفتنی است، این آمار نشان می‌دهد طرح نشان‌دار کردن مالیات علاوه بر ایجاد امکان مشارکت مستقیم مردم در تأمین مالی پروژه‌های عمومی می‌تواند منابع مالیاتی را به سمت اولویت‌هایی همچون توسعه زیرساخت‌های درمانی، آموزشی و عمرانی هدایت کند؛ پروژه‌هایی که آثار اجرای آن‌ها در زندگی روزمره شهروندان و ارتقای خدمات عمومی نمایان خواهد شد.

جدیدترین آمار از طرح نشان‌دار کردن مالیات سال ۱۴۰۵:

مشارکت بیش از ۲۰۱ هزار مؤدی و انتخاب ۲۰۶۶ پروژه نشان‌دار کردن مالیات

گزارش

حمید کاشی‌ها

بیش از ۲۰۱ هزار مؤدی تا روز شنبه ۱۶ آبان‌ماه ۱۴۰۵ با مشارکت در اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات، ۲۰۶۶ پروژه را برای اختصاص مالیات خود انتخاب کردند؛ طرحی که امسال با معرفی ۲۰۸۳ پروژه و اعتبار حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان، امکان مشارکت مستقیم مؤدیان در تعیین محل هزینه‌کرد مالیات را فراهم کرده است.

سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کرد: طرح نشان‌دار کردن مالیات با هدف افزایش مشارکت مؤدیان در تعیین محل هزینه‌کرد مالیات و پیوند مستقیم پرداخت‌های مالیاتی با اجرای پروژه‌های مورد نیاز کشور امسال برای سومین سال با معرفی ۲۰۸۳ پروژه ملی و استانی و اعتباری در حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان به اجرا درآمده است. بر این اساس، تا روز شنبه ۱۶ آبان‌ماه ۱۴۰۵ بیش از ۲۰۱ هزار نفر از مؤدیان در این طرح مشارکت کرده و ۲۰۶۶ پروژه را برای تخصیص منابع مالیاتی انتخاب کرده‌اند. این میزان استقبال نشان می‌دهد که امکان انتخاب محل مصرف مالیات ظرفیت تازه‌ای برای تقویت مشارکت عمومی در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای ایجاد کرده است.

در این میان، استان تهران با بیش از ۵۰ هزار مؤدی در رتبه اول، استان‌های اصفهان با بیش از ۱۷ هزار مودی، خراسان رضوی با حدود ۱۳ هزار مودی و استان فارس با ۱۱ هزار مودی در رتبه‌های دوم تا چهارم مشارکت در طرح نشان‌دار کردن مالیات سال ۱۴۰۵ را دارند. نگاهی به ترکیب پروژه‌های معرفی‌شده در سال جاری نشان می‌دهد که حوزه آموزش با ۹۰۹ پروژه، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. این پروژه‌ها با هدف ساخت مدارس و افزایش سرانه فضاهای آموزشی در نقاط مختلف کشور تعریف شده‌اند. همچنین ۳۴۶ پروژه در حوزه آبرسانی به شهرها و روستاها و حفاظت از محیط زیست و ۲۰۵ پروژه نیز در بخش سلامت از خانه‌های بهداشت تا بیمارستان‌ها، برای انتخاب مؤدیان معرفی شده‌اند.

بر این اساس، حوزه آموزشی با ۹۰۹ پروژه، بیشترین تعداد را در میان چهار حوزه یادشده دارد. موضوعی که به گفته خدابنده، جایگاه زیرساخت‌های آموزشی را در فهرست امسال برجسته کرده است.

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی خبر داد:

پرداخت مبلغ ۵۵۱ میلیون تومان پاداش برای ۹ نفر از گزارش دهندگان فرار مالیاتی

سیدمحمدرضا احمدی رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کرد: برای ۹ نفر از گزارش دهندگان فرار مالیاتی در سامانه سوت زنی مبلغ ۵۵۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان پاداش پرداخت شد. احمدی افزود: در راستای ایجاد سازوکار دریافت گزارش‌های مردمی و استفاده از ظرفیت مشارکت و نظارت مردمی در کشف فرار مالیاتی و کاهش میزان آن، سامانه دریافت گزارش دهندگان مردمی فرار مالیاتی (سوت زنی) در بستر درگاه رسمی سازمان امور مالیاتی کشور به نشانی اینترنتی www.intamedia.ir فراهم است. وی خاطرنشان کرد: در سه ماهه نخست ۱۴۰۵ نیز مبلغ ۳۹۱ میلیون تومان پاداش به ۵ نفر از گزارش دهندگان فرار مالیاتی پرداخت شده بود.

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی خبر داد:

کشف فرار مالیاتی ۷۵۰ میلیارد ریالی در همدان

سید محمدرضا احمدی رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی از موفقیت بازرسان در کشف یک مورد فرار مالیاتی در همدان خبر داد و گفت: از طریق بررسی دقیق نرم‌افزارهای مالی یک تولیدکننده و توزیع‌کننده انواع رنگ، فرار مالیاتی این شخص فعال در استان محرز شد. احمدی افزود: پس از طی فرآیند رسیدگی و احراز فرار مالیاتی این شخص تولیدکننده و توزیع‌کننده انواع رنگ در سنوات ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲، اوراق تشخیص به مبلغ ۷۵۰ میلیارد ریال صادر و وصول گردیده است.



مدیرکل دفتر روابط عمومی و فرهنگ‌سازی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور:

۲۰۸۳ پروژه با طرح نشان‌دار کردن مالیات تکمیل می‌شود

مدیرکل دفتر روابط عمومی و فرهنگ‌سازی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور، در شبکه ایکس نوشت: ۲۸۸۱ پروژه ملی و استانی با مشارکت مالیاتی اصناف در دو سال گذشته ساخته یا تکمیل شده‌اند؛ طرحی که امسال نیز با معرفی ۲۰۸۳ پروژه به ارزش حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان ادامه دارد و امکان انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات را در اختیار مؤدیان قرار می‌دهد. داود خدابنده در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: در ۲ سال گذشته اصناف با انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات خود به تکمیل ۲۸۸۱ پروژه ملی و استانی با اعتبار ۳۰ همت کمک کردند. امسال هم ۲۰۸۳ پروژه از جمله ۹۰۹ مدرسه با اعتباری حدود ۲۸ همت منتظر انتخاب شماست.

وی افزود: در دو سال گذشته در بخش آموزش، ۷۹۳ پروژه برای ساخت مدارس و افزایش سرانه فضاهای آموزشی تکمیل شده است. همچنین ۴۹۸ پروژه درزمینه احداث جاده و پل و ارتقای زیرساخت‌های شهری و روستایی، ۳۹۱ پروژه در حوزه آبرسانی و حفاظت از محیط زیست و ۲۲۱ پروژه در بخش سلامت از خانه‌های بهداشت تا بیمارستان‌ها، ساخته یا تکمیل شده‌اند. مدیرکل دفتر روابط عمومی و فرهنگ‌سازی مالیاتی سازمان امور مالیاتی همچنین بیان کرد: در فهرست امسال نیز ۹۰۹ پروژه برای ساخت مدارس و افزایش سرانه فضاهای آموزشی اختصاص دارد. علاوه بر آن، ۱۹۴ پروژه در بخش احداث جاده و پل و ارتقای زیرساخت‌های شهری و روستایی، ۳۴۶ پروژه در حوزه آبرسانی به شهرها و روستاها و حفاظت از محیط زیست و ۲۰۵ پروژه نیز در بخش سلامت از خانه‌های بهداشت تا بیمارستان‌ها، برای انتخاب مؤدیان معرفی شده‌اند.

مسافر مسیر مدرن

مروری بر کتاب **روزی از روزهای اول پاییز** اثر ناتسومه سوسه‌کی



تندیس ناتسومه سوسه‌کی در موزه یاد بودش



در بسیاری از آثار سوسه‌کی درون‌مایه‌هایی چون «خیانت به اعتماد»، «تنهایی انسان مدرن» و «شکاف میان نقاب اجتماعی و تمایلات تاریک پنهان» جریان دارد

ادبیات ژاپن

غزل رضایی ثانی
گروه کتاب

با وقوع تغییرات سرنوشت‌ساز و بنیادین در دوران اصلاحات میجی در ژاپن، درهای تازه‌ای به روی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این کشور باز شد و جامعه سنتی ژاپن با شتابی بی‌سابقه به سوی مدرنیته و گذار از ساختارهای کهنه حرکت کرد. در این دوران پرالتهاب، میجی به درستی دریافت که تحقق اهداف توسعه و ساختن کشوری قدرتمند در گرو داشتن شهروندانی آگاه، متخصص و تحصیل‌کرده است؛ مسأله‌ای که به تحولی عمیق و ساختاری در نظام آموزشی ژاپن انجامید. این انقلاب نه فقط در زمینه اقتصاد، ارتش و سیاست رخ داد، بلکه به لایه‌های عمیق فرهنگی نیز نفوذ کرد و تمامی حوزه‌ها، بویژه ادبیات و هنر را تحت‌تأثیر قرار داد. با ورود ژاپن به قرن بیستم، تغییرات بسیاری در این کشور رخ داد که منجر به ظهور چهره‌های بزرگ ادبی شد. در این میان، ناتسومه سوسه‌کی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین و برجسته‌ترین نویسندگان دوران پس از اصلاحات میجی است. وقتی سخن از آثار ادبیات در دوران مدرن ژاپن به میان می‌آید، نمی‌توان آثار نویسنده‌ای چون ناتسومه سوسه‌کی را نادیده گرفت. سوسه‌کی در ابتدا یک روزنامه نگار بود اما بعدها به شکل تخصصی وارد رشته ادبیات شد. مخاطبان این نویسنده او را بیشتر با رمان‌های بلندش مانند «ما گربه هستیم»، «سانشیرو» و«کوکورو» می‌شناسند اما کتاب «روزی از روزهای اول پاییز» که در ادامه به معرفی آن می‌پردازیم، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه و روایت تجربیات شخصی سوسه‌کی که با ترجمه قاسم مؤمنی از سوی انتشارات «هفت اقلیم هنر» منتشر شده است. قاسم مؤمنی، مترجم پرکار حوزه ادبیات و علوم انسانی، با برگردان آثار شاخصی در زمینه‌های فلسفه، روانکاوی و داستان، ردپایی روشن در بازار نشر دارد.

کتاب «روزی از روزهای اول پاییز» اثری لطیف و تأمل‌برانگیز است که خواننده را با خود به ژاپن آغاز سده بیستم می‌برد. ساختار این کتاب بر اساس یادداشت‌ها و روایت‌های نویسنده در هفت داستان شکل گرفته است که به ترتیب عبارتند از: «شامگاه رسیدنم به کیوتو»، «گنجشک نوک صورتی»، «پروفسور کوبر»، «وداع با پروفسور کوبر»، «صداهای عجیب»، «نامه»، و «روزی از روزهای پاییز». کتاب بدون مقدمه و حاشیه‌روی، مستقیماً با داستان نخست یعنی «شامگاه رسیدنم به کیوتو» آغاز می‌شود؛ روایتی که به سال ۱۹۰۷ میلادی بازمی‌گردد. داستان، ماجرای مسافری را روایت می‌کند که در شامگاهی سرد و گزنده پا به شهر کهن و تاریخی کیوتو می‌گذارد. او سفر خود را با قطار از توکیو آغاز کرده و پس از ورود به کیوتو، ناچار است برای رسیدن به مقصد بعدی از وسیله سنتی ریکشا استفاده کند. مسافر که خود ناتسومه سوسه‌کی است، مسیر تاریک و سرد راه را با چنان مهارتی توصیف می‌کند که خواننده از شدت سرما لرزش دندان‌های او را در گوش خود حس می‌کند. او در این مسیر از المان‌ها و نمادهای آشنای کیوتو سخن می‌گوید؛ از آتش شیرین لوبیا قرمز و فانوس‌های سرخ و عظیم گرفته تا ریکشاهای پرسر و صدایی که صدای کشیده شدن چرخ‌هایشان در طول مسیر، ذهن خسته مسافر را آزار می‌دهد.

هرچه مسیر طولانی‌تر می‌شود و مسافر بیشتر در دل تاریکی و سرما پیش می‌رود، وزش بادهای سرد نیز شدت می‌گیرد و همین فضای ملموس است که او را به یاد آخرین خاطراتش از این شهر می‌اندازد؛ روزهایی که به همراه دوست دیرینه‌اش، شیکی، به کیوتو آمده بود، هرچند آن زمان هوا به این سردی نبود. مسیر مسافر سرانجام به پایان می‌رسد و او در تاریکی جنگل، نوری را از دور دست تشخیص می‌دهد و برای اسکان راهی آنجا می‌شود. او در تمام لحظات این سفر حزن‌انگیز، به یاد دوست قدیمی‌اش شیکی می‌افتد؛ دوستی که هر دو از اهالی قلم و روزنامه‌نگار بودند. مسافر(سوسه‌کی) از یخبندان بیرون به درون اقامتگاهی گرم با رختخوابی نرم هدایت می‌شود و صاحب مسافرخانه به گرمی از او استقبال می‌کند، توصیف لحظات استراحت در آن اتاق کوچک به قدری شیرین و دلچسب از کار درآمده که خواننده با تمام وجود آرامش آن را لمس می‌کند. این آرامش دیری نمی‌پاید و خواب او در سکوت سپیده‌دم با صدای پرنده‌ای خاص بر شاخسار نارونی تنومند درهم می‌شکند؛ پرنده‌ای که مشخص نیست کلاغ است یا موجودی دیگر. با روشن شدن هوا، دیگر از گرمای شب گذشته در اتاق خبری نیست و سوز سرما دوباره راه خود را به درون اتاق باز کرده است.

گنجشک چینی

داستان دیگر کتاب با عنوان «گنجشک نوک صورتی» فضایی دگرگون اما به همان اندازه لطیف را رقم می‌زند. ماجرا از آنجا آغاز می‌شود که سوسه‌کی در اتاق کار خود در منزل مشغول است و ناگهان «میه‌کیچی»، یکی از نویسندگان جوان و از شاگردان پیشین او، وارد اتاق می‌شود و پیشنهاد نگهداری از یک پرنده را مطرح می‌کند. سوسه‌کی جویا می‌شود که چه پرنده‌ای مناسب است و میه‌کیچی «گنجشک چینی» را پیشنهاد می‌دهد. مسئولیت خرید پرنده به دلیل طرح‌ریزی اولیه به عهده خود میه‌کیچی گذاشته می‌شود و سوسه‌کی بدون هیچ تردیدی پول را به او می‌سپارد. پس از گذشت ماه‌ها سرانجام انتظار به سر می‌آید و «گنجشک نوک صورتی» در قفسی مجلل در اتاق کار نویسنده جای می‌گیرد. از آن پس، وظیفه روزانه سوسه‌کی آغاز می‌شود؛ او باید هرروز دانه‌های ارزن را آماده کند و صبح به صبح ظرف آب تازه برای پرنده بگذارد.

سوسه‌کی روز خود را با رسیدگی به این پرنده کوچک آغاز می‌کند و با دقتی موشکافانه اعضای ظریف بدن پرنده را زیر نظر می‌گیرد و دلبسته او می‌شود. روزی که نویسنده سخت غرق نوشتن بود و در سکوت اتاق صدایی جز خش‌خش قلم روی کاغذ شنیده نمی‌شد، ناگهان صدای آواز گنجشک نوک صورتی سکوت را می‌شکند. او پیش‌تر از میه‌کیچی شنیده بود که وقتی این‌گونه پرندگان با خانه جدیدشان انس می‌گیرند، شروع به آواز می‌کنند. روزها از پی هم گذشت و سوسه‌کی به مرور نسبت به گنجشک چینی کم‌توجه شد و گاه‌وبی‌گاه به او سر می‌زد؛ تا اینکه روزی گربه‌ای به قفس پرنده که در ایوان قرار داشت حمله کرد، حادثه‌ای که باعث شد گنجشک دیگر هرگز آواز نخواند. سرانجام این بی‌توجهی‌های پی‌درپی سوسه‌کی، سرنوشت غم‌انگیزی را برای پرنده کوچک رقم زد. مترجم کتاب با دقتی ستودنی، تمامی اصطلاحاتی را که ممکن است برای مخاطب فارسی‌زبان ناآشنا باشد، ریشه‌یابی و معنا کرده است؛ از واژگان کهن ژاپنی و پوشش‌های سنتی این سرزمین گرفته تا نام‌ها، آیین‌ها و سنت‌های دیرینه ژاپن که به درک بهتر فضای کمک می‌کند.

استاد نامدار توکیو

بخش دیگر این کتاب به خاطره دیدار سوسه‌کی با پروفسور کوبر، استاد دانشکده ادبیات اختصاص دارد؛ استادی که به گفته نویسنده کتاب، اگر از صد دانشجوی دانشگاه توکیو بخواهند نامدارترین استاد ادبیات را برگزینند، از میان انبوه استادان شایسته ژاپن، دست‌کم ۹۰ نفر بی‌گمان او را نام خواهند برد. کوبر پس از هجده سال زندگی در کشورهای غربی، هنگامی که به وطنش ژاپن بازگشت، با استقبال گرم نویسندگان و روزنامه‌نگاران روبه‌رو شد، اما در نهایت سه سال بعد، بار دیگر ژاپن را ترک کرد. یکی از خاطراتی که سوسه‌کی از استاد خویش به یاد می‌آورد، ماجرای نگهداری از یک کلاغ است؛ کلاغی که روزی خودش را به پنجره اتاق پروفسور کوبر رساند و او نیز به این پرنده پناه داد. این داستان کوتاه، مهاجرتی معکوس را که در نهایت با ترک دوباره ژاپن کامل می‌شود به تصویر می‌کشد. سوسه‌کی در این داستان اعتراف می‌کند استاد کوبر در هیچ‌کجا کاملاً آرام نمی‌گیرد. این روایت، هرچند کوتاه است، اما لایه‌های عمیقی از انسان‌دوستی مانند ارج نهادن به استاد توسط شاگران و علاقه‌مندان به ادبیات و موضوعی مانند نگهداری از یک کلاغ دارد.

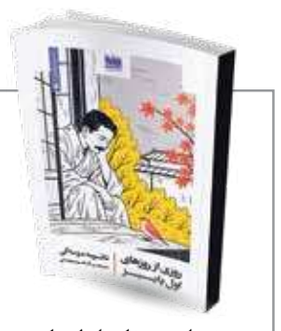
سایه شک

ناتسومه سوسه‌کی در داستانی با عنوان «نامه»، نگاشته‌شده در سال ۱۹۱۱، از جوانی می‌گوید که از دوران نوجوانی در نزدیکی خانه آنها زندگی می‌کرد. «جوکیچی»، جوانی محتاط و مبادی آداب به نظر می‌رسید؛ تا جایی که توانست در دل سوسه‌کی و همسرش جا خوش کند و چهار سال تمام در همسایگی این زوج روزگار بگذراند، او پس از گذراندن دوره چهارساله تحصیلی‌اش، برای شروع کار به شهر دیگری مهاجرت کرد. در دوران سکونت جوکیچی در آن حوالی، او شاهد تعاملات و رفت‌وآمد این زوج با اقوامشان بود و در میان همین دیدارها، به دختر یکی از بستگان همسر سوسه‌کی دل بست و از این زوج خواست برای خواستگاری نزد مادر آن دختر بروند. مادر دختر جوان شرط مهمی داشت؛ او برای همسر آینده فرزندش نه انتظار ثروت داشت، نه خانه و نه شغلی پردرآمد، تنها توقعش پاک‌دامنی و پرهیزگاری جوکیچی بود.

سوسه‌کی احساس می‌کرد می‌تواند بی‌قید و شرط پاک‌دامنی جوان را تأیید کند، چرا که چهار سال تمام او را در کنار خود دیده بود و هرگز خصلتی از او که ذهنیت بدی ایجاد کند، مشاهده نکرده بود؛ با این حال، با اصرار همسرش تصمیم گرفت به شهر محل سکونت جدید جوکیچی برود تا تحقیقات دقیق‌تری انجام دهد. اما نتیجه تحقیقات برخلاف انتظار سوسه‌کی از آب درآمد.

نویسنده در این داستان تلاش می‌کند بگوید حتی چهار سال همسایگی نزدیک و معاشرت روزمره، لزوماً شناختی عمیق از باطن انسان‌ها نمی‌سازد. جوکیچی در چشم راوی، نماد جوانی موقر، مؤدب و بی‌نقص است؛ اما این قضاوت بر پایه «دیده‌ها در چارچوب خانه و محله» شکل گرفته، نه حقیقت نهان او. سوسه‌کی که خود نقشی شبیه به پدرخوانده یا واسطه خیر را پذیرفته بود، ناگهان در موقعیت دشوار اخلاقی قرار می‌گیرد و بهای سنگینی برای اولویت قرار دادن اخلاق در این زمینه می‌پردازد.

در بسیاری از شاهکارهای ناتسومه سوسه‌کی درون‌مایه‌هایی چون «خیانت به اعتماد»، «تنهایی انسان مدرن» و «شکاف میان نقاب اجتماعی و تمایلات تاریک پنهان» جریان دارد. داستان «نامه» و چند داستان دیگر در این کتاب نیز بازتابی فشرده و گیرا از همین مضامین است و نشان می‌دهد اخلاق گرایی ظاهری، تنهایی بشر و سازگاری انسان با دشوارهای زندگی تا چه اندازه می‌تواند نقابی برای پنهان کردن خصلت‌های ناروا باشد.



روزی از روزهای اول پاییز

- نویسنده: **ناتسومه سوسه‌کی**
- مترجم: **قاسم مؤمنی**
- انتشارات: **هفت اقلیم هنر**
- تعداد صفحات: **۶۸ صفحه**
- قیمت: **۲۰۰۰۰۰ تومان**

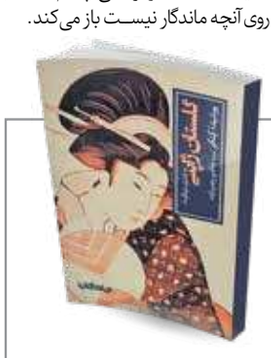
سعدی ژاپن

نگاهی به کتاب **گلستان ژاپنی** نوشته یوشیدا کنکو

ادبیات کهن ژاپن مملو از جزئیات، باریک‌بینی‌ها، نکات ظریف برای توصیف زیبایی‌ها و پند و اندرزهای اخلاقی است. ادبیات ژاپن در میان کشورهای شرقی موفق‌ترین آثار ادبی را ارائه کرده، از این روست که شهرت و اهمیت جهانی دارد. در گذشته، مهم‌ترین گونه ادبی در ژاپن خاطره‌نویسی و مقالات بود اما با مطرح شدن اندیشه‌های بودایی، شعر ژاپنی روز به روز غنی‌تر شد. از دل همین ادبیات غنی است که شاهکاری همچون «تسوره زوره‌گوسا» اثر یوشیدا کنکو پدید می‌آید؛ اثری سترگ از سده چهاردهم میلادی که مانند یک آینه، جان و جهان ژاپن کهن را به دنیا نشان می‌دهد و سالیان سال مخاطبان را پای خود می‌نشاند. کتاب «تسوره زوره‌گوسا» که در معنای لغوی به «یادداشت‌هایی از ساعات فراغت» یا «جستارهایی در فراغت» شناخته می‌شود، بین سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۲ میلادی نگاشته شده است. این کتاب با عنوان درخشان و گویای «گلستان ژاپنی» با برگردان و پژوهش هاشم رجب‌زاده از سوی انتشارات جهان کتاب منتشر شده است و منبع مطالعاتی مناسبی برای دوستداران ادب و اندیشه شرقی به ویژه ژاپن است.

افسری که راهب شد

نویسنده این کتاب، یوشیدا کنکو، یک راهب، شاعر و اندیشمند سرشناس ژاپنی بود که بین سال‌های ۱۲۸۳ تا ۱۳۵۰ میلادی زندگی می‌کرد. او در دورانی پرآشوب و پرتلاطم از تاریخ ژاپن زندگی می‌کرد. کنکو در ابتدا از نزدیکان دربار و اهل ادب بود و با شعر و آداب اشرافی به خوبی آشنایی داشت. در جایی هم گفته شده است که خود یک افسر در دربار بوده اما بعد از مرگ امپراتور و مسائل شخصی، تصمیم گرفت از مقام و جاه دنیوی کناره‌گیری کند، بنابراین او سر تراشید، لباس زهد پوشید و تبدیل به یک راهب بودایی شد. البته کنکو از سر ناامیدی و شکست‌خوردگی از دنیا کناره‌گیری نکرد؛ بلکه این کار راهی برای آزادی فکری و آرامش درون او بود تا بتواند از گوشه‌ای دنج و دور از هیاهو، به زندگی نگاه دیگری داشته باشد. او در انزوا و خلوت خود، بدون اینکه به فکر شهرت یا نگارش یک کتاب رسمی باشد، شروع به نوشتن کرد. هرآنچه را از خاطرات، دیده‌ها، زیبایی‌ها و حقیقت‌های تلخ و شیرین روزگار به ذهنش می‌رسید، روی کاغذ آورد. کتاب «گلستان ژاپنی» دربرگیرنده یک پیشگفتار شاعرانه و ۲۴۳ قطعه یا بند کوتاه و بلند است؛ یادداشت‌هایی خودانگیخته که طول آنها از یک عبارت کوتاه و مختصر تا مقاله‌ای در چند صفحه متغیر است. در بن‌مایه‌های اثر کاملاً ردپای آیین بودا دیده می‌شود، گرچه این اثر به مضامینی مثل اندوه، حسرت، زوال زیبایی‌ها و ثروت اشاره می‌کند اما متن ناامیدکننده‌ای ندارد و حتی چشم مخاطب را به روی آنچه ماندگار نیست باز می‌کند.



گلستان ژاپنی
تسوره زوره‌گوسا

- نویسنده: **یوشیدا کنکو**
- مترجم: **هاشم رجب زاده**
- انتشارات: **جهان کتاب**
- تعداد صفحات: **۲۷۵ صفحه**
- قیمت: **۵۵۰۰۰۰ تومان**

مقایسه سعدی و یوشیدا کنکو

اما پیوند میان این اثر ژاپنی با زبان فارسی داستانی خواندنی و پرمعنا دارد. همان‌گونه که هاشم رجب‌زاده مترجم اثر در مقدمه یادآور می‌شود، ادیبان و ایران‌شناسان سرزمین برآمدن آفتاب سال‌هاست که «تسوره زوره‌گوسا» را همتای گلستان سعدی دانسته و آن را «گلستان ژاپنی» لقب داده‌اند. این نام‌گذاری تصادفی یا صرفاً تلاشی ذوقی برای آشناسازی نیست؛ بلکه ریشه در جوهر مشترک این دو اثر دارد. هر دو کتاب گنجینه‌ای سرشار از پند، حکمت، بصیرت عرفانی و حکایت‌های آمیخته به طیب و طنز هستند. مترجم با استناد به منابع ادبی تاکید دارد، قلم کنکو نزدیکی بسیاری زیادی با شیوه سهل و ممتنع سعدی شیرازی پیدا می‌کند و وجه اشتراک‌های بسیاری با ایجاز، ایهام و اعجاز زبان گلستان سعدی دارد. همچنین «تسوره زوره‌گوسا» را از حیث نکته‌گویی و حکایت پردازی با گلستان سعدی نزدیک به هم می‌داند.

«تسوره زوره‌گوسا» نیز همچون گلستان، با وجود گذر قرن‌ها هنوز جایگاهی زنده در آموزش و فرهنگ کشور خود دارد؛ شاهکاری که نسل‌های پیاپی در مدارس به مطالعه آن می‌پردازند و سالخوردگان و سالمندان همچنان از خواندن آن دست نمی‌کشند. یکی از پیوندهای کتاب میان معرفت بودایی و عرفان اسلامی است به همین دلیل درک آن برای مخاطبان فارسی زبان تا حد زیادی ساده می‌شود. مفاهیمی مثل بی‌وفایی دنیا، دوری از طمع و زیاده‌خواهی، آرامش دل با قناعت کردن و فکر کردن به مرگ به عنوان شروع بیداری واقعی که برای ما فارسی‌زبان‌ها کاملاً آشنا و ملموس است، در این اثر ادبی کنکو مورد توجه قرار گرفته است.



طرحی از یوشیدا کنکو در حال مطالعه



«تسوره زوره‌گوسا» نیز همچون گلستان، با وجود گذر قرن‌ها جایگاهی زنده در آموزش و فرهنگ کشور خود دارد؛ شاهکاری که نسل‌های پیاپی در مدارس به مطالعه آن می‌پردازند و سالخوردگان و سالمندان همچنان از خواندن آن دست نمی‌کشند

مترجم اثر تلاش کرده برای اینکه ترجمه بهتری از«تسوره زوره‌گوسا» داشته باشد منابع بیشتر و متنوع‌تری را مطالعه کند. او حتی برای نکته‌هایی که نیاز به توضیح داشته، یادداشت‌های کوتاهی به پایان متون کنکو اضافه کرده اما شیوه نظم سخن نویسنده را با امانت داری حفظ کرده است.

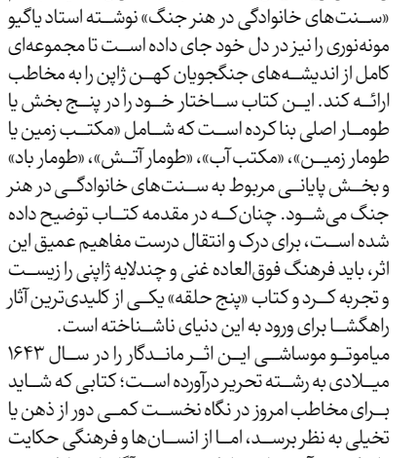
کتاب «گلستان ژاپنی» صرفاً یک ترجمه منفرد نیست، بلکه پژوهشی تطبیقی و بسیار درخور توجه به شمار می‌رود. ساختار کتاب شامل دو بخش کلیدی است. در بخش نخست، پژوهشی مفصل در ده فصل تدوین شده که به مقایسه جهان فکری، خاستگاه‌های تاریخی و ظرافت‌های فرمی دو نویسنده اختصاص دارد؛ سرفصل‌هایی نظیر سعدی و کنکو، روزگار سعدی و زمانه کنکو، باریک‌نگری کنکو و جهان‌بینی سعدی، طریقت و عرفان، و رسم و راه زندگی که بستری تاریخی و تحلیلی برای درک بهتر متن فراهم می‌کنند.

در بخش دوم، متن اصلی کتاب کنکو گنجانده شده که در آغاز هر قطعه به بیتی، مصرعی یا گزیده‌ای کوتاه از شیخ اجل پیوند خورده است. برای نمونه، در جایی کنکو از قناعت کردن می‌گوید و پیش از آن یک مصرع کوتاه از سعدی عنوان می‌شود: مثلا در ادامه این شعر از سعدی «ای قناعت توانگرم گردان» سخن کنکو درباره نکوهش تجملات بیهوده در روزهای سخت کشور و پریشانی مردمان اینگونه نقل می‌شود: «کسانی که، غافل از اندرزهای روزگار طلایی فرزانه مردان کهن، در نیابند که چه هنگام مردم پریشانند و کشور در بلاست، و در این پندار بمانند که از ریخت و پاش بی‌بند و بار چه باک، دریغا که در چشم من از بی‌خردانند. هرآنچه که داری به کاربر، جامه‌های نفیس را بپوش و بر اسب‌ها و تخت روان‌ها که داری بنشین، اما بر سر آن مباش که زیب و زیورهای تازه داشته باشی. این بود سخن کوجوء‌دونو (از درباریان امپراتور شوجاکو و امپراتور موراگامی) در دم مرگ.»

مترجم همچنین در مقایسه برهه زمانی زندگی سعدی و کنکو و نگارش گلستان و تسوره زوره‌گوسا به این نکته اشاره می‌کند که سعدی در میانه آشوب‌های چنگیزخان در کشور می‌زیسته و کشمکش‌های داخلی احوال پارس را آشفته ساخته بود. در عین حال دوران زندگی کنکو هم در ژاپن هنگام انقلاب و دگرگونی‌های سیاسی بوده است. با این حال هر دو اثر با تکیه بر مفاهیم مشترک انسانی و عرفانی نگاشته شده‌اند.

میراث سامورایی

نگاهی به فلسفه رزم، تکنیک‌های شمشیرزنی و تسلط بر ذهن در کتاب **پنج حلقه**



تندیس میاموتو موساشی

هنر شمشیرزنی در ژاپن باستان بسیار فراتر از یک فن فیزیکی برای مبارزه بود، این هنر که اکنون در فرهنگ ژاپن نهادینه شده یک امر معنوی برای تزکیه نفس، حفظ انضباط انسان و رسیدن به خودآگاهی است. سامورایی‌ها به عنوان طبقه‌ای تأثیرگذار در فرهنگ ژاپن، این هنر را با اصول اخلاقی سخت‌گیرانه، وفاداری مطلق و فلسفه مرگ و زندگی درهم آمیخته بودند و آن را نه ابزاری برای کشتن بلکه برای نشان شجاعت، محافظت از زندگی خویش و ارتقای روح انسان توسعه دادند. در این مدت کتاب‌های متعددی در زمینه هنر شمشیرزنی به چاپ رسیده اما یکی از این آثار، کتاب «پنج حلقه» نوشته میاموتو موساشی است که با ترجمه ایرج کاشف آذر از سوی انتشارات سپهر خرد منتشر شده است.

میاموتو موساشی یکی از برجسته‌ترین و مستقل‌ترین سامورایی‌های تاریخ ژاپن است که با تکیه بر مهارت‌های رزمی خیره‌کننده و فلسفه شخصی عمیقش به شهرت رسید. اثر «پنج حلقه» فراتر از یک راهنمای ساده شمشیرزنی، متنی کلاسیک و بنیادین درباره راه و روش رزم و استراتژی‌های آن است. کتاب یک عنوان ضمیمه به نام «سنت‌های خانوادگی در هنر جنگ» نوشته استاد یاگیو مونه‌نوری را نیز در دل خود جای داده است تا مجموعه‌ای کامل از اندیشه‌های جنگجویان کهن ژاپن را به مخاطب ارائه کند. این کتاب ساختار خود را در پنج بخش یا طومار اصلی بنا کرده است که شامل «مکتب زمین یا طومار زمین»، «مکتب آب»، «طومار آتش»، «طومار باد» و بخش پایانی مربوط به سنت‌های خانوادگی در هنر جنگ می‌شود. چنان‌که در مقدمه کتاب توضیح داده شده است، برای درک و انتقال درست مفاهیم عمیق این اثر، باید فرهنگ فوق‌العاده غنی و چندلایه ژاپنی را زیست و تجربه کرد و کتاب «پنج حلقه» یکی از کلیدی‌ترین آثار راهگشا برای ورود به این دنیای ناشناخته است.

میاموتو موساشی این اثر ماندگار را در سال ۱۶۴۳ میلادی به رشته تحریر درآورده است؛ کتابی که شاید برای مخاطب امروز در نگاه نخست کمی دور از ذهن یا تخیلی به نظر برسد، اما از انسان‌ها و فرهنگی حکایت دارد که در آن دوران با تکیه بر ذهن آگاه، انضباط درونی و قدرت فردی، جایگاهی بی‌نظیر برای فردیت در هنرها و ورزش‌های رزمی خلق کرده بودند. خود موساشی در بخش‌هایی از کتاب با صراحت اعتراف می‌کند که بسیاری از نکات و درس‌گفتارهای رزم باید به صورت عملی و شفاهی از استاد به شاگرد منتقل شوند و نوشتار در انتقال تمام ابعاد آن قاصر است، اما با این حال تلاش کرده تا بهترین اصول در این هنر را مکتوب کند.

این اثر دو بخش ساختاری و محتوایی کلیدی دارد؛ بخش نخست به صورت تخصصی به فنون شمشیرزنی و رویکردهای مبارزاتی می‌پردازد و همان‌طور که گفته شد، بخش دوم توسط استاد یاگیو مونه‌نوری نگارش یافته به سنت‌های خانواده در رابطه با هنر جنگ اختصاص دارد و حاوی نکات خاص مبتنی بر فرهنگ ژاپنی است که برای خوانندگان امروزی بسیار تازه، ژرف و آموزنده جلوه می‌کند. براساس آنچه در مقدمه مترجم انگلیسی اثر نیز تأکید شده است، هر دو کتاب از مهم‌ترین و معتبرترین متون تاریخی درباره جنگ، صلح و استراتژی به شمار می‌روند که ریشه در اعماق فرهنگ نظامی و فلسفی ژاپن باستان دارند. کتاب «پنج حلقه» در فصل‌های نخستین خود به مباحثی پیرامون دانش و علوم هنرهای رزمی می‌پردازد و تکنیک‌هایی دقیق از ساختار، آرایش‌ها و هندسه ورزش‌های رزمی را تشریح می‌کند. با این حال، از نگاه نویسنده آنچه در نهایت در میدان هنرهای رزمی تعیین‌کننده است، نه ابزار یا تکنیک صرف، بلکه آمادگی مطلق ذهن است. موساشی معتقد است ذهن متمرکز و آگاه می‌تواند تسلطی حداکثری بر تمامی اعضای بدن و شرایط فیزیکی شخص اعمال کند. در همین راستا، نکات روان‌شناختی بسیار ظریفی در این مجموعه یادآوری شده است؛ از جمله اینکه یک مبارز واقعی پیش از هر چیز باید بیاموزد چگونه با ترس، تردید و استرس درونی خود در بحبوحه مبارزه روبه‌رو شود و بر آنها غلبه کند.



پنج حلقه
یک متن بنیادی و کلاسیک درباره روش رزمی و شمشیرزنی ژاپنی

- نویسنده: **میاموتو موساشی**
- مترجم: **ایرج کاشف آذر**
- انتشارات: **سپهرخرد**
- تعداد صفحات: **۲۰۱ صفحه**
- قیمت: **۶۵۰۰۰۰ تومان**

خبر خودرو

واردات لاستیک و روغن مصرفی برای کامیون‌های برون‌مرزی مجاز می‌شود



محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت از فراهم شدن امکان واردات یک جفت لاستیک برای خودروهای سنگین فعال در حمل‌ونقل برون‌مرزی خبر داد. به گفته او، این خودروها همچنین امکان واردات روغن موتور مورد نیاز خود را خواهند داشت؛ هرچند جزئیات اجرایی و زمان آغاز این طرح هنوز اعلام نشده است.
همزمان، ستاد تنظیم بازار در جلسه روز دوشنبه ۱۸ آبان به ریاست معاون اول رئیس جمهور، با خروج تایر و روغن موتور خودروهای سبک از شمول قیمت‌گذاری دستوری تا پایان سال ۱۴۰۵ موافقت کرد.
در این جلسه، گزارشی از وضعیت صنعت تایر و روغن موتور کشور و شرایط تولید و عرضه این محصولات در بازار ارائه شد. پس از بررسی این گزارش، اعضای ستاد تصمیم گرفتند تایر و روغن موتور خودروهای سبک تا پایان سال جاری از نظام قیمت‌گذاری دستوری خارج شود.
حمایت از تولیدکنندگان داخلی، افزایش ظرفیت تولید و تعدیل قیمت‌ها از جمله اهدافی است که برای این تصمیم اعلام شده است. با این حال، براساس مصوبه ستاد تنظیم بازار، سازوکار توزیع لاستیک خودروهای سنگین و روغن موتور دیزلی تغییری نخواهد کرد و این محصولات همچنان مطابق روال گذشته عرضه می‌شوند.

ماشین وارداتی

فولکس‌واگن تایرون L تیگوانی با یک ردیف صندلی بیشتر



فولکس‌واگن تایرون L، کراس‌اوور هفت نفره این خودروساز آلمانی که بر پایه نسل جدید تیگوان توسعه یافته، به فهرست خودروهای وارداتی بازار ایران اضافه شده است. تایرون L محصول همکاری فولکس‌واگن و گروه خودروسازی FAW چین است. این دو شرکت طی سال‌های گذشته محصولات مختلفی را برای بازار چین تولید کرده‌اند و تایرون نیز در همین چارچوب توسعه یافته است. این خودرو در نسل جدید خود نسخه سه ردیفه خانواده تیگوان محسوب می‌شود و از نظر جایگاه محصول به تیگوان آل‌اسپیس نزدیک است؛ مدلی که پیش‌تر در بازار اروپا عرضه می‌شد. تفاوت اصلی تایرون L با نسخه‌های معمول تیگوان، بدنه کشیده‌تر و اضافه شدن ردیف سوم صندلی است. در طراحی بدنه، شباهت تایرون به تیگوان مشهود است. فرم چراغ‌های جلو، جلوپنجره و خطوط کلی بدنه از زبان طراحی محصولات جدید فولکس‌واگن پیروی می‌کنند. در نمای عقب نیز چراغ‌ها با یک نوار مشکی به یکدیگر متصل شده‌اند. طراحی کلی خودرو تغییرات غیرمتعارفی نسبت به دیگر محصولات این خانواده ندارد و همچنان بر همان الگوی طراحی شناخته شده فولکس‌واگن استوار است. نسخه وارد شده به ایران از تیپ 300TSI است و به موتور چهارسیلندر ۱.۵ لیتری توربوشارژ با سامانه تزریق مستقیم سوخت مجهز شده است. این پیشرانه حداکثر ۱۵۸ اسب بخار قدرت و ۲۵۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. نیروی موتور از طریق جعبه‌دنده هفت سرعته دوکلاچه تر به چرخ‌های جلو منتقل می‌شود. بنابراین برخلاف برخی نسخه‌های دیگر این خانواده، مدل عرضه شده در ایران به سامانه چهار چرخ محرک مجهز نیست. انتخاب موتور ۱.۵ لیتری برای خودرویی با ظرفیت هفت سرنشین، یکی از نکات قابل بررسی در مشخصات تایرون L است. میزان کشش خودرو در زمان تکمیل ظرفیت سرنشینان و حرکت در مسیرهای شیب‌دار، به عواملی مانند وزن خودرو و شرایط رانندگی وابسته خواهد بود. همچنین با توجه به استفاده از پیشرانه توربوشارژ و گیربکس دوکلاچه، کیفیت سوخت و رعایت برنامه سرویس‌های دوره‌ای از موضوعاتی است که در هزینه نگهداری این خودرو در ایران اهمیت دارد.
فهرست تجهیزات ایمنی تایرون L، شامل کنترل پایداری الکترونیکی، کیسه‌های هوای جلو، جانبی و پرده‌ای، سامانه کمکی شروع حرکت در سربالایی، هشدار برخورد از جلو و ترمز اضطراری خودکار است. هشدار برخورد از عقب و کروز کنترل تطبیقی نیز در فهرست امکانات اعلام شده قرار دارند. ترمز پارک برقی، سامانه اتوهلد و حسگرهای پارک جلو و عقب از دیگر تجهیزات این خودرو هستند. در بخش روشنایی، چراغ‌های LED با فناوری IQ Light برای تایرون در نظر گرفته شده است. کابین خودرو نیز به نمایشگر مرکزی ۱۳ اینچی و صفحه آمپر دیجیتال ۱۰ اینچی مجهز است. پشتیبانی از اپل کارپلی و اندروید اتو، سامانه صوتی با ۹ بلندگو، صندلی برقی هشت جهته راننده و تهویه خودکار دوکاناله از دیگر امکانات آن به شمار می‌روند. سقف پانورامای بازشونده، آینه‌های الکتروکرومیک و حسگرهای نور و باران نیز در فهرست تجهیزات این نسخه دیده می‌شوند. راننده همچنین امکان انتخاب چهار حالت رانندگی اسپرت، کامفورت، اکو و کاستوم را دارد. براساس بخشنامه فروش شرکت وارداتی عرضه‌کننده، تایرون L مدل ۲۰۲۶ با قیمت قطعی ۱۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان و موعد تحویل ۴۵ روزه عرضه می‌شود. این خودرو با ظرفیت هفت نفره در بخشی از بازار قرار می‌گیرد که گزینه‌های آن تنها به کراس‌اوورهای پنج نفره محدود نیست. با این حال، قیمت عرضه، فضای قابل استفاده در ردیف سوم، هزینه نگهداری و وضعیت تأمین قطعات از عواملی هستند که در میزان استقبال خریداران از این مدل نقش خواهند داشت.



بازار خودرو بالاخره وارد فاز اصلاحی قیمت شد

حباب خودروها در آبان ترکید

این مدل‌ها شامل بیشترین کاهش قیمت شدند

گزارش

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

بازار خودرو در مهرماه روزهای گرانی را پشت سر گذاشت؛ روزهایی که قیمت بعضی مدل‌ها با سرعتی بیشتر از توان خرید مشتریان بالا رفت و فاصله میان قیمت‌های پیشنهادی و ارزش واقعی خودروها بیشتر شد. اما حالا ورق برگشته است. با عقب‌نشینی قیمت ارز و کم‌رنگ‌تر شدن تقاضا، قیمت‌ها در بازار خودرو آرام‌آرام پایین می‌آیند. اتفاقی که نشان می‌دهد بخشی از رشد قیمت‌های ماه گذشته، بیش از آنکه ریشه در تغییرات واقعی بازار داشته باشد، حاصل موج خریدهای هیجانی بوده است.

بازار در مسیر اصلاح قیمت

در روزهای ابتدایی آبان هنوز نشانه‌های گرانی مهرماه در بازار دیده می‌شد، اما هرچه از ماه گذشت، فروشندگان برای پیدا کردن مشتری با دشواری بیشتری روبه‌رو شدند. خریدارانی که تا چند هفته قبل نگران جا ماندن از موج افزایش قیمت‌ها بودند، حالا با احتیاط بیشتری بازار را دنبال می‌کنند. کاهش قیمت ارز نیز به این انتظار دامن زده که قیمت خودرو دیگر قرار نیست با همان شتاب گذشته بالا برود. بررسی قیمت‌ها در روز دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که خودروهای داخلی و مونتاژی هر دو در مسیر نزولی قرار گرفته‌اند. البته میزان کاهش در همه مدل‌ها یکسان نیست؛ بعضی خودروها در فاصله چند روز ده‌ها و حتی چند صد میلیون تومان ارزان شده‌اند و برخی دیگر تنها افت محدودی را تجربه کرده‌اند. با این حال، وجه مشترک بازار در روزهای اخیر، عقب‌نشینی قیمت‌های پیشنهادی است.

خودروهایی که از قله مهر پایین آمدند

در میان محصولات داخلی، پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU5P یکی از نمونه‌های قابل توجه اصلاح قیمت است. این خودرو که در ۹ آبان ۴ میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان قیمت داشت، در ۱۸ آبان با قیمت ۴ میلیارد و ۳۲۰ میلیون تومان در بازار عرضه شد. به این ترتیب، قیمت آن در کمتر از ۱۰ روز ۱۳۰ میلیون تومان کاهش پیدا کرد.
نسخه دنده‌ای TU5 نیز از این روند بی‌نصیب نماند. قیمت این خودرو از ۲ میلیارد و ۸۶۰ میلیون تومان در ۹ آبان به ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسید. پژو 207 TU3 هم که در ۱۲ آبان ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده بود، حالا با قیمت ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان معامله می‌شود.
در خانواده سورن نیز قیمت‌ها عقب نشستند. سورن پلاس TU5P از ۳ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان در ۱۲ آبان به ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسید. نسخه دوگانه‌سوز EF7 مدل ۱۴۰۵ نیز طی دو روز از ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان کاهش قیمت داشت.
ری‌را، کراس‌اوور ایران خودرو، نیز در همین مسیر حرکت کرد. قیمت این خودرو که در ۱۶ آبان ۵ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان بود، در ۱۸ آبان به ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسید. دنا پلاس ۶ دنده هم از ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان در ۱۳ آبان به ۳ میلیارد و ۳۶۵ میلیون تومان کاهش یافت. تارا دستی نیز در همین بازه زمانی ۴۰ میلیون تومان ارزان شد و از ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان به ۳ میلیارد و ۲۶۰ میلیون تومان رسید.
در بازار محصولات سایپا، ساینا S کاهش بیشتری را تجربه کرد. این خودرو که در ۱۰ آبان یک میلیارد و ۸۷۰ میلیون تومان قیمت داشت، در ۱۸ آبان با قیمت یک میلیارد و ۸۱۲ میلیون تومان معامله شد. به این ترتیب، قیمت ساینا S در فاصله حدود یک هفته ۵۸ میلیون تومان پایین آمد؛ کاهشی که نشان می‌دهد خودروهای اقتصادی نیز از موج اصلاح قیمت‌ها جا نمانده‌اند.

مونتاژی‌ها هم از موج کاهش جا نماندند

در بازار خودروهای مونتاژی، کاهش قیمت بعضی مدل‌ها حتی از محصولات داخلی بیشتر بوده است. فیدلیتی پرستیژ، ۷ نفره که در ۱۱ آبان ۱۱ میلیارد تومان قیمت داشت، در ۱۸ آبان به ۱۰ میلیارد و ۷۷۰ میلیون تومان رسید. افت ۲۳۰ میلیون تومانی این خودرو در فاصله یک هفته، نشان می‌دهد بازار خودروهای گران‌قیمت نیز در برابر کاهش تقاضا و تغییر انتظارات قیمتی آسیب‌پذیر است.
کی‌ام‌سی J7 هم یکی دیگر از خودروهایی بود که کاهش قیمت محسوسی را تجربه کرد. این خودرو در ۹ آبان ۷ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان قیمت داشت، اما در ۱۸ آبان با قیمت ۷ میلیارد و ۴۶۰ میلیون تومان در بازار عرضه شد. به این ترتیب، قیمت آن ۲۴۰ میلیون تومان پایین آمد.
در مقابل، کاهش قیمت تیگو ۸ پرومکس محدودتر بود. این خودرو که در ۱۶ آبان ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده بود، در ۱۸ آبان به ۱۲ میلیارد و ۴۹۰ میلیون تومان رسید. هرچند افت ۱۰ میلیون تومانی در مقایسه با سایر خودروها چندان چشمگیر نیست، اما همین تغییر نیز از توقف روند صعودی قیمت‌ها در بخشی از بازار حکایت دارد.

> در ماه‌های گذشته، بخشی از خریداران با این تصور که قیمت‌ها باز هم افزایش پیدا می‌کند، برای خرید عجله داشتند. همین انتظار، به فروشندگان امکان می‌داد خودروهای خود را با قیمت‌های بالاتری عرضه کنند. اما حالا با تغییر جهت قیمت ارز، بخشی از تقاضای سرمایه‌ای از بازار کنار رفته است. وقتی خریدار از بازار فاصله می‌گیرد، فروشنده هم برای نقد کردن خودروی خود ناچار به تعدیل قیمت می‌شود

مشتری عقب کشید، فروشنده کوتاه آمد

برش

آنچه در بازار خودرو اتفاق افتاده، تنها نتیجه کاهش قیمت ارز نیست. رکود معاملات نیز نقش مهمی در تغییر مسیر قیمت‌ها دارد. در ماه‌های گذشته، بخشی از خریداران با این تصور که قیمت‌ها باز هم افزایش پیدا می‌کند، برای خرید عجله داشتند. همین انتظار، به فروشندگان امکان می‌داد خودروهای خود را با قیمت‌های بالاتری عرضه کنند. اما حالا با تغییر جهت قیمت ارز، بخشی از تقاضای احتیاطی و سرمایه‌ای از بازار کنار رفته است. وقتی خریدار از بازار فاصله می‌گیرد، فروشنده هم برای نقد کردن خودروی خود ناچار به تعدیل قیمت می‌شود. به همین دلیل، کاهش قیمت‌ها را نمی‌توان فقط به تغییر قیمت ارز نسبت داد؛ رکود معاملات نیز باعث شده قیمت‌های پیشنهادی فروشندگان با مقاومت بیشتری از سوی خریداران روبه‌رو شود. در واقع، بخشی از خودروهایی که در مهرماه با رشد سریع قیمت مواجه شده بودند، حالا در حال پس دادن همان افزایش‌ها هستند. با این حال، این اصلاح به معنای ارزان شدن پایدار خودرو نیست. هزینه تولید، وضعیت عرضه، دشواری تأمین قطعات و محدودیت‌های واردات همچنان بر بازار سایه انداخته‌اند و می‌توانند در ادامه مسیر قیمت‌ها اثرگذار باشند. از سوی دیگر، کاهش قیمت در بازار آزاد هنوز به معنای بازگشت قدرت خرید مردم نیست. حتی با وجود افت چند ده یا چند صد میلیون تومانی بعضی خودروها، قیمت‌ها همچنان با سطح درآمد بخش بزرگی از خانوارها فاصله زیادی دارند. بنابراین، کاهش محدود قیمت خودروها لزوماً به معنای رونق گرفتن معاملات نخواهد بود. بازار خودرو در آبان فعلاً از شتاب قیمتی مهرماه فاصله گرفته است. حباب قیمتی برخی مدل‌ها کوچک‌تر شده و فروشندگان دیگر مانند هفته‌های گذشته برای افزایش قیمت دست باز ندارند. با این حال، برای اینکه مشخص شود این کاهش‌ها آغاز یک روند تازه است یا تنها استراحتی کوتاه پس از یک دوره گرانی، باید منتظر ماند و دید قیمت ارز و حجم معاملات در روزهای آینده چه مسیری را انتخاب می‌کنند.



ترجمه

گروه خودرو

پرچمدار جدید زیرمجموعه لوکس بی‌وای‌دی با چهار موتور برقی، کابینی مجهز به ابریشم و پشم و امکاناتی در حد رولزرویس معرفی شد.
به گزارش سایت motor1، بی‌وای‌دی به‌تازگی نشان داده که برنامه‌هایش برای حضور در بازار خودروهای لوکس، بسیار فراتر از رقابت با خودروسازان مطرح بازار چین است. زیرمجموعه لوکس این شرکت، یانگ‌وانگ، پس از ثبت رکورد سرعت برای یک خودروی تولیدی با دستیابی به سرعت ۳۱۲ مایل بر ساعت، حالا با محصولی کاملاً متفاوت به میدان آمده است. این بار خبری از تمرکز صرف بر سرعت و شتاب نیست؛ بلکه یک سدان بزرگ و تشریفاتی با نام آلتیر (Altior) معرفی شده که قرار است تعریف تازه‌ای از تجمل در صنعت خودروی چین ارائه دهد.
چهار موتور برقی، دو یخچال، ۳۹ بلندگو و استفاده گسترده از مواد ارزشمندی مانند پشم و ابریشم، تنها بخشی از ویژگی‌های این خودرو هستند. آلتیر در ابوظبی رونمایی شده و حاصل سه سال توسعه و طراحی است. بی‌وای‌دی برای شکل‌گیری هویت ظاهری این سدان، از ظرف برنزی آیینی «دینگ» در فرهنگ باستانی چین الهام گرفته است؛ ظرفی که نماد قدرت، اعتبار و وقار محسوب می‌شد. شاید ارتباط این الهام تاریخی با طراحی خودرو در نگاه اول چندان واضح نباشد، اما ابعاد بزرگ و ظاهر متفاوت آلتیر به‌خوبی نشان می‌دهد که با یک محصول معمولی روبه‌رو نیستیم.
این سدان ۵۶۰۰ میلی‌متر طول، ۲۰۳۰ میلی‌متر عرض و ۱۵۹۰ میلی‌متر ارتفاع دارد. فاصله محوری آن نیز به ۳۵۰۰ میلی‌متر می‌رسد؛ عددی که تناسبات یک لیموزین فوق‌لوکس را تداعی می‌کند. آلتیر حتی از نسخه استاندارد رولزرویس فانتوم نیز کمی کشیده‌تر است. در نمای جانبی، یک خط تزئینی به طول ۴.۸ متر در امتداد بدنه دیده می‌شود که شباهت‌هایی به جزئیات طراحی محصولات رولزرویس دارد.

وقتی تجمل از بدنه شروع می‌شود

طراحی بیرونی آلتیر به‌گونه‌ای انجام شده که حتی جزئیات کوچک آن نیز جلب توجه می‌کنند. جلوپنجره بزرگ خودرو از قطعاتی تشکیل شده که هرکدام به‌صورت جداگانه پرداخت و صیقل داده شده‌اند تا در زوایای مختلف، نور را به شکل متفاوتی منعکس کنند. در بخش روشنایی نیز ۱۲ المان نوری متحرک در نظر گرفته شده است که هنگام نزدیک شدن مالک به خودرو، به‌ترتیب می‌چرخند و روشن می‌شوند. درهای خودرو نیز بخشی از نمایش تجملاتی بی‌وای‌دی هستند. درهای جلو تا ۸۰ درجه و درهای عقب تا ۹۰ درجه باز می‌شوند تا ورود و خروج سرنشینان آسان‌تر باشد.

چهار موتور برقی برای یک غول تشریفاتی

در بخش فنی، آلتیر به چهار موتور الکتریکی مستقل مجهز شده است که هرکدام یکی از چرخ‌ها را به حرکت درمی‌آورند. این ساختار امکان مدیریت جداگانه نیروی واردشده به هر چرخ را فراهم می‌کند و سامانه کنترل گشتاور می‌تواند بیش از ۱۰۰ بار در ثانیه، میزان نیروی انتقالی به چرخ‌ها را تنظیم کند.
بی‌وای‌دی هنوز اطلاعات دقیقی از قدرت خروجی این مجموعه منتشر نکرده است، اما با توجه به استفاده از چهار موتور مستقل، احتمال دستیابی به قدرتی بیش از ۱۰۰۰ اسب‌بخار دور از انتظار نیست. البته تا زمان انتشار مشخصات رسمی، نمی‌توان درباره عملکرد نهایی این سدان قضاوت دقیقی داشت.
آلتیر علاوه بر قوای محرکه قدرتمند، چند قابلیت غیرمعمول نیز در اختیار دارد. یکی از آنها امکان چرخش تانکی است؛ قابلیتی که به خودرو اجازه می‌دهد با کنترل مستقل چرخ‌ها، در فضای محدود تقریباً حول محور خود بچرخد. ویژگی دیگر، سامانه شناوری اضطراری است که در صورت ورود ناخواسته خودرو به آب، می‌تواند به حفظ شناوری آن و خروج سرنشینان از موقعیت خطرناک کمک کند.
سیستم تعلیق فعال نیز از دیگر تجهیزات مهم این خودروست. این سامانه با کمک دوربینی که مسیر پیش رو را بررسی می‌کند، شرایط سطح جاده را تشخیص داده و تنظیمات تعلیق را به‌صورت لحظه‌ای تغییر می‌دهد. هدف از این فناوری، کاهش انتقال ضربات ناشی از ناهمواری‌های مسیر به کابین و همچنین کنترل بهتر حرکات بدنه هنگام عبور از پیچ‌هاست.

پیمایش هزار کیلومتری

یکی از اعداد قابل توجه در مشخصات اعلام‌شده آلتیر، برد حرکتی آن است. بی‌وای‌دی مدعی شده این خودرو با یک بار شارژ می‌تواند بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر پیمایش داشته باشد. با این حال، این رقم براساس چرخه آزمایش CLTC چین اعلام شده است؛ استانداردی که معمولاً اعداد خوش‌بینانه‌تری نسبت به معیارهای آزمایشگاهی اروپا و آمریکا ارائه می‌دهد. به همین دلیل، انتظار می‌رود برد واقعی آلتیر در چرخه WLTP اروپا و به‌ویژه استاندارد EPA آمریکا، کمتر از رقم اعلام‌شده باشد. با وجود این، دستیابی به چنین پیمایشی حتی در شرایط آزمایشگاهی نیز می‌تواند برگ برنده مهمی برای این سدان بزرگ و سنگین باشد.

تعریف چینی از یک اتاق پذیرایی متحرک

آلتیر در نسخه معرفی‌شده از آرایش چهارصندلی استفاده می‌کند. فضای زانوی سرنشینان عقب به ۳۵۴ میلی‌متر و فضای کشیدگی پا به ۱۲۰۹ میلی‌متر می‌رسد. صندلی‌های عقب نیز به امکاناتی مشابه صندلی‌های هواپیما مجهز شده‌اند و قابلیت قرارگیری در وضعیت موسوم به بی‌وزنی را دارند. سامانه ماساژ مکانیکی این صندلی‌ها با چهار سری کروی کار می‌کند و برای کاهش خستگی در سفرهای طولانی در نظر گرفته شده است.
اما شاید عجیب‌ترین بخش تجهیزات رفاهی آلتیر، وجود دو یخچال باشد. یخچال عقب با ظرفیت ۵.۵ لیتر، علاوه بر خنک‌کردن نوشیدنی‌ها، قابلیت گرم‌کردن محتویات خود را نیز دارد. فضای بار خودرو نیز با ظرفیت ۵۳۲ لیتر، برای یک سدان تشریفاتی چهارسرنشین قابل توجه است. البته تمام این امکانات به معنای بی‌نقص‌بودن طراحی داخلی نیست.

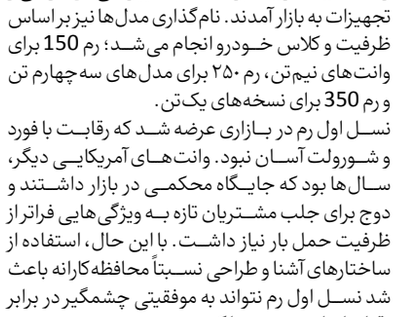
بی‌وای‌دی در سودای رقابت با رولزرویس

یانگ‌وانگ آلتیر قرار است در سال ۲۰۲۷ وارد بازار شود، اما هنوز اطلاعاتی درباره زمان عرضه در بازارهای خارج از چین و مشخصات نهایی عملکردی آن منتشر نشده است. قیمت پایه این خودرو ۲ میلیون و ۸۰ هزار یوان اعلام شده که با نرخ تبدیل فعلی، حدود ۳۱۱ هزار دلار می‌شود. این رقم نشان می‌دهد بی‌وای‌دی برای آلتیر جایگاهی فراتر از یک سدان لوکس معمولی در نظر گرفته است.

تاریخچه شرکت‌ها

رم؛ قوچی که از وانت‌های دوج به جاده‌های آمریکا رسید

از وانت‌های کاری تا پیکاپ‌های لوکس و پرقدرت امروزی



گروه خودرو

داستان رم به سال‌ها پیش از تولد این برند بازمی‌گردد؛ زمانی که برادران دوج، جان و هوراس، فعالیت خود را در صنعت قطعه‌سازی آغاز کردند. آنها ابتدا قطعاتی مانند موتور، جعبه‌دنده و محور برای خودروسازان دیگر می‌ساختند، اما در سال ۱۹۱۴ تصمیم گرفتند خودروهایی با نام خودشان تولید کنند. دوج خیلی زود در کنار خودروهای سواری، به ساخت وانت و کامیون نیز روی آورد؛ محصولاتی که قرار بود پاسخگوی نیاز کسب‌وکارها، کشاورزان و صاحبان مشاغل باشند. در دهه ۱۹۳۰، دوج روی برخی از خودروهای تجاری خود از نشان سر قوچ استفاده کرد. این نماد در طول زمان به یکی از شناسه‌های محصولات باری دوج تبدیل شد و بعدها نام رم نیز از همین تصویر الهام گرفت. با این حال، سال‌ها طول کشید تا «Ram» به نام رسمی یک خانواده از وانت‌های این شرکت تبدیل شود.

۱۹۸۱؛ تولد نام رم

در سال ۱۹۸۱، دوج نسل تازه‌ای از وانت‌های خود را با نام رم معرفی کرد. این خودروها در واقع ادامه مسیر وانت‌های سری D بودند که با تغییراتی در طراحی و تجهیزات به بازار آمدند. نام‌گذاری مدل‌ها نیز بر اساس ظرفیت و کلاس خودرو انجام می‌شد؛ رم 150 برای وانت‌های نیم‌تن، رم ۲۵۰ برای مدل‌های سه‌چهارم تن و رم 350 برای نسخه‌های یک‌تن.
نسل اول رم در بازاری عرضه شد که رقابت با فورد و شورولت آسان نبود. وانت‌های آمریکایی دیگر، سال‌ها بود که جایگاه محکمی در بازار داشتند و دوج برای جلب مشتریان تازه به ویژگی‌هایی فراتر از ظرفیت حمل بار نیاز داشت. با این حال، استفاده از ساختارهای آشنا و طراحی نسبتاً محافظه‌کارانه باعث شد نسل اول رم نتواند به موفقیتی چشمگیر در برابر رقبای اصلی دست پیدا کند.
یکی از اتفاق‌های مهم در مسیر این برند، همکاری با شرکت کامینز بود. در سال ۱۹۸۹، موتور دیزل ۵.۹ لیتری کامینز به عنوان یکی از گزینه‌های فنی وانت رم معرفی شد. این پیشرانه با گشتاور بالا، توان کشش و قابلیت استفاده در کارهای سنگین را افزایش داد و به‌تدریج به یکی از نقاط قوت محصولات رم تبدیل شد. این همکاری همچنان در بخش وانت‌های سنگین ادامه دارد.

طراحی متفاوت، نقطه عطف رم

تغییر بزرگ در سال ۱۹۹۴ اتفاق افتاد؛ زمانی که نسل دوم رم با ظاهری کاملاً متفاوت معرفی شد. طراحی بدنه با گلگیرهای برجسته، جلوپنجره بزرگ و کاپوت حجیم، حال‌وهوای کامیون‌های سنگین آمریکایی را به یک وانت سبک منتقل می‌کرد. این ظاهر جسورانه، رم را از بسیاری از رقبای هم‌کلاسش متمایز کرد و توجه خریدارانی را جلب کرد که علاوه بر توان فنی، به ظاهر خودرو نیز اهمیت می‌دادند.
استقبال از نسل دوم نشان داد که بازار وانت‌ها دیگر تنها به دنبال یک وسیله کار نیست. مشتریان به کابین راحت‌تر، امکانات بیشتر و طراحی خاص هم توجه می‌کردند. رم نیز با همین رویکرد، به‌تدریج فاصله خود را با تصویر یک وانت صرفاً تجاری بیشتر کرد.
در سال ۲۰۰۲، نسل سوم رم با تغییرات گسترده در طراحی و ساختار فنی معرفی شد. این نسل در نسخه‌های مختلف و با موتورهای متنوع بنزینی و دیزلی عرضه شد. در سال‌های بعد، نسخه‌های سنگین‌تر رم ۲۵۰۰ و ۳۵۰۰ نیز توسعه پیدا کردند تا نیاز مشتریانی را پاسخ دهند که به ظرفیت بارگیری و یدک‌کشی بیشتری احتیاج داشتند.

جدایی از دوج و آغاز هویت مستقل

تا سال‌ها، رم نام خانواده وانت‌های دوج بود و خودروها با نشان Dodge Ram به فروش می‌رسیدند. اما در سال ۲۰۰۹، شرکت کرایسلر تصمیم گرفت ساختار برندهای خود را تغییر دهد. در نتیجه، دوج و رم به دو بخش مستقل تبدیل شدند؛ دوج تمرکز بیشتری بر خودروهای سواری و عملکردی گذاشت و رم مسئولیت تولید وانت‌ها و خودروهای تجاری را بر عهده گرفت.
از سال ۲۰۱۰ به بعد، محصولات جدید به‌تدریج فقط با نشان Ram عرضه شدند. این جدایی به رم فرصت داد تا هویت مشخص‌تری برای خود بسازد و تمام تمرکزش را بر بازار وانت‌ها و خودروهای کاری قرار دهد.

رم در ایران؛ نامی آشنا برای علاقه‌مندان پیکاپ‌های آمریکایی

رم در بازار ایران بیشتر با وانت‌های بزرگ و قدرتمندش شناخته می‌شود؛ خودروهایی که به دلیل ابعاد بزرگ، موتورهای پرحجم و توانایی حمل بار و عبور از مسیرهای دشوار، میان علاقه‌مندان خودروهای آمریکایی و آفرودی طرفدار دارند. در میان محصولات این برند، رم ۱۵۰۰ شناخته‌شده‌تر است و در کنار آن، مدل‌های سنگین‌تر این خانواده نیز برای گروهی از خریداران جذابیت دارند. با این حال، محدودیت واردات خودرو و دشواری تأمین قطعات و خدمات پس از فروش، مانع از شکل‌گیری حضور گسترده رم در ایران شده است.

منبع: وب‌سایت رسمی دوج



مسئولان آذربایجان غربی در گفت‌وگو با «ایران»
ظرفیت‌های اقتصادی سیاست جدید دولت در گذرگاه‌های مرزی را تشریح کردند

شتاب تجارت در گذرگاه‌های ۲۴ ساعته

صادرات بیش از ۳.۵ میلیارد دلاری، جایگاه استان در مبادلات تجاری را از رتبه هشتم به سوم ارتقا داد

گزارش

بیتا میرعظیمی
خبرنگار

شبانه‌روزی شدن فعالیت مرزهای آذربایجان غربی با دستور رئیس‌جمهوری، گامی مهم در تقویت ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی این استان و تسهیل ارتباط با بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود؛ تصمیمی که می‌تواند با افزایش زمان دسترسی بازرگانان به خدمات مرزی، تسریع تردد ناوگان حمل‌ونقل و کاهش زمان انتظار برای مبادله کالا، زمینه رونق بیشتر تجارت خارجی را فراهم کند. آذربایجان غربی به دلیل همجواری با سه کشور ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان و برخورداری از شش گذرگاه مرزی بازرگان، پلدشت، تمرچین، رازی، سرو و کیله، یکی از مهم‌ترین دروازه‌های تجاری ایران در شمال‌غرب کشور محسوب می‌شود.

اهمیت این موقعیت زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم حدود ۱۰ درصد تجارت خارجی کشور از مرزهای این استان انجام گرفته و آذربایجان غربی از نظر حجم مبادلات تجاری در جایگاه سوم کشور قرار دارد؛ جایگاهی که در مقایسه با رتبه هشتم استان در سال ۱۴۰۳، از رشد قابل توجه نقش‌آفرینی آن در اقتصاد ملی حکایت دارد. صادرات بیش از ۳.۵ میلیارد دلاری استان در سال جاری نیز نشان می‌دهد که ظرفیت‌های مرزی آذربایجان غربی می‌تواند سهم بیشتری در توسعه تجارت، تأمین کالاهای مورد نیاز کشور و تقویت ارتباط اقتصادی ایران با کشورهای همسایه داشته باشد. اکنون با شبانه‌روزی شدن فعالیت مرزها، فرصت تازه‌ای برای بهره‌گیری حداکثری از این مزیت جغرافیایی فراهم شده است؛ فرصتی که در کنار توسعه زیرساخت‌های لجستیکی و افزایش هماهنگی با کشورهای همسایه، می‌تواند آذربایجان غربی را به یکی از محورهای مؤثرتر تجارت خارجی کشور تبدیل کند.

در میان گذرگاه‌های مرزی آذربایجان غربی، مرز بازرگان به دلیل موقعیت جغرافیایی و نقش آن در ارتباط تجاری ایران با ترکیه و اروپا، جایگاهی ویژه دارد. این مرز که در شهرستان ماکو واقع شده، یکی از مهم‌ترین مبادی زمینی تجارت خارجی کشور و اصلی‌ترین گذرگاه زمینی ترانزیت کالا میان ایران و ترکیه است. دسترسی به شبکه حمل‌ونقل ترکیه و اتصال به مسیرهای تجاری اروپا، اهمیت این گذرگاه را از سطح مبادلات دوجانبه فراتر برده و آن را به یکی از مسیرهای مهم لجستیکی کشور تبدیل کرده است. بازرگان علاوه بر نقش‌آفرینی در صادرات محصولات ایرانی، در واردات کالاهای مورد نیاز کشور و انتقال مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای نیز اهمیت دارد. حجم بالای تردد کامیون‌ها، تنوع کالاهای مبادله‌شده و ارتباط مستقیم با شبکه حمل‌ونقل بین‌المللی، این مرز را به یکی از نقاط کلیدی در زنجیره تجارت خارجی ایران تبدیل کرده است. در شرایطی که برخی مسیرهای تجاری کشور با محدودیت مواجه می‌شوند، استمرار فعالیت این گذرگاه می‌تواند در حفظ جریان ورود و خروج کالا نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

بر اساس آمار منتشر شده از سوی گمرک بازرگان، فعالیت‌های تجاری این گمرک در سال جاری رشد قابل توجهی داشته است؛ به‌طوری‌که میزان صادرات ۱۳۰ درصد، واردات ۸۸ درصد و ترانزیت ۶۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است. این ارقام نشان‌دهنده افزایش استفاده از ظرفیت‌های عملیاتی مرز بازرگان در هر سه حوزه اصلی تجارت خارجی است. به‌ویژه رشد ترانزیت، اهمیت این گذرگاه را در اتصال شبکه حمل‌ونقل ایران به مسیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد.

تجارت بدون توقف در مرز بازرگان



«شهلا تاجفر» فرماندار شهرستان ماکو در گفت‌وگو با «ایران» و با اشاره به تداوم فعالیت شبانه‌روزی مرز بازرگان اظهار کرد: «مرز بازرگان در تمام ایام، حتی در شرایط جنگی و محدودیت‌هایی که در مقاطعی در برخی مرزهای کشور ایجاد شده بود، به فعالیت خود ادامه داد و هیچ‌گونه وقفه‌ای در روند فعالیت این مرز به وجود نیامد.» وی با بیان اینکه مرز بازرگان یکی از مهم‌ترین مبادی تجاری و اقتصادی کشور به شمار می‌رود، افزود: «در دوره‌ای که برخی مرزهای کشور به دلایل مختلف با محدودیت فعالیت مواجه بودند، مرز بازرگان همچنان باز بود و خدمات مرزی در حوزه‌های مختلف از جمله تردد کامیون‌ها، خودروهای سواری، واردات و صادرات کالا ادامه داشت.»

فرماندار شهرستان ماکو با تأکید بر اهمیت راهبردی این مرز در تأمین و جابه‌جایی کالاهای مورد نیاز کشور تصریح کرد: «مرز بازرگان در حوزه تجارت خارجی، به‌ویژه در زمینه واردات کالاهای اساسی و همچنین صادرات، نقش مهمی ایفا می‌کند و در حال حاضر نیز از جایگاه اول در میان مرزهای استان آذربایجان غربی برخوردار است. به همین دلیل، استمرار فعالیت این گذرگاه در شرایط خاص کشور اهمیت مضاعفی دارد.» تاجفر با اشاره به نقش زیرساخت‌های لجستیکی در مدیریت تردد و مبادلات تجاری مرز بازرگان ادامه داد: «بخش مهمی از فرآیندهای مربوط به حمل‌ونقل و جابه‌جایی کالا در این مرز از طریق پایانه‌ها و زیرساخت‌های لجستیکی انجام می‌شود و تلاش شده است با استفاده از ظرفیت‌های موجود، روند پذیرش و تردد ناوگان حمل‌ونقل با نظم بیشتری دنبال شود.»

وی همچنین درباره سازوکار مدیریت تردد کامیون‌ها در مرز بازرگان گفت: «در حال حاضر نوبت‌دهی ناوگان حمل‌ونقل به‌صورت اینترنتی انجام می‌شود. این شیوه با هدف ساماندهی تردد، مدیریت صف کامیون‌ها و تسهیل فرآیندهای پذیرش اجرا شده است.» فرماندار ماکو با اشاره به تغییرات ایجادشده در روند پذیرش ناوگان اظهار کرد: «با توجه به سازوکار جدید نوبت‌دهی و مدیریت تردد، فرآیند پذیرش نیز تابع ضوابط و برنامه‌ریزی‌های مربوط به این سامانه است و روند ورود و خروج ناوگان بر اساس ظرفیت‌های عملیاتی مرز مدیریت می‌شود.» تاجفر در پایان با تأکید بر جایگاه مرز بازرگان در تجارت خارجی کشور خاطرنشان کرد: «تداوم فعالیت شبانه‌روزی این مرز، بویژه در شرایطی که کشور با محدودیت‌هایی در برخی مبادی مرزی روبه‌رو بوده، ظرفیت مهمی برای حفظ جریان مبادلات تجاری، پشتیبانی از تأمین کالاهای اساسی و استمرار صادرات کشور محسوب می‌شود.»

تجارت ۳.۵ میلیارد دلاری در استان

در کنار جایگاه راهبردی مرز بازرگان، آمارهای تجارت خارجی آذربایجان غربی نیز نشان می‌دهد که این استان در سال جاری توانسته است سهم قابل توجهی از مبادلات اقتصادی کشور را به خود اختصاص دهد.



«سخاوت خیرخواه» مدیرکل صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی، در گفت‌وگو با «ایران» و با اشاره به روند تجارت خارجی استان اظهار کرد: «تاکنون ۳ میلیارد و ۵۲۳ میلیون دلار صادرات از مرزهای استان انجام شده که این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته حدود ۵ درصد رشد داشته است.»

وی با بیان اینکه رشد صادرات استان در سال گذشته حدود ۲۹ درصد بوده است، تصریح کرد: «امسال عواملی مانع از شتاب بیشتر صادرات شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به موضوع رفع تعهدات ارزی و الزامات بازگشت ارز حاصل از صادرات اشاره کرد. همچنین ضمانت‌نامه‌های بانکی و محدودیت‌های مرتبط با فعالیت بازرگانان از دیگر موانع توسعه صادرات محسوب می‌شوند.»

خیرخواه یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر روند صادرات را میزان پذیرش کامیون‌ها از سوی کشورهای مقابل دانست و گفت: «بدون تردید افزایش ظرفیت پذیرش کامیون‌ها از سوی کشورهای همسایه می‌تواند به تسریع مبادلات تجاری و کاهش زمان انتظار صادرکنندگان کمک کند.»

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی درباره وضعیت واردات استان در ۶ ماهه ابتدایی سال نیز اظهار کرد: «واردات از مرزهای استان در چهار رویه تجاری انجام می‌شود. در رویه تجاری عادی و از طریق کارت‌های بازرگانی، حدود ۱۷۰ هزار تن کالا به ارزش ۵۸۶ میلیون دلار وارد شده است. همچنین ارزش واردات از طریق رویه پیله‌وری ۷۱ هزار تن به ارزش حدود ۱۱۰ میلیون دلار بوده است.» وی افزود: «در رویه جدید تجارت مرزی نیز ۱۹۷ هزار تن کالا به ارزش حدود ۳۱۰ میلیون دلار وارد کشور شده و از طریق تعاونی‌های مرزنشینان نیز حدود هزار تن کالا به ارزش تقریبی ۳ میلیون دلار واردات صورت گرفته است.» خیرخواه با اشاره به سهم آذربایجان غربی از تجارت خارجی کشور بیان کرد: «به طور متوسط حدود ۱۰ درصد از تجارت خارجی کشور از طریق مرزهای استان انجام شده و آذربایجان غربی از نظر حجم فعالیت‌های تجاری در جایگاه سوم کشور قرار دارد.» وی با تأکید بر ارتقای جایگاه تجاری استان خاطرنشان کرد: «آذربایجان غربی در سال ۱۴۰۳ رتبه هشتم تجارت کشور را داشت، اما با توسعه فعالیت‌های تجاری و استفاده از ظرفیت مرزها، اکنون به رتبه سوم کشور ارتقا یافته که نشان‌دهنده اهمیت راهبردی مرزهای استان در مبادلات اقتصادی کشور است.»

> دستکم ۱۰ درصد تجارت خارجی کشور از مرزهای استان آذربایجان غربی انجام گرفته و این استان از نظر حجم مبادلات تجاری در جایگاه سوم کشور قرار دارد؛ جایگاهی که در مقایسه با رتبه هشتم استان در سال ۱۴۰۳، از رشد قابل توجه نقش‌آفرینی آن در اقتصاد ملی حکایت دارد



برش

اجرایی شدن دستور رئیس جمهوری

«سخاوت خیرخواه» مدیرکل صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی درباره تأثیر شبانه‌روزی شدن فعالیت مرزهای استان با دستور دکتر پزشکیان به «ایران» گفت: «تصمیم رئیس‌جمهوری در ۲۴ ساعته شدن فعالیت همه گذرگاه‌های استان به‌تازگی اجرایی شده و انتظار می‌رود آثار مثبت آن طی ماه‌های آینده بیشتر نمایان شود. شبانه‌روزی شدن فعالیت مرزها می‌تواند زمان انتظار برای صادرات کالا را کاهش دهد و روند تردد مسافران و فعالیت مرزنشینان را تسهیل کند.»

وی تصریح کرد: «استمرار فعالیت مرزها در تمام ساعات شبانه‌روز، زمینه افزایش سرعت مبادلات تجاری و استفاده مؤثرتر از ظرفیت‌های مرزی استان را فراهم می‌کند؛ البته تحقق کامل این ظرفیت علاوه بر شبانه‌روزی شدن مرزها، به همکاری و افزایش ظرفیت پذیرش کامیون‌ها از سوی کشورهای مقابل نیز بستگی دارد.» خیرخواه با بیان اینکه افزایش پذیرش کامیون‌ها از سوی طرف مقابل می‌تواند به رشد صادرات کمک کند، تأکید کرد: «در مقاطعی درباره معطلی کامیون‌ها و ایجاد صف‌های طولانی در برخی مرزهای کشور گزارش‌هایی منتشر شده اما خوشبختانه چنین مشکلی در مرزهای آذربایجان غربی وجود نداشته و روند فعالیت تجاری در مرزهای استان به شکل معمول در جریان است. با این حال، اگر کشور همسایه ظرفیت پذیرش را افزایش دهد، طبیعتاً صف انتظار نیز برطرف خواهد شد.» مجموع این آمارها و اظهارات مسئولان استانی نشان می‌دهد، آذربایجان غربی از ظرفیت قابل‌توجهی برای ایفای نقش پررنگ‌تر در تجارت خارجی کشور برخوردار است.

صادرات بیش از ۳.۵ میلیارد دلاری، سهم حدود ۱۰ درصدی از تجارت خارجی ایران و ارتقای جایگاه استان از رتبه هشتم به سوم، بیانگر افزایش اهمیت این منطقه در شبکه مبادلات اقتصادی کشور است. در این میان، شبانه‌روزی شدن مرزها می‌تواند نقطه شروع مرحله تازه‌ای از بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود باشد؛ با این حال، استمرار این روند نیازمند تکمیل زیرساخت‌های لجستیکی، تسهیل فرآیندهای گمرکی، رفع موانع ارزی و افزایش هماهنگی با کشورهای همسایه است.

به بیان دیگر، مزیت مرزی آذربایجان غربی زمانی به یک مزیت پایدار اقتصادی تبدیل خواهد شد که علاوه بر باز بودن گذرگاه‌ها در تمام ساعات شبانه‌روز، ظرفیت پذیرش و تخلیه کالا، امکانات حمل‌ونقل و سرعت انجام تشریفات تجاری نیز متناسب با حجم مبادلات توسعه یابد. در چنین شرایطی، این استان می‌تواند نه‌تنها به یکی از محورهای اصلی تجارت ایران با کشورهای همسایه و اروپا تبدیل شود، بلکه در شرایط محدودیت سایر مسیرهای تجاری، نقش مؤثرتری در حفظ جریان کالا و پایداری زنجیره تأمین کشور ایفا کند.

بنگاه

رونق سرمایه‌گذاری در شهرک‌های صنعتی هرمزگان



معاون برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان از انعقاد ۷۷ قرارداد جدید با سرمایه‌گذاران در شهرک‌ها و نواحی صنعتی این استان طی ۶ ماهه اول سال جاری خبر داد.

حمید دین‌پژوه گفت: «این اقدام با هدف توسعه فعالیت‌های صنعتی، جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و فراهم‌سازی زمینه رونق تولید و اشتغال در استان انجام شده است.»

وی اظهار کرد: «ثبت این تعداد قرارداد، نشان‌دهنده ظرفیت‌های اقتصادی و صنعتی هرمزگان و استقبال فعالان اقتصادی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این استان است.»

معاون برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال پایدار، خاطرنشان کرد: «حمایت از سرمایه‌گذاران و توسعه زیرساخت‌های صنعتی از اولویت‌های این شرکت بوده و تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز، تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات مناسب به متقاضیان در دستور کار قرار دارد.»

دین‌پژوه ادامه داد: « انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری، زمینه‌ساز شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی جدید، افزایش ظرفیت تولید، ایجاد فرصت‌های شغلی و تقویت زنجیره ارزش در استان بوده که حمایت و همراهی با سرمایه‌گذاران پس از انعقاد قرارداد تا مرحله راه‌اندازی واحدهای تولیدی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.»

وی تصریح کرد: «شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان همواره با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و برنامه‌ریزی برای توسعه شهرک‌ها و نواحی صنعتی، به دنبال افزایش جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و فراهم کردن بستر مناسب برای استقرار و فعالیت واحدهای تولیدی است.»

معاون برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت شرکت شهرک‌های صنعتی هرمزگان تأکید کرد: «استمرار حمایت از سرمایه‌گذاران و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز، نقش مؤثری در تحقق اهداف توسعه صنعتی استان، افزایش تولید و ایجاد اشتغال پایدار خواهد داشت.»

گندم هرمزگان؛ تولید در سایه مطالبات معوق

ایران آنلاین- بندرعباس- محمد خداکریمی: هم‌زمان با آغاز کشت محصول راهبردی گندم در ۱۵ هزار هکتار از اراضی کشاورزی هرمزگان، پیش‌بینی‌ها از برداشت بیش از ۷۰ هزار تن گندم در سال زراعی جاری حکایت دارد؛ محصولی که با وجود نقش مهم در تأمین بخشی از نیاز استان، همچنان با چالش‌هایی همچون تأخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان، تأمین کود شیمیایی و سوخت روبه‌روست. در این میان، شهرستان حاجی‌آباد با سهم قابل توجه از سطح زیرکشت و تولید گندم استان، جایگاه ویژه‌ای در تحقق این هدف دارد.

برداشت ۷۰ هزار تن گندم در هرمزگان

رئیس سازمان جهاد کشاورزی هرمزگان با اشاره به آغاز کشت گندم در اراضی کشاورزی استان، پیش‌بینی کرد امسال بیش از ۷۰ هزار تن از این محصول راهبردی، برداشت شود.

محسن یکتاپور با بیان اینکه شهرستان حاجی‌آباد یکی از مهم‌ترین قطب‌های کشت گندم در هرمزگان به شمار می‌رود، اظهار کرد: «پیش‌بینی می‌شود امسال بیش از ۴۰ هزار تن گندم از سطح ۱۱ هزار هکتار از اراضی کشاورزی این شهرستان برداشت شود.» وی با اشاره به ارقام کشت شده گندم در استان افزود: «شیروان، مهرگان، جلال، سحر و چمران ۲ از جمله ارقام مورد استفاده در مزارع گندم هرمزگان هستند.»

تأمین یک‌چهارم نیاز استان

رئیس سازمان جهاد کشاورزی هرمزگان با اشاره به سهم تولید داخلی در تأمین نیاز استان گفت: «گندم تولید شده در هرمزگان تنها ۲۵ درصد نیاز استان را تأمین می‌کند و بخش عمده نیاز از استان‌های دیگر، از جمله آذربایجان شرقی و همدان تأمین می‌شود.» یکتاپور در عین حال به ظرفیت استان در حوزه تولید بذر اشاره کرد و افزود: «۹۰ درصد بذر مورد نیاز برای تولید گندم هرمزگان در داخل استان تولید می‌شود؛ ظرفیتی که می‌تواند در تقویت زیرساخت‌های کشاورزی و پشتیبانی از تولید این محصول راهبردی نقش مؤثری داشته باشد.»

حاجی‌آباد؛ قطب تولید گندم

فرماندار حاجی‌آباد نیز با اشاره به شرایط اقلیمی این شهرستان گفت: «با توجه به شرایط آب‌وهوایی خاص حاجی‌آباد، محصولات نیمه‌سردسیری در مناطق شمالی و بخش مرکزی این شهرستان کشت می‌شود.» محمد سالاری‌پور افزود: «گندم نیز در بخش‌های مرکزی، فارغان و احمدی کشت می‌شود و امیدواریم کشاورزان در سال زراعی جاری با همکاری مسئولان استانی و شهرستانی، رونق بیشتری در بخش کشاورزی تجربه کنند.»



مطالبات معوق؛ دغدغه گندمکاران

در کنار برنامه‌ریزی برای افزایش تولید، مسائل مالی و تأمین نهاده‌های کشاورزی همچنان از مهم‌ترین دغدغه‌های گندمکاران استان به شمار می‌رود.

ایرج شریفی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی شهرستان حاجی‌آباد نیز با انتقاد از تسویه نشدن مطالبات گندمکاران پس از گذشت هفت ماه از سال گفت: «تأخیر در پرداخت مطالبات، کشاورزان را برای خرید کودهای شیمیایی با مشکل مواجه کرده است.»

وی با تأکید بر ضرورت رسیدگی به مشکلات تولیدکنندگان خواستار چاره‌اندیشی مسئولان برای رفع موانع تأمین کود و سوخت مورد نیاز کشاورزان شد؛ موضوعی که می‌تواند بر روند کشت، هزینه‌های تولید و استمرار فعالیت کشاورزی در منطقه تأثیرگذار باشد.

تسهیلات اعتباری برای گندمکاران

در همین راستا مدیر شعب بانک کشاورزی هرمزگان نیز از اجرای طرح ویژه‌ای با عنوان «گندم اعتبار» برای حمایت از گندمکاران و تسهیل امور مالی آنان خبر داد.

بابک کلانتری اظهار کرد:«در قالب این طرح، گندمکارانی که محصول خود را به سیلوها تحویل می‌دهند، می‌توانند بلافاصله پس از دریافت قبض تحویل، به شعب بانک کشاورزی مراجعه کنند و متناسب با میزان گندم تحویلی، از کارت اعتباری بهره‌مند شوند.» وی افزود:«میزان اعتبار پرداختی تا سقف ۳۰ درصد ارزش مجموع گندم تحویلی و حداکثر یک میلیارد تومان تعیین شده است و این کارت اعتباری بدون کارمزد و سود در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد.»

مدیر شعب بانک کشاورزی هرمزگان ادامه داد:«تسهیلات پرداخت شده، در زمان واریز وجه گندم از سوی دولت تسویه خواهد شد.»

تولید بیشتر در گرو حمایت پایدار

با آغاز کشت گندم در ۱۵ هزار هکتار از اراضی کشاورزی هرمزگان و پیش‌بینی برداشت بیش از ۷۰ هزار تن محصول، بار دیگر ظرفیت تولید این محصول راهبردی در استان مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، تحقق اهداف تولیدی در کنار شرایط اقلیمی و ظرفیت‌های کشاورزی، به رفع موانع مالی، تسریع در پرداخت مطالبات، تأمین به‌موقع نهاده‌ها و پشتیبانی مؤثر از کشاورزان وابسته است؛ مسائلی که می‌تواند در بهبود عملکرد مزارع و افزایش سهم تولید داخلی در تأمین نیاز گندم هرمزگان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

یادداشت



روح‌الله لک علی‌آبادی
عضو فراکسیون ورزش مجلس

قانون برای همه

قوانین موجود در ورزش به انـدازه کافی ظرفیت و ابزار لازم را بـرای کنترل رفتار هـواداران در اختیار متولیان ایـن حوزه قرار داده اسـت؛ بنابراین، به نظر نمی‌رسـد تدوین آیین‌نامه‌ای جدید بتواند راهگشـای مشـکلات فعلی باشـد، به‌ویژه آنکه هنوز مشـخص نیست چنین آیین‌نامـه‌ای از چـه ضمانت اجرایی برخـوردار خواهد بود و تا چه انـدازه می‌تواند مانع تکرار تخلفات شـود. در این میـان، آرای کمیته‌های انضباطی فدراسـیون‌ها مهم‌تریـن ابـزار بازدارنـده بـرای برخـورد بـا تخلفات ورزشـی بـه شـمار می‌رونـد. تغییـر نتیجه مسـابقه، محرومیـت از میزبانـی و حتـی برگـزاری بـازی بدون حضور تماشـاگران نیز از جمله اهرم‌هایی هسـتند که می‌توانند فدراسـیون‌ها را در اجـرای قانون یاری کنند؛ البتـه به شـرط آنکـه اراده‌ای جـدی برای اسـتفاده از این ابزارها وجود داشـته باشـد. برخورد با باشـگاه‌های متخلـف نبایـد تابع نـام، جایگاه یـا میزان نفـوذ آنها باشـد. هر وقت واکنش فدراسـیون در برابـر تخلفات یک باشـگاه با اغماض همراه شـود، این شـائبه شـکل می‌گیـرد که برخی تیم‌ها از حاشـیه امـن برخوردارند و قرار نیسـت هزینه رفتارهای غیرقانونی خود را بپردازند. هیـچ باشـگاهی نبایـد بالاتـر از قانـون قـرار بگیرد. ورزش یکـی از مهم‌تریـن بسـترهای ایجـاد نشـاط اجتماعـی بوده و طبیعی اسـت کـه متولیـان آن باید بـا رفتارهایـی کـه فضـای سـالم رقابـت را مخدوش می‌کننـد، برخـوردی قاطـع و بـدون تبعیض داشـته باشند .

اتفاقـات هفته‌هـای اخیـر لیگ برتـر فوتبـال، نمونه روشـنی از ضرورت چنین برخوردی اسـت. شـعارهای توهین‌آمیـز برخـی هـواداران در هفته‌هـای اخیـر در ورزشـگاه به قدری شـرم‌آور و زشـت بود کـه نمی‌توان به سـادگی از آن عبـور کرد.

رفتـار ایـن دسـته از هـواداران و سـکوت یـا واکنش غیرقاطـع فدراسـیون فوتبـال در برابـر آن، بـه هیچ عنـوان قابل قبول نیسـت. وقتی یک باشـگاه توانایی مدیریـت سـکوهای خود را نـدارد، فدراسـیون باید با تذکری جدی و در صورت لـزوم، ورود کمیته انضباطی، این باشـگاه را ملـزم به پاسـخگویی کند.

تـداوم چنیـن رفتارهایی، در صـورت فقـدان برخورد مؤثـر، می‌توانـد دامنـه ماجرا را فراتـر از فوتبـال ببرد و پـای نهادهای مسـئول دیگـر را نیز به میان بکشـد. فوتبـال قـرار اسـت عامل همدلـی، نشـاط و نزدیکی مـردم باشـد، نـه بسـتری بـرای توهیـن به شـأن و شخصیت افراد. واقعاً تماشای مسـابقه‌ای که در آن به انسـان‌ها توهیـن می‌شـود، چه ارزشـی دارد؟

«ایران» آیین‌نامه تشکیل و فعالیت کانون هواداران باشگاه‌های فوتبال را بررسی می‌کند

فرهنگ‌سازی کاغذی

سـینا حسـینی / افزایـش ناهنجاری‌هـا در برخـی ورزشـگاه‌های فوتبال، بار دیگر ضـرورت بازنگری در شـیوه مدیریت سکوها و ساماندهی رفتار هواداران را بـه یکی از موضوعات مهم فوتبـال ایران تبدیل کرده اسـت. سـازمان لیگ نیز در واکنش به این شرایط، با ابـلاغ آیین‌نامه‌ای جدید به باشـگاه‌ها، تشـکیل کانون‌های هواداری را در دسـتور کار قرار داده تا از این طریق بتواند فضای ورزشـگاه‌ها را مدیریت و از تکرار رفتارهای خارج از عـرف جلوگیری کند.

بدون تردید، سـاماندهی هواداران و ایجاد ساختاری مشـخص برای ارتباط میان باشـگاه‌ها و تماشاگران، اقدامـی ضـروری و قابـل دفاع اسـت؛ اما پرسـش اصلی اینجاسـت که آیا ابلاغ یـک آیین‌نامه و تعیین مجموعه‌ای از وظایـف اداری می‌تواند فرهنگ حاکم بر سـکوها را تغییر دهد؟ تجربه سـال‌های گذشـته نشـان داده که فاصلـه قابل‌توجهی میـان تصویب دسـتورالعمل‌ها و اجـرای مؤثـر آنهـا وجـود دارد؛ فاصلـه‌ای کـه گاهی تمـام اهـداف یک طـرح را به حاشـیه می‌راند.

واقعیت این اسـت کـه کانون هـواداری نباید به یک تشـکل اداری با مسئولیت‌های مشـخص روی کاغذ تبدیل شـود. چنیـن مجموعـه‌ای زمانـی می‌تواند اثرگذار باشـد که از دل بدنه هواداران شـکل بگیرد، از اعتبـار اجتماعی برخوردار باشـد و ارتباطی واقعی و مسـتمر با باشگاه داشـته باشـد. نمی‌توان انتظار داشـت هواداری که هیچ نقشـی در تصمیم‌گیری‌ها نـدارد، بـا دریافت چنـد بخشـنامه بـه نماینده‌ای مسـئولیت‌پذیر برای مدیریت سـکوها تبدیل شود. تجربه‌هـای موفـق در فوتبـال جهـان نیـز نشـان می‌دهد که اصلاح رفتار تماشـاگران نیازمند آموزش مسـتمر، گفت‌وگـو، مشـارکت هـواداران، نظـارت هوشـمندانه و برخـورد قاطـع و عادلانه بـا تخلفات اسـت. همچنین نبایـد نقـش باشـگاه‌ها را در این مسـیر نادیده گرفـت؛ باشـگاه‌ها باید به‌جـای نگاه تشـریفاتی به کانون‌های هواداری، برای شـکل‌گیری ارتباطـی مؤثـر با تماشـاگران خـود سـرمایه‌گذاری کنند. سـازمان لیگ نیز بهتر اسـت به‌جای افزایش بـر حجـم دسـتورالعمل‌ها و پیچیدگی‌هـای اداری، سـازوکار اجرایـی و ضمانت‌های نظارتی مشـخصی طراحـی کند. تغییـر فرهنگ ورزشـگاه‌ها پـروژه‌ای کوتاه‌مدت و بخشـنامه‌ای نیسـت؛ مسیری تدریجی اسـت کـه بـدون اعتمادسـازی و مشـارکت واقعی هواداران به نتیجه نخواهد رسـید. سکوهای فوتبال بیـش از آیین‌نامـه، بـه برنامه‌ای عملـی و مدیریتی باورپذیر نیـاز دارند.

محمد طباطبایی، سرپرست دفتر امور فرهنگی وزارت ورزش در گفت‌وگو با «ایران»:

فوتبال بدون هوادار، یک مسابقه بی‌هویت است

مهری رنجبر / سـاماندهی هـواداران فوتبال و مقابله بـا ناهنجاری‌های ورزشـگاهی، یکـی از ضرورت‌های امـروز فوتبال ایران اسـت؛ موضوعی کـه وزارت ورزش و جوانان را به تدوین و ابـلاغ آیین‌نامه کانون هواداری بـرای باشـگاه‌های لیگ برتری واداشـته اسـت. این آیین‌نامـه با هدف تفکیـک هواداران واقعـی از تماشـاگرنماها، ارتقای فرهنـگ هواداری و فراهـم کردن محیطی امن برای تماشـاگران تدوین شـده و پیش‌نویس آن مردادماه در نشسـتی دو روزه بـا حضور معاونان فرهنگی باشـگاه‌ها در اصفهـان مـورد بررسـی قـرار گرفتـه بـود. سـیدمحمد طباطبایی احمدرضایی، سرپرسـت دفتر امور فرهنگی وزارت ورزش، در گفت‌وگو با «ایـران» درباره اهداف و جزئیات اجرای ایـن آیین‌نامه توضیح می‌دهد.

سـید محمد طباطبایی احمدرضایی با اشـاره به ضرورت سـاماندهی هواداران می‌گویـد: «پس از برخی ساختارشـکنی‌ها و رفتارهـای نامتعارف در برخی ورزشـگاه‌ها، راه‌انـدازی کانون هـواداری به یک ضرورت تبدیل شـد. باید میان هوادار واقعی، تماشاگر و تماشاگرنما تفاوت قائل شد و مشخص شـود هر فرد بـرای تبدیل شـدن به یک هـوادار مسـئولیت‌پذیر چه مسـیری را باید طی کند.»

او با اشـاره به تجربه باشـگاه‌های بزرگ دنیا ادامه می‌دهـد: «فیفا و باشـگاه‌های معتبـر جهان نیز آیین‌نامه‌های مشـخصی در حوزه هواداری دارند. پیش از این هم در کشور آیین‌نامه‌ای تدوین شده بود، اما کاسـتی‌هایی داشـت. به همیـن دلیل، متناسب با شـرایط و نیازهای روز فوتبال ایران آن را بازنگری کردیم تا به مجموعه‌ای جامع برسیم.»

جایگاه هواداران باسابقه

سرپرسـت دفتـر امـور فرهنگـی وزارت ورزش، توجـه بـه جایـگاه هـواداران باسـابقه و تعریف مسـئولیت‌های اجتماعـی آنـان را از محورهـای مهـم ایـن دسـتورالعمل می‌دانـد. او می‌گوید: «کسـی که ۲۰ سـال در سـرما و گرما در ورزشـگاه حضور داشته و تیم محبوبش را تشویق کرده، باید جایگاه متفاوتی نسـبت به یک تماشـاگر تازه‌وارد داشـته باشـد. در آیین‌نامه، نحوه نظارت بر رفتار هواداران و مسئولیت‌های آنان نیز مشخص شده اسـت. هوادار بایـد بداند که رسـالت اجتماعی دارد و حضورش در ورزشـگاه تنها به تشـویق تیم محدود نمی‌شـود.»

به گفته سرپرسـت دفتر امور فرهنگـی وزارت ورزش، ارتقـای فرهنـگ هـواداری، حضـور عزتمندانه بانـوان در ورزشـگاه‌ها و تکریم پیشکسـوتان نیز مـورد توجه قـرار گرفته اسـت. همچنیـن مقرر شـده یک درصـد از بودجـه کل باشـگاه‌ها به فعالیت‌هـای کانون هـواداری اختصـاص یابـد تا بـرای تکریم هـواداران و پیشکسـوتان و فرهنگ‌سـازی در ورزشـگاه‌ها هزینه شـود.

آموزش و مدیریت هیجان تماشاگران

طباطبایـی احمدرضایی آموزش را یکی از ارکان اصلـی اجرای موفق آیین‌نامـه می‌دانـد و می‌گویـد: «سـرفصل‌های آموزشـی مشخص شـده و با معاونان فرهنگی باشگاه‌ها نیز در این زمینه جلسـه داشـته‌ایم. قرار اسـت طی یکـی دو هفتـه آینده نشسـتی بـا مسـئولان کانون‌هـای هـواداری برگـزار کنیـم. حتـی برای آمـوزش هـواداران از ظرفیـت هوش مصنوعی نیز استفاده خواهیم کرد.»

او دربـاره ایـن برنامـه توضیـح می‌دهـد: «برای نمونه، می‌توان شـرایط مسـابقه یک تیم مقابل تیمـی ماننـد منچسـتریونایتد را با حضـور ۱۰۰ تماشـاگر شبیه‌سـازی کرد و واکنـش آنها را در موقعیت‌هـای مختلـف سـنجید؛ از جمله کنترل خشـم و هیجان پـس از برد و باخـت، تصمیم اشـتباه داور یا رفتار تحریک‌آمیز یک تماشـاگر. هدف، آموزش مدیریـت هیجان و اصلاح رفتـار در ورزشـگاه اسـت. البته بـرای تحقـق ایـن برنامه‌هـا، همراهـی باشـگاه‌ها و اصحاب رسـانه ضـروری اسـت. ممکن اسـت آیین‌نامه در مرحلـه اجرا نواقصی داشـته باشـد، امـا باید فرصت اصـلاح و تکمیل آن را فراهم کنیم.»

فاصله تا شرایط مطلوب هواداری

سرپرسـت دفتر امور فرهنگـی وزارت ورزش معتقد اسـت ورزشگاه‌های ایران هنوز با شرایط مطلوب فرهنگی فاصله دارنـد. او در این‌بـاره می‌گویـد: «در مرحله اجـرا قطعـاً بـا چالش‌هایی روبه‌رو می‌شـویم، اما باید بـا بازبینی و اصلاح مقررات و استفاده از ظرفیت اسـتان‌ها، کانون‌هـای هـواداری و باشگاه‌ها، زمینه حضور امن تماشـاگران را فراهم کنیـم. ممکـن اسـت ادعـای داشـتن بهترین تجربه‌هـای موفـق در فوتبـال جهـان نیـز نشـان می‌دهد که اصلاح رفتار تماشـاگران نیازمند آموزش مسـتمر، گفت‌وگـو، مشـارکت هـواداران، نظـارت هوشـمندانه و برخـورد قاطـع و عادلانه بـا تخلفات اسـت. همچنین نبایـد نقـش باشـگاه‌ها را در این مسـیر نادیده گرفـت؛ باشـگاه‌ها باید به‌جـای نگاه تشـریفاتی به کانون‌های هواداری، برای شـکل‌گیری ارتباطـی مؤثـر با تماشـاگران خـود سـرمایه‌گذاری کنند. سـازمان لیگ نیز بهتر اسـت به‌جای افزایش بـر حجـم دسـتورالعمل‌ها و پیچیدگی‌هـای اداری، سـازوکار اجرایـی و ضمانت‌های نظارتی مشـخصی طراحـی کند. تغییـر فرهنگ ورزشـگاه‌ها پـروژه‌ای کوتاه‌مدت و بخشـنامه‌ای نیسـت؛ مسیری تدریجی اسـت کـه بـدون اعتمادسـازی و مشـارکت واقعی هواداران به نتیجه نخواهد رسـید. سکوهای فوتبال بیـش از آیین‌نامـه، بـه برنامه‌ای عملـی و مدیریتی باورپذیر نیـاز دارند.



منبع: فدراسیون فوتبال ایران



هوادار هویت یک باشگاه است و باید از آن محافظت کرد. فوتبال زمانی هویت واقعی پیدا می‌کند که هوادار با اطمینان وارد ورزشگاه شود و با آرامش از آن خارج شود؛ چراکه فوتبال بدون هوادار هویت ندارد

ساختار مدیریتی کانون‌ها

بـه گفته طباطبایی احمدرضایی، هر ۱۸ باشـگاه لیگ برتری از گذشـته کانون هواداری داشته‌اند، اما فعالیت آنها اکنون ساختارمند خواهد شد. او درباره نحـوه انتخاب مدیـران کانون‌ها می‌گوید: «کانـون هـواداری بایـد مجمع داشـته باشـد. مدیرعامل باشـگاه، رئیـس کانـون را به مجمع معرفی می‌کنـد و انتخـاب او بـا رأی اعضا انجام می‌شـود. هیأت‌مدیـره نیـز مشـخص خواهـد شـد تا سیاسـت‌های کلان و برنامه‌های فرهنگی کانـون در مجمـع به تصویب برسـد و بـر اجرای آنها نظارت شـود.»

ورزشگاه؛ یک مجموعه فرهنگی

او توسـعه ورزشـگاه‌های اختصاصـی را از الزامـات حرفه‌ای شـدن باشـگاه‌ها می‌داند و تأکید می‌کند: «فوتبال حرفه‌ای به باشـگاه حرفـه‌ای نیـاز دارد و باشـگاه حرفـه‌ای نیـز باید ورزشـگاه اسـتاندارد و اختصاصی داشته باشـد. ما در سـاماندهی کانون‌های هواداری از الگـوی ورزشـگاه نقـش جهـان اصفهـان اسـتفاده کرده‌ایـم کـه بهره‌بـرداری آن بـه فـولاد مبارکه سـپاهان واگذار شـده اسـت. چند ورزشـگاه دیگر نیز شناسـایی شـده‌اند و شـرکت توسـعه و نگهداری اماکن ورزشـی در حـال تدویـن سـازوکار واگـذاری آنهـا به باشگاه‌هاسـت.»

طباطبایـی احمدرضایـی با اشـاره بـه مهلت اجرای آیین‌نامه می‌گوید: «باشـگاه‌ها سـه ماه فرصت دارنـد کانون هواداری خـود را راه‌اندازی کننـد. در پایـان فصل نیز نقاط قـوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای اجرای آیین‌نامه بررسـی می‌شـود تا در صورت نیاز، اصلاحات لازم انجام گیرد. بـا اجرای طرح نظام جامع باشـگاه‌داری نیز این موضوع ضمانت اجرایی بیشـتری پیدا خواهد کـرد. امیـدوارم بـا همراهی رسـانه‌ها این گام مهم عملیاتی شـود. هوادار هویت یک باشگاه است و باید از آن محافظت کرد. فوتبال زمانـی هویت واقعـی پیـدا می‌کند که هـوادار بـا اطمینان وارد ورزشـگاه شـود و بـا آرامش از آن خـارج شـود؛ چراکـه فوتبال بـدون هوادار هویت ندارد.»

محمد جمالی، معاون فرهنگی باشگاه پرسپولیس در گفت‌وگو با «ایران»:

تمام مفاد آیین‌نامه مورد پذیرش باشگاه‌ها نیست

گـروه ورزشـی/ ابـلاغ آیین‌نامـه فعالیـت کانون‌هـای هـواداری باشـگاه‌های لیگ برتر، بار دیگر موضوع نقش باشـگاه‌ها و نهادهای بالادسـتی در ساماندهی سکوها و ارتقای فرهنگ هواداری را به بحثی جـدی در فوتبـال ایران تبدیل کرده اسـت. محمـد جمالی، معاون فرهنگی باشگاه پرسـپولیس، با مثبت ارزیابی کردن بخشی از مفاد ایـن آیین‌نامه، معتقد اسـت تفاوت شـرایط باشـگاه‌ها و اقتضائات بومـی هر تیم باید در تدویـن و اجرای قوانین مورد توجـه قرار گیرد. جمالـی در گفت‌وگـو بـا «ایران» با اشـاره به اینکه آیین‌نامـه جدید را ۳۰ درصد حرکت روبـه جلو می‌داند، توضیـح داد: «در این آیین‌نامه نـگاه فرهنگی و موضوع فرهنگ‌سـازی دیده شـده، اما یکسـان در نظر گرفتن تمام تیم‌ها در اجرای قوانین، رویکرد درسـتی نیسـت.» او با تأکید بر اهمیت جایگاه تماشـاگران در فوتبال می‌گوید: «فوتبال بـرای هواداران تنها یک مسـابقه ورزشـی نیسـت، بلکه بخشـی از زندگی و اوقات فراغت آنهاسـت. به همین دلیل، فضای ورزشـگاه‌ها و اتفاقاتی که روی سـکوها رخ می‌دهد، اهمیت ویژه‌ای دارد. هواداران در جریان مسـابقات فشـارهای روانـی مختلفـی را تجربه می‌کنند و باشـگاه‌ها وظیفه دارنـد با برنامه‌ریـزی دقیق، اجـرای قانونمند و سیاسـت‌های فرهنگی مناسـب، شـرایطی فراهم کنند تـا آرامش و لذت تماشـای فوتبال بـه ورزشـگاه‌ها بازگردد.» معـاون فرهنگی پرسـپولیس ادامـه داد: «تمـام مفـاد ایـن آیین‌نامه مـورد پذیرش مالک هر باشگاه نیسـت. براسـاس قوانین و رویه‌های بین‌المللی، فدراسـیون‌ها نمی‌تواننـد دربـاره تمـام ابعـاد فعالیـت هـواداران تصمیم‌گیـری کنند و این اختیار عمدتاً در مـوارد انضباطی معنا پیدا می‌کند. امـا در کل آیین‌نامـه را اقدامی مثبـت می‌دانیم که می‌تواند باشگاه‌ها را در مسیر مشخصی قرار دهد و بودجه‌ای ویژه برای توسعه فرهنگ هـواداری به مجموعه فوتبـال اضافه کند.»

جمالی بـا انتقاد از یک‌طرفه بودن نظام تشـویق و تنبیـه در فوتبال ایران توضیـح داد: «فدراسـیون باید بپذیرد همان‌طـور که به دلیل برخی رفتارهای روی سـکوها، باشـگاه‌ها را محروم یـا جریمه نقدی می‌کند، در حوزه تشـویق نیز نباید به یک پیام تشـکر بسـنده کند. نظام تشـویق و تنبیه باید در کنار یکدیگر تعریف شـود. بهتر اسـت درآمد حاصـل از جریمه‌ها برای توسـعه زیرسـاخت‌های هـواداری هزینه شود. وقتی باشگاه‌ها برای تأمین این زیرساخت‌ها درخواست همکاری می‌کنند، پاسـخ این اسـت که هزینه‌ها را از مالک باشـگاه بگیرید. فدراسـیون نمی‌تواند تمام مسـئولیت‌های مالی را به گردن باشگاه‌ها بیندازد و در عین حال، بدون مشـارکت آنها برای هواداران تصمیم بگیرد.» او در ادامه به ضرورت بررسـی شـرایط ورزشـگاه‌ها از نگاه تماشـاگران اشـاره کرد و گفت: «نهادهای بالادسـتی فوتبال فعلاً بیشـتر در جایـگاه قانونگذار قـرار گرفته‌اند، اما آیـا قوانین را از منظر هواداران بررسـی کرده‌اند؟ سـهم خودشـان در فرهنگ‌سازی ورزشـگاه‌ها چقدر بـوده و تا چه اندازه توانسـته‌اند امنیـت و آرامش تماشاگران را تأمین کنند؟ فدراسیون باید ابتدا ضعف‌های موجود در ساختار خودش را برطرف کند.» جمالی با اشاره به اقدامات فرهنگی پرسـپولیس در ادامه توضیح داد: «سیاسـت‌های تشویقی و تنبیهی برای هواداران و لیدرها در باشـگاه تعریف شـده و کانون هواداری نیز بودجه مسـتقلی دارد. باشـگاه پرسـپولیس یک مجموعه فرهنگی ورزشی اسـت و سال‌هاسـت در این حوزه فعالیت می‌کند. مدیریت رفتار هواداران و تشویق آنها در درجه اول برعهده خود باشگاه است.»

حجت‌الله بهمنی، معاون فرهنگی سازمان لیگ فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

مجوز حرفه‌ای باشگاه‌های بی‌تفاوت به سکوها صادر نمی‌شود

پریسـا غفـاری/ بـا وجـود تدوین و ابـلاغ آیین‌نامه فعالیـت کانون‌های هـواداری باشـگاه‌های لیـگ برتـر، همچنان شاهد رفتارهای ناهنجار در برخی ورزشگاه‌های کشور هستیم که بازتاب منفی بسـیار زیادی در جامعه دارد. حجـت‌الله بهمنـی، معـاون فرهنگـی سـازمان لیگ، با تشـریح اقدامات انجام‌شـده برای ساماندهی هواداران، از الزامات جدید باشگاه‌ها و پیشـنهاد محرومیـت از دریافـت مجـوز حرفـه‌ای بـرای باشـگاه‌های کـم‌کار می‌گویـد. بهمنـی دربـاره رونـد اجـرای آیین‌نامـه کانون‌هـای هـواداری در گفت‌وگـو بـا «ایـران» توضیح می‌دهـد: «پروسـه فرهنگی کانون‌هـا در اغلب باشـگاه‌هایی که با عنوان مجموعه فرهنگی و ورزشـی فعالیت می‌کنند، آغاز شـده اسـت. شاهد هستیم که برخوردها و رفتارها در ورزشـگاه‌ها تغییر کرده و اقدامات انجام‌شـده تأثیـر خـود را بـر فضای سـکوها گذاشـته اسـت. با اینکه به هیأت‌رئیسـه فدراسـیون پیشـنهاد داده‌ایم برای ایجـاد ضمانت اجرایی ایـن آیین‌نامـه، باشـگاه‌هایی که در اجـرای مفـاد آن عملکرد مناسـبی ندارنـد، نتواننـد مجـوز حرفـه‌ای دریافـت کنند.»

او بـا اشـاره بـه جلسـات متعـدد بـا معاونـان فرهنگـی باشـگاه‌ها و ضرورت ایجاد سـاختار رسـمی برای فعالیت‌هـای هـواداری می‌گویـد: «تصویـب ایـن آیین‌نامـه یکـی از موضوعـات مهمی بود کـه به‌صورت جدی پیگیری شـد. الزام باشـگاه‌ها بـه ایجـاد معاونت فرهنگـی و کانون هواداری در سـاختار رسـمی آنها نیز از جملـه موارد مـورد تأکید بـود. در تدویـن این آیین‌نامـه، قوانین فیفا و تجربیات کشـورهای صاحب فوتبال، بویـژه انگلیـس، دربـاره حقـوق و مسـئولیت‌های هـواداران بررسـی و با شـرایط فرهنگی و اجتماعی کشور تطبیـق داده شـد. در این سـاختار، جایگاه معاون فرهنگی تعریف شـده و کانـون هـواداران نیـز زیرمجموعه آن قـرار گرفتـه اسـت. باشـگاه‌ها همکاری‌های لازم را انجـام داده‌اند و برای مشوقان سازماندهی‌شده کارت صـادر شـده و حتـی در ورزشـگاه‌ها صندلی مشـخصی به آنهـا اختصاص یافته اسـت.»

معاون فرهنگی سـازمان لیگ درباره نقش زیرساخت‌ها در کنترل سکوها نیز توضیـح می‌دهد: «هنـوز تمامی ورزشـگاه‌ها از نظـر سـخت‌افزاری شـرایط مطلوبـی ندارنـد و بـه دوربین‌های نظارتی مجهز نیسـتند، اما در مسـیر دریافت مجوز حرفه‌ای، بسـیاری از باشـگاه‌ها موظـف بـه تأمیـن امکانـات موردنیاز شـده‌اند. اسـتفاده از VAR و تصمیماتی که داور پس از بازبینی تصاویـر اتخاذ می‌کند نیز به کاهـش تنش‌ها روی سـکوها کمک کرده اسـت؛ چراکه هـواداران بـه این سیسـتم اعتمـاد دارند.»

بهمنـی بـا تأکیـد بـر ضـرورت نگاه فرهنگـی و مدیریتـی بـه فضـای ورزشـگاه‌ها ادامه می‌دهد: «ورزشگاه تنها محل برگـزاری مسـابقه فوتبال نیسـت، بلکه فضایی اجتماعی است کـه هـزاران نفـر از اقشـار مختلـف جامعـه در آن حضور پیـدا می‌کنند. برای مقابله با آسـیب‌های اجتماعی و رفتارهـای نامناسـب، بایـد بـه اقدامـات فرهنگـی و مدیریتی توجه داشـت و تنها به برخوردهای مقطعی تکیـه نکرد.»

بهمنـی دربـاره شـرایط انتخـاب معاونـان فرهنگـی باشـگاه‌ها و اهـداف آیین‌نامـه می‌گویـد: «معاونـان فرهنگـی بایـد حداقـل مدرک کارشناسـی و ۱۰ سـال سـابقه کاری داشـته باشـند و صـدور کارت فعالیـت آنها نیـز به تأییـد نهادهای ذی‌ربط بسـتگی دارد. ایـن آیین‌نامه می‌تواند موضوعاتـی همچون حقوق هـواداران، اسـتاندارد ورزشـگاه‌ها، امنیت، خدمات رفاهی، مسـئولیت باشـگاه‌ها، ارتبـاط بـا کانون‌هـای هـواداری و برنامه‌هـای فرهنگـی و آموزشـی را به‌طـور دقیق مشـخص کند.»



امین کریمیان، معاون فرهنگی باشگاه فولاد سپاهان در گفت‌وگو با «ایران»:

کانون‌های هواداری نباید قربانی تصمیم‌های سلیقه‌ای شوند

گروه ورزشی/ بداخلاقی‌های تماشاگران در برخـی دیدارهـای لیگ برتـر فوتبال، بـار دیگـر ضـرورت احیـای کانون‌های هـواداری را به دغدغه باشـگاه‌ها تبدیل کـرده اسـت؛ طرحی کـه پیـش از این نیـز بـا هـدف سـاماندهی هـواداران و کنترل فضای ورزشـگاه‌ها دنبال شـده، اما بـه دلایل مختلف بـه نتیجه مطلوب نرسـیده اسـت. حالا با ابـلاغ آیین‌نامه جدید کانون‌های هـواداری، بار دیگر این پرسـش مطرح اسـت که آیا ایـن طرح می‌تواند به سـرانجام برسـد؟

امین کریمیان، معاون فرهنگی باشـگاه فـولاد سـپاهان، در گفت‌وگو بـا «ایران» با اشاره به فراز و نشـیب‌های کانون‌های هواداری در یک دهـه اخیر می‌گوید: «در این مـدت تصمیمـات مختلفـی درباره کانون‌های هواداری گرفته شـده اسـت؛ مقطعـی آنها را مسـتقل کردنـد، زمانی منحـل شـدند و پـس از آن نیـز اعلام شـد کـه کانون‌هـای هـواداری بایـد در حوزه فرهنگـی فعالیت کننـد. حتی در مقاطعـی آیین‌نامه‌هایی تدویـن و ابلاغ شـد، اما هیچ‌کدام نتوانسـتند مسـیر فعالیت این کانون‌ها را به شکل مناسبی مشـخص کنند.»

او دربـاره آخریـن تحولات ایـن موضوع توضیح می‌دهد: «پیش‌نویس آیین‌نامه جدیـد مردادمـاه در نشسـت دو روزه اصفهـان بـا حضـور معاونـان فرهنگی باشـگاه‌ها بررسـی شـد. حاضـران دیدگاه‌های خـود را مطرح کردنـد و قرار بـود موضـوع در کمیسـیون فرهنگـی مجلـس نیـز بررسـی و تصویب شـود. هفته گذشـته هـم آیین‌نامـه به‌صورت رسـمی بـه باشـگاه‌ها ابلاغ شـد. حالا بایـد دید سرنوشـت ایـن آیین‌نامه چه خواهد شـد و آیا ماننـد نمونه‌های قبلی به فراموشی سـپرده می‌شـود یا سازوکار مشخصی برای نظارت و اجرای آن در نظر گرفته شـده است.»

کریمیـان در عیـن حـال بـه برخـی ابهامـات موجـود در متـن آیین‌نامـه اشـاره می‌کنـد و معتقـد اسـت چند بنـد آن نیازمند شفاف‌سـازی اسـت. بـه گفته او، در بنـد ۲-۲، موضوع رفتار اجتماعـی، فرهنگـی و انضباطـی بـا مشـارکت نماینـده باشـگاه مطـرح شـده، اما پیوسـت شـماره یک که باید چارچـوب رفتار حرفـه‌ای و فرهنگی را مشـخص کند، وجود ندارد. همچنین در ماده ۱-۵، تهیه و ابلاغ دستورالعمل انتخاب اعضـای کانون به فدراسـیون واگذار شـده و در ماده ۴ فصل دوم نیز باشـگاه‌ها موظف شـده‌اند اساسنامه کانـون خود را براسـاس الگوی مصوب وزارت ورزش و فدراسـیون تدویـن کنند.

او تأکیـد می‌کند: «یکـی از نکات مثبت ایـن آیین‌نامـه، الـزام باشـگاه‌ها بـه اختصـاص یـک درصـد از بودجـه خود به کانون هـواداری اسـت. کریمیان این تصمیـم را اقدامـی مؤثـر بـرای تقویت زیرسـاخت‌های فرهنگی و فراهم کردن امـکان فعالیـت منسـجم‌تر کانون‌هـا می‌دانـد.»

او دربـاره سـاختار جدیـد کانون‌هـا نیز معتقد اسـت که آیین‌نامـه، مدلی میان اسـتقلال و وابسـتگی به باشـگاه را دنبال می‌کند؛ سـاختاری که به تعبیـر او نوعی وضعیت «خصولتی» ایجاد کرده اسـت. این مدل اگر به‌درسـتی مدیریت شـود، می‌توانـد از حاشیه‌سـازی‌ها جلوگیری کند.

او همچنین اسـتفاده از فضای مجازی را فرصتی همراه با حساسـیت‌های خاص می‌داند و می‌گوید: «کری‌خوانی بخشـی از فرهنگ هواداری اسـت، به شـرط آنکه به توهیـن و بی‌احترامی تبدیل نشـود. متأسـفانه گاهی این مرز نادیـده گرفته می‌شود.»

امیـن کریمیـان بـا تأکیـد بر ضـرورت مدیریـت هیجان و خشـم هـواداران در زمان بـرد و باخت تیم‌ها، معتقد اسـت منشـأ بسـیاری از رفتارهـای نادرسـت سکوهای ورزشگاه نیست و گاهی افرادی خارج از ورزشـگاه با اهداف شـخصی به هـواداران خط می‌دهنـد. او کنترل این جریان‌هـا را ضروری می‌دانـد و به اجرای طرح ساماندهی هواداران روی سکوها در باشگاه سـپاهان، با الگوبرداری از باشگاه دورتمونـد، اشـاره می‌کنـد؛ اقدامی که هفتـه گذشـته در این باشـگاه بـه اجرا درآمده اسـت.